

بودجه ریزی برای همه

راهنمای ابتکارات بودجه ریزی جنسیت محور

نویسندگان:

جسینتا ون بورن . ترا ون اوش . شیلا کوین

مترجم:

دکتر فاطمه حقیقت جو

بودجه‌ریزی برای همه

راهنمای ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور محلی

نویسندگان:

جسینتا ون بورن . ترا ون اوش . شیلا کوین

مترجم:

دکتر فاطمه حقیقت جو

CREDITS

Authors

Jacintha van Beveren, Bureau Castora, Delft, The Netherlands
Thera Van Osch, Vrouwen Alliantie, Utrecht, The Netherlands
Sheila Quinn, Independent Consultant, Dublin, Ireland

With the collaboration of

Mandy Arens, Bettina Bock, Veerle van den Broek, Valli Burello,
Christine C te, Gabriella Presta, Mara Qualizza, Nikos Sidiropoulos,
Inge Stemmler, Bibi Straatman, Brigitte Theeuwen, Twie Tjoa,
Angeliki Tseva, Annemarie Westen, Evgenia Zarokosta, Luciana Zuccheri.

Final editing Aengus Carroll, Dublin, Ireland
Photography Mieke Schlaman, The Hague, The Netherlands
Design covers Varwig Design, Erik de Bruin, Hengelo
Published by VAmP, Vrouwen Alliantie media productions

The manual "budgeting for all" is one of the results of the project "Vrouw(en)zaken" (Women's Business), which promotes equal opportunities for rural women in The Netherlands and which is financed by the European Union Equal Programme (2004-2001), the Dutch Ministry of Social Affairs and Employment, and the Dutch Alliance of Women.

Website: [www.vrouw\(en\)zaken.net](http://www.vrouw(en)zaken.net)

  Bureau Castora, Delft/Sheila Quinn, Dublin/Vrouwen Alliantie, Utrecht-September 2004

پیش گفتار

برابری و عدالت جنسیتی یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و توسعه دموکراتیک است. اجرای قوی و کارآمد قانون برابری جنسیتی اتحادیه اروپا مهم است، اما نمی‌تواند به طور کامل پویایی های ساختاری و نهادی که همچنان نابرابری بین زنان و مردان را در اروپا تولید می‌کند، حل کند. اتحادیه اروپا با ایجاد یک پایه حقوقی (پیمان آمستردام) ، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های مختلف برای افزایش برابری بین زنان و مردان در اتحادیه اروپا را شروع کرد. اما اجرای این ابتکارات در سطح اروپا، ملی، منطقه‌ای و محلی تنها از طریق رهبری سیاسی و تعهد به برابری جنسیتی همزمان با بودجه‌ریزی جنسیت محور امکان پذیر است. نحوه خرج کردن بودجه یک دولت اولویتهای آن دولت را نشان می‌دهد. از آنجا که نقش زنان و مردان در جامعه متفاوت است، تاثیر بودجه بر آنها نیز متفاوت است.

در همه جوامع دسترسی به منابع، حقوق و قدرت هنوز بین زنان و مردان به طور نابرابر توزیع شده است. تقریباً در همه زمینه‌های زندگی، توزیع نابرابر ثروت، قدرت و کیفیت زندگی در مردان مطلوب تر از زنان است. کمتر از ۲ درصد کل زمین‌ها متعلق به زنان است (FAO, ۲۰۰۲)، میانگین درصد زنان در پارلمان‌ها در سراسر جهان ۱۴.۵٪ است (IU, ۲۰۰۲) و در اتحادیه اروپا زنان به طور متوسط ۷۳٪ از درآمد ساعتی مردان را برای همان کار با همان شرایط (ETUC, ۲۰۰۱) کسب می‌کنند.

تمام سیاست‌های عمومی در دستیابی به هدف برابری بین زن و مرد در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش دارند. به خصوص تصمیمات دولت در

مورد چگونگی جمع آوری پول، از طریق طیف وسیعی از اقدامات مالیاتی مختلف، و در مورد چگونگی مصرف پول، به عنوان مثال برای خدمات عمومی مانند بهداشت و مسکن یا سرمایه گذاری در راه سازی، می‌تواند شکاف بین وضعیت زنان و مردان در جامعه را گسترش یا کاهش دهد.

بودجه‌ها اولویت‌های سیاسی و تعهدات دولت (محلی، منطقه‌ای و ملی) را تبدیل به اقدامات عملی می‌کند. در تلاش برای دستیابی به یک جامعه برابرتر مهم است پرسیده شود که آیا تعهد به برابری جنسیتی هنگام اتخاذ تصمیمات توسط دولت‌های ما و نهادهای اروپایی و درباره جمع آوری و هزینه کرد پول در نظر گرفته می‌شود یا نه. بودجه‌ریزی جنسیت محور فرآیندی است که از طریق آن بودجه عمومی بررسی می‌شود تا ارزیابی شود که آیا به برابری جنسیتی بیشتر کمک می‌کند یا خیر، و سپس بر اساس آن، توصیه‌ها و تغییراتی که موجب برابری جنسیتی می‌شود، ارائه می‌گردد.

به طور کلی بودجه‌ها توسط دولت‌ها و شهروندان به عنوان ابزار سیاستی که از نظر جنسیتی خنثی می‌باشد در نظر گرفته می‌شوند؛ به عنوان مثال اینطور تصور می‌شود که بودجه آثار متفاوتی بر وضعیت زنان و مردان ندارد. در حالیکه به دلیل این واقعیت که زنان هنوز قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمتری نسبت به مردان دارند، روش‌های مختلف تصمیم‌گیری دولت‌ها در هزینه‌های عمومی و همچنین کسب درآمد اغلب تاثیر متفاوتی بر زنان و مردان دارد.

علاوه بر این، بودجه حساس به جنسیت از جمله تعهدات سند اقدام پکن^۱ (سند پکن، ۱۹۹۵) است، که در بند ۳۴۵ بیان شده است که برای همه ترتیبات مالی، دیدگاه جنسیتی و تأمین مالی کافی برای برنامه‌های ویژه آن باید

۱. چارچوب اقدام در طی چهارمین کنفرانس جهانی زنان سازمان ملل متحد که در پکن چین در سال ۱۹۹۵ برگزار شد تصویب شد.
(the Beijing Platform for Action (BPA

تضمین شود، علاوه بر این بند ۳۴۶ نشان می‌دهد که دولت‌ها باید «تلاش کنند تا به طور سیستماتیک چگونگی سودمندی زنان از اعتبارات دولتی بررسی شود و اصلاحات لازم در بودجه برای اطمینان از افزایش ظرفیت تولید و تحقق نیازهای اجتماعی اعمال شود». در آستانه تحلیل اجرای سند پکن، ده سال پس از تصویب آن، باید هوشیارانه این دو نکته را بررسی کنیم.

بودجه صرفاً مجموعه‌ای از اسناد فنی نیست بلکه بودجه منعکس‌کننده اولویت دولت‌هاست و سیاست‌های آنها را شکل داده و اجرایی می‌کند. بودجه یکی از مهمترین ابزارها برای پیاده‌سازی تصمیمات سیاست‌گذاران است. بودجه‌ریزی جنسیت محور فقط یک عمل زیبایی نیست. جنبش زنان، از طریق سازمانهای غیردولتی پیشگام خود، باید تلاش کند بودجه و سیستم‌های حسابداری را که تبعیض آمیز تلقی می‌شوند و اغلب نهادهای تحت سلطه مردان و مردسالار می‌باشند را به چالش کشیده و از حسابداری صرف به پاسخگو کردن این نهادها وادار کند.

نادیده گرفتن آثار جنسیتی بودجه‌ها بی طرفی نیست، بلکه کوری و نادیده‌انگاری است و این نادیده‌انگاری نه تنها از منظر ارزشهایی که در اتحادیه اروپا مدعی حفظ شان می‌باشیم، غیراخلاقی است، بلکه از زاویه اثربخشی اقتصادی، پتانسیل رشد و رفاه یک کشور نیز هزینه بردار است.

این کتابچه راهنما که در مقابل شما قرار دارد، ابزاری ارزشمند برای درک بسیاری از مواردی است که بسیاری از زنان از قبل می‌دانستند: اینکه کیک به قطعات نامساوی بریده شده است، و برای نفوذ در بعد گسترده جامعه باید این کیک به قطعات مساوی تقسیم شود.

لایدیا ل ریویر-زیجدل

رئیس لابی زنان اروپا

فهرست مطالب

پیش‌گفتار

مقدمه

فصل ۱

بودجه زمین بازی مدرسه

تقسیم زمین بازی مدرسه

۱.۱ چگونه اعضای هیئت مدیره پیش‌داوری و تعصب نسبت به دختران را رد

می‌کنند

۱.۲ ساماندهی زمین بازی با برنامه بودجه‌ریزی جنسیت محور

۱.۳ نتیجه

فصل ۲

هنر بودجه‌ریزی

۲.۱ بودجه چیست؟

۲.۲ بودجه‌ریزی به عنوان یک تمرین دموکراتیک

۲.۳ بودجه‌های تجاری

۲.۴ بودجه در سازمانهای غیرانتفاعی

۲.۵ بودجه دولت

فصل ۳

افزودن جنسیت به جریان اصلی

۳.۱ جنسیت

۳.۲ جنسیت و تنوع

۳.۳ جریان سازی جنسیت

۳.۴ اصول اساسی جریان سازی جنسیت

فصل ۴

ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور

۴.۱ بودجه‌ریزی جنسیت محور در سراسر جهان

۴.۲ اهداف بودجه‌ریزی جنسیت محور

۴.۳ منطق بودجه‌ریزی جنسیت محور

۴.۴ بودجه‌ریزی جنسیت محور را چه کسی انجام می‌دهد؟

۴.۵ نیاز به آمار

فصل ۵

رهنمودهایی برای گروه‌های محلی

۵.۱ رهنمودهای مربوط به گروه‌های ترویجی

۵.۲ حفظ حرکت، کسب تخصص

۵.۳ زمان ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور

۵.۴ چک لیست ها و نمونه ها ی مفید

فصل ۶

روش‌ها و فنون بودجه‌ریزی جنسیت محور

- ۶.۱ ارزیابی سیاست‌های جنسیت-آگاه
- ۶.۲ ارزیابی تفکیک جنسیت شده بهره‌مندان
- ۶.۳ تحلیل تفکیک جنسیت شده هزینه‌های عمومی
- ۶.۴ تحلیل تفکیک جنسیت شده مالیات‌ها
- ۶.۵ تحلیل تفکیک جنسیت شده آثار بودجه بر زمان استفاده شده
- ۶.۶ چارچوب سیاست اقتصادی میان مدت زمان جنسیت-آگاه
- ۶.۷ بودجه جنسیت-آگاه
- ۶.۸ سخنان نهایی

فرهنگ نامه، منابع مفید و مرجع

مقدمه

این راهنما محصولی از یک پروژه اروپایی برای ارتقای فرصت‌های برابر برای زنان است. این پروژه توسط اتحاد زنان در هلند هماهنگ شده و از برنامه برابری اتحادیه اروپا (۲۰۰۴-۲۰۰۱) حمایت مالی دریافت کرد. این پروژه حاصل همکاری بین همکارانی از یونان، ایتالیا، فرانسه و هلند است. یکی از اهداف این پروژه معرفی بودجه‌ریزی جنسیت محور در سطح محلی است.

در طی کارگاهی در مورد بودجه‌ریزی جنسیت محور در ایتراخت (هلند) در دسامبر ۲۰۰۳، همکاران اروپا هدف کلی، مخاطبان هدف و اولین طرح کلی برای این کتابچه راهنما را تنظیم کردند. اوینیا زاراکوستا^۲ از طرف سازمان همکار یونانی، در طی این کارگاه اظهار داشت: «ما، یا کاربران آینده این کتاب راهنما، متخصص» تحلیل بودجه جنسیت محور نیستیم و نمی‌خواهیم متخصص شویم. ما، به عنوان کاربران این راهنما، به سادگی می‌خواهیم روی برخی از برنامه‌های سیاستگذاری مشخص یا برنامه پروژه ای که روی آن کار می‌کنیم، تأثیر بگذاریم و می‌خواهیم سیاست‌ها یا برنامه‌های پروژه را به روشی حساس به جنسیت تدوین کنیم و می‌خواهیم در مورد نتایج بودجه‌ریزی مبتنی بر پیش داوری‌های جنسیتی آگاه شویم. یا می‌خواهیم یک همکار را در مورد اهمیت و سادگی بودجه حساس به جنسیت متقاعد کنیم.»

سخنان وی دقیقاً هدف این کتابچه راهنما را بیان می‌کند. ما امیدواریم این کتاب به عنوان یک راهنمای الهام‌بخش برای ترویج و حمایت آگاهی بیشتر

جنسیتی در روند برنامه‌ریزی بودجه در پروژه‌ها و برنامه‌ها، و اینکه توسط گروه‌های محلی توسط موسسات استفاده شود.

هدف این کتابچه راهنما چیست؟

هدف از این راهنما کمک به بهبود برنامه‌های بودجه به گونه‌ای است که فرصت‌های برابر ارتقا یابند. ما می‌خواهیم نشان دهیم که سیاست‌ها و تخصیص بودجه، به دلیل نقش‌های مختلف اجتماعی آنها در جامعه، دارای تأثیر متفاوتی بر زنان و مردان است. هدف ارائه راهنمایی است که می‌تواند به شناسایی یا جلوگیری از تأثیرات نامطلوب تبعیض آمیز سیاست‌ها، برنامه‌های بودجه یا تخصیص بودجه، مانند توزیع نابرابر مزایا کمک کند. همچنین نمونه‌هایی از نحوه تنظیم بودجه به گونه‌ای ارائه خواهیم داد که از ظرفیت‌ها، استعدادها و دانش موجود بهتر استفاده شود. هدف ما نشان دادن این است که بودجه‌ریزی جنسیت محور کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی مردان، زنان، دختران و پسران را ارتقا می‌دهد.

این کتابچه راهنما برای چه کسی نوشته شده است؟

این دستورالعمل راهنمایی برای گروه‌های محلی است که می‌خواهند یک برنامه بودجه‌ریزی جنسیت محور را شروع کنند. «بودجه‌ریزی جنسیتی» اینطور به نظر می‌رسد که برای کارشناسان مالی و اقتصاددانان است؛ در حالیکه این راهنما برای دانشگاہیان نیست. مطالعات آکادمیک و نشریات مربوط به بودجه‌ریزی جنسیت محور متعددی تولید شده است. ما می‌خواهیم یک راهنمای عملی برای زنان و مردانی که در زمینه مسائل سیاستگذاری در سطح

محلی کار می‌کنند؛ ارائه دهیم. افرادی مثل کارمندان دولتی در سطح ادارات محلی، اعضای شورای های محلی، گروه‌های ترویجگر محلی، سمن های غیرانتفاعی، اعضای یک پروژه یا برنامه، یا کارمندان یک شرکت یا موسسه. هر یک از آنها می‌توانند تا حدودی سیاست‌ها و بودجه ادارات محلی، پروژه، برنامه، شرکت‌ها یا موسسه‌ها را تحت تاثیر قرار دهند. امیدواریم این کتابچه راهنما آنها را قادر سازد تا با مفاهیم بودجه‌ریزی جنسیت محور آشنا شوند و برنامه‌های مبتنی بر حقوق و فرصت‌های برابر، با تشویق سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران تا ابزارهای بودجه‌ریزی جنسیت محور را بکار گیرند، ترویج کنند.

شفای جنسیت - کوری

این کتاب راهنما برآمده از نیاز سازمان‌های زنان در هلند به راهنمایی می‌باشد که آنها را قادر می‌سازد نشان دهند چگونه سیاست‌های بودجه دولت می‌تواند بر زنان و مردان به شکل متفاوتی اثر گذارد. در سال‌های گذشته چندین متخصص بودجه‌ریزی جنسیت محور در آفریقای جنوبی، آمریکای مرکزی، اسپانیا و سایر کشورها نظرات خود را با زنان در هلند به اشتراک گذاشتند. این تجربیات نشان داد که به دلیل جنسیت-کوری سیاست‌گذاران، زنان هنگام کاهش هزینه‌های دولت، مانند کاهش بودجه برای آموزش و بهداشت، یا برنامه‌های دولتی مانند ارتقا اشتغال اغلب بطور نامتجانسی تحت تاثیر قرار می‌گیرند. جنسیت-کوری همچنین ممکن است منجر به از دست دادن بهره‌وری در استفاده کم از ظرفیت‌ها و استعدادها، افزایش هزینه‌های اجتماعی، کاهش رفاه اجتماعی و فرسایش پایداری اجتماعی شود.

یک دولت جنسیت- کور نابرابری بین زن و مرد را تحکیم و حتی تقویت می‌کند. با این کار، دولت‌های جنسیت- کور سیاست‌های خود در زمینه حقوق و فرصت‌های برابر را نقض می‌کنند. اتحاد زنان قصد دارد جنسیت- کوری در هلند را از طریق بودجه‌ریزی جنسیت محور درمان کند. امیدواریم این کتابچه راهنما برای کشورهای دیگر نیز مفید باشد.

محتوای این کتاب راهنما

این کتاب راهنما با نمونه‌ای از بودجه زمین بازی مدرسه شروع می‌شود. ابتدا، زمین بازی بدون دیدگاه جنسیتی را ملاحظه می‌کنیم. سپس، می‌بینیم که زمین بازی با برنامه بودجه‌ریزی جنسیت محور چگونه شکل خواهد گرفت. فصل دوم انواع مختلف بودجه را بررسی می‌کند و برخی از جنبه‌های حساس به جنسیت بودجه‌ها را بررسی می‌کند. فصل سوم مفاهیم اولیه جنسیت، تنوع و جریان اصلی جنسیت را توضیح می‌دهد؛ در حالیکه فصل چهارم برخی مبانی مربوط به بودجه‌ریزی جنسیت محور را ارائه می‌دهد. در فصل پنجم دستورالعمل‌هایی برای گروه‌های محلی که می‌خواهند یک پروژه بودجه‌ریزی جنسیت محور را شروع کنند را ارائه می‌دهیم. در فصل آخر ابزارهای بودجه‌بندی جنسیتی ارائه شده است. سرانجام، یک واژه نامه گنجانده شده است تا بتوان مفاهیم و تعاریف را به سرعت جستجو کرد.

ایترخت / دوبلین ، سپتامبر ۲۰۰۴

جاسینتا ون بورن

ترا ون اوش

شیلا کوین

فصل اول

بودجه زمین بازی مدرسه

گاهی اوقات یک مثال مشخص ممکن است بیش از صدها تعریف، توضیح دهد. بنابراین، برای تشریح مفهوم بودجه‌ریزی جنسیت محور با مثال زمین بازی یک مدرسه شروع می‌کنیم.

۱.۱. چگونه یک عضو هیئت مدیره پیش داوری در مقابل دختران را رد می‌کند.

تصور کنید که عضو هیئت مدیره یک مدرسه ابتدایی با ۱۰۰ دانش‌آموز بین ۶ تا ۱۲ سال هستید. در جلسه رئیس هیئت مدیره اعلام می‌کند که به مدرسه مبلغ ۱۰۰۰۰ یورو برای بهسازی حیاط مدرسه هدیه شده است. شما عضوی بسیار دموکراتیک هستید و پیشنهاد می‌کنید قبل از تهیه طرح، درخواست‌های همه کودکان برای چیدمان زمین بازی دریافت شود. اعضای دیگر هیئت مدیره موافقت می‌کنند و آن را ایده فوق العاده ای می‌دانند. مدیر مدرسه متعهد به جلب مشارکت همه دانش‌آموزان در نظرسنجی شده و قول ارائه برنامه بودجه در جلسه بعدی هیئت مدیره را می‌دهد.

مدیر مدرسه یک بروشور به همه بچه‌ها (۵۰ پسر و ۵۰ دختر) می‌دهد که هر کدام آنها مهمترین خواسته خود برای زمین بازی را روی آن بنویسند. همه بروشورها در یک جعبه جمع شد. ۱۰۰ کودک همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است ۱۰۰ خواسته مطرح کردند.

از آنجا که بودجه محدود است، انتخاب کودکان برای زمین بازی جدید باید از بین ۱۰ گزینه انتخاب شود.

مدیر مدرسه طرحی ارائه می‌دهد که اکثریت آرا (۷۵٪ آرا) را دربرگیرد: فضایی برای فوتبال، الاکلنگ، ماربل (ساختمان سازی) و مکانی برای لی لی. هیئت مدیره تصمیم می‌گیرد که بودجه و فضای زمین بازی با توجه به خواسته‌های ۷۵٪ کودکان تقسیم شود. شکل ۲ نحوه استفاده از بودجه را نشان می‌دهد.

شکل ۱: نتایج نظرسنجی از دانش آموزان دبستان

تعداد آرا	خواست دانش آموزان
۴۲	فوتبال
۱۴	الاکلنگ
۱۰	(ماربل) ساختمان سازی
۹	لی لی
۷	تاب بازی
۵	زمین تنیس
۵	سرسره
۵	تخته صعود
۲	تنیس روی میز
۱	فضای آزاد
۱۰۰	جمع

شکل ۲: برنامه بودجه برای ساماندهی زمین بازی مدرسه

خواسته‌های منتخب کودکان	تعداد آرا	درصد بودجه	تخصیص بودجه
فوتبال	۴۲	۵۶	۵۶۰۰
الاکلنگ	۱۴	۱۹	۱۹۰۰
ماربل (ساختمان سازی)	۱۰	۱۳	۱۳۰۰
لی لی	۹	۱۲	۱۲۰۰
جمع کل	۷۵	۱۰۰	۱۰۰۰۰

با توجه به این که هر فعالیت به یک فضای مخصوص به خود نیاز دارد، حیاط مدرسه را باید به چهار قسمت تقسیم کرد. به عنوان مثال، فضای بیشتری برای بازی‌های فوتبال لازم است تا بازی ماربل. با توجه به فضای مورد نیاز برای هر یک از چهار فعالیت انتخاب شده، حیاط مدرسه به مناطق زیر تقسیم می‌شود:

- ۷۰ درصد حیاط برای بازی‌های فوتبال آماده شده است؛ خط کشی زمین فوتبال، نصب دروازه، نصب نرده‌هایی که جلوی برخورد توپ با پنجره‌های مدرسه را بگیرد و نصب میله‌هایی برای دور نگه داشتن دیگران از زمین بازی.
- ۱۰ درصد از مساحت حیاط برای نصب یک الاکلنگ بزرگ استفاده می‌شود که دو تا شش کودک می‌توانند روی آن بازی کنند.
- ۱۰ درصد از حیاط برای یک زمین بازی ماربل آماده می‌شود، همراه با

گودال ها و سوراخ های مختلف و نیمکت هایی که در کنار آن قرار گرفته است.

- ۱۰ درصد از مساحت حیاط تبدیل به یک زمین بازی لی لی میشود، با بازیهای مختلف لی لی که بر روی زمین رنگ آمیزی شده اند و نیمکت هایی که در کنار زمین قرار گرفته اند.

چند ماه بعد شما برای افتتاح رسمی زمین بازی دعوت می شوید. شما به همراه دیگر اعضای هیئت مدیره مشغول تماشای بازی کودکان می شوید. آنچه که می بینید شما را شوکه می کند: هیچ یک از پسران و دختران دارای معلولیت بازی نمی کنند. علاوه بر این، تعداد پسران فعال در زمین بازی بسیار بیشتر از تعداد دختران است. می بینید که دختران زیادی در حاشیه روی نیمکت ها نشسته اند. یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره نیز متوجه همین موضوع می شود و می گوید: «همانطور که می بینید دختران منفعل تر از پسران هستند».

با این حال، شما نمی خواهید که به تعصبات توجهی بکنید. شمارش را شروع می کنید و در دفترچه یادداشت می کنید:

- ۲۲ پسر مشغول بازی فوتبالی هستند که از ۷۰ درصد مساحت زمین بازی استفاده می کند. ۵ پسر و ۱۵ دختر در کنار حصار زمین فوتبال مشغول تماشای آنها هستند.

- ۱۰ پسر و ۶ دختر در محوطه ماربل بازی می کنند، در همان حال ۴ دختر با کیف های ماربل خود روی نیمکت های کناری منتظر نشسته اند تا با خروج بعضی از بچه ها از منطقه ماربل، به آنجا بروند و بازی کنند.

• ۳ پسر و ۳ دختر روی الاکلنگ بزرگ در حال بازی هستند، در حالی که ۶ پسر و ۹ دختر صف بسته اند و منتظر نوبت خود هستند.

• ۶ دختر در زمین لی لی مشغول بازی هستند، در حالی که ۷ دختر و ۴ پسر روی نیمکت های کناری نشسته اند و بازی دیگران را نگاه میکنند و با یکدیگر صحبت می کنند.

بعداً در خانه، این داده ها را در یک جدول قرار می دهید و نحوه استفاده از فضا توسط دختران و پسران را محاسبه می کنید. نتیجه محاسبات شما در شکل ۳ نشان داده شده است.

شکل ۳: استفاده دختران و پسران از زمین بازی مدرسه

شما متوجه می شوید که تنها نیمی از دانش آموزان، ۳۵ پسر و ۱۵ دختر، به

دختران			پسران			فضای کل	محوطه بازی
در حاشیه	فضای استفاده شده	فعال	در حاشیه	فضای استفاده شده	فعال		
۱۵	%۰	۰	۵	%۷۰	۲۲	%۷۰	فوتبال
۴	%۷۵/۳	۶	۰	%۲۵/۶	۱۰	%۱۰	ماربل
۹	%۵	۳	۶	%۵	۳	%۱۰	الاکلنگ
۷	%۱۰	۶	۴	%۰	۰	%۱۰	لی لی
۳۵	%۷۵/۱۸	۱۵	۱۵	%۲۵/۸۱	۳۵	%۱۰۰	جمع کل

طور فعال از زمین بازی استفاده می‌کنند. نیمی دیگر، ۱۵ پسر و ۳۵ دختر، فقط تماشا می‌کنند، منتظرند، صف کشیده و یا در حاشیه نشسته‌اند. پسرانی که فعالانه بازی می‌کنند، از ۲۵/۸۱ درصد زمین بازی استفاده می‌کنند؛ در حالی که دخترانی که فعالانه بازی می‌کنند، تنها از ۷۵/۱۸ درصد زمین بازی استفاده می‌کنند.

شما هنوز نمی‌خواهید به پیش داورها و تعصبات توجه کنید. از مدیر مدرسه ارقام و مدارک مربوط به خواسته‌های کودکان را می‌خواهید. سپس شروع به مرتب کردن آنها بر اساس خواسته دختران و پسران می‌کنید. و در انتها چه می‌بینید؟

شکل ۴: نتایج نظرسنجی بین دانش آموزان دختر و پسر دبستانی

ارقام نشان می‌دهد که خواسته‌های پسران تقریباً منحصراً به سمت فوتبال

تعداد آرای دختران	تعداد آرای پسران	تعداد کل آرا	خواست دانش آموزان
۲	۴۰	۴۲	فوتبال
۱۱	۳	۱۴	الاکلنگ
۴	۶	۱۰	(ماربل) ساختمان سازی
۹	۰	۹	لی لی
۷	۰	۷	تاب بازی
۵	۰	۵	زمین تنیس
۵	۰	۵	سرسره
۴	۱	۵	تخته صعود
۲	۰	۲	تنیس روی میز
۱	۰	۱	فضای آزاد
۵۰	۵۰	۱۰۰	جمع

است، در حالی که خواسته‌های دختران تنوع بیشتری دارد. خواسته‌های تک نفره پسران تأثیر بسزایی در نتیجه نهایی رای گیری داشت، در حالی که خواسته‌های متعدد دختران به سختی برآورده شد، زیرا هر یک از این خواسته‌ها وزن کافی برای تأثیر قابل توجه بر کل آرا نداشته است. به علاوه، بازی ترجیح داده شده توسط بیشتر پسران (فوتبال) به فضای بیشتری نسبت به هر یک از بازی‌های ترجیح داده شده توسط دختران نیاز دارد.

شما زیر فعالیت‌هایی را که نهایتاً در بودجه گنجانده شده بود را خط می کشید: فوتبال، الکلنگ، ماربل و لی لی. اکنون می‌توانید ببینید چه اتفاقی افتاده است. نتیجه گیری شما این است که: بودجه به خواسته‌های ۴۹ پسر و ۲۶ دختر پاسخ داده است. با این ارقام می‌توانید نظر متعصبانه و تبعیض‌آمیزی از اعضای هیئت مدیره که گفته بود «دختران منفعل‌تر از پسران هستند» را رد کنید. شما می‌توانید نشان دهید که بودجه خواسته‌های ۲۴ دختر و ۱ پسر را برآورده نکرده است. بنابراین خیلی تعجب آور نیست که تعداد بیشتری از دختران نسبت به پسران در حاشیه نشسته‌اند و بازی نمی‌کنند.

۱.۲. درست کردن زمین بازی با بودجه‌ریزی جنسیت محور

مدیر چگونه می‌توانسته بودجه و فضا را به گونه ای تقسیم کند که هم ترجیحات دختران و پسران را به طور برابر در نظر گرفته باشد و هم توزیع فضای حیاط مدرسه عادلانه باشد؟ به عبارت دیگر مراحل برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی آگاهانه جنسیتی برای تقسیم حیاط مدرسه چیست؟

قدم اول - نظرسنجی: مدیر مدرسه برگه‌ای را بین همه دانش آموزان پخش می‌کند که در آن نام، سن و جنسیت خود را بنویسند و همچنین ذکر کنند که آیا دارای معلولیت هستند یا نه؛ در این برگه‌ها سه کادر وجود دارد که هر دانش آموز باید بدون اینکه خواسته‌ای را تکرار کند، سه خواسته خود برای زمین بازی را در آنها بنویسد. این یعنی ۳۰۰ خواسته که توسط ۱۰۰ دانش آموز نوشته شده است.

به این ترتیب دانش آموزان از تمرکز فقط بر روی یک خواسته دور می‌شوند و این فرصت را دارند که خواسته‌های دوم و سوم خود را بیان کنند. در این نظرسنجی خواسته‌های دانش آموزان تنوع بیشتری خواهند داشت. حتی اگر همه پسران و دختران «فوتبال» را به عنوان یکی از سه خواسته خود بنویسند، کل آرای فوتبال هرگز از ۱۰۰ رای (۵۰ پسر و ۵۰ دختر) بیشتر نخواهد شد، یعنی تعداد هیچ یک از خواسته‌ها نمی‌تواند بیشتر از یک سوم (۳۳/۳٪) مجموع خواسته‌ها (۳۰۰) شود. این بسیار کمتر از ۴۲ درصد آرای فوتبال در نظرسنجی اول است. ۳۰۰ خواسته نسبت به ۱۰۰ خواسته، باعث ایجاد تنوع بیشتر در توزیع فعالیت‌ها می‌شود.

قدم دوم - مدیر مدرسه ۳۰۰ آرزو را بر اساس جنسیت دانش آموزان مرور می‌کند.

این بررسی منجر به ایجاد فهرست‌های متفاوتی از اولویت‌های پسران و دختران می‌شود. همچنین ممکن است با توجه به سن و داشتن یا نداشتن معلولیت، در خواسته‌ها و اولویت‌های کودکان تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، زیرا این موارد نیز در برگه‌ها ذکر شده است. بچه‌های کوچک بازی‌های متفاوتی را نسبت به بچه‌های بزرگتر دوست دارند. در جهت برآورد کردن

خواسته‌های همه سنین، مدیر باید رده‌های سنی برای دختران و پسران تعیین کند. برای جلوگیری از محروم شدن کودکان دارای معلولیت، مدیر باید خواسته‌های کودکان معلول را نیز در نظر بگیرد. هنگامی که کودکان دارای معلولیت می‌خواهند همان بازی‌هایی را که کودکان دیگر انجام می‌دهند، انجام دهند، ممکن است نیاز به اصلاح و سازگار کردن محیط بازی برای آنها باشد تا به آنها نیز فرصت‌های مشابهی داده شود. به عنوان مثال، برای تخته صعود، به پیش بینی و اقدامات احتیاطی نیاز است تا کودکان دارای معلولیت بینایی نیز بتوانند با خیال راحت از آن بالا روند؛ یا برداشتن موانع موجود در حیاط بازی تا کودکانی که روی ویلچر هستند نیز بتوانند از یک منطقه به منطقه دیگر بروند. شکل ۵ (در صفحه بعد) جدولی را نشان می‌دهد که توسط مدیر مدرسه برای مشخص کردن خواسته‌های گروه‌های مختلف پسر و دختر استفاده شده است. هر ستون از این شکل بازی ای را بر اساس جدول زیر نشان می‌دهد :

توضیح ستون های شکل ۵
A = فوتبال
B = الاکلنگ
C = ماربل
D = لی لی
E = تاب بازی
F = زمین تنیس
G = سرسره
H = تخته صعود
I = تنیس روی میز
J = فضای آزاد

شکل ۵: جدول استفاده شده توسط مدیر مدرسه برای طبقه بندی خواسته‌های پسران و دختران. این جدول فقط تعداد رای‌هایی را که دانش آموزان به تخته صعود (H) داده اند را نشان می‌دهد.

جمع کل	فعالیت‌ها										گروه سنی دانش آموزان
	J	I	H	G	F	E	D	C	B	A	
۱۵۰											پسران
۳۰			۱								زیر ۷ سال
۳۰			۵								۹-۷ سال
۳۰			۸								۱۰-۹ سال
۳۰			۷								۱۲-۱۰ سال
۳۰			۳								بالای ۱۲ سال
۱۵۰											دختران
۳۰			۳								زیر ۷ سال
۳۰			۶								۹-۷ سال
۳۰			۶								۱۰-۹ سال
۳۰			۳								۱۲-۱۰ سال
۳۰			۰								بالای ۱۲ سال
۳۰۰			۴۲								جمع کل خواسته‌های دختران و پسران
جمع کل	J	I	H	G	F	E	D	C	B	A	گروه بندی دانش آموزان بر اساس معلولیت
۱۵۰											پسران
۱۵			۰								دارای معلولیت
۱۳۵			۲۴								بدون معلولیت
۱۵۰											دختران
۱۵			۲								دارای معلولیت
۱۳۵			۱۶								بدون معلولیت
۳۰۰			۴۲								جمع کل خواسته‌های دختران و پسران

مرحله سوم - مدیر وزن هر فعالیت را با توجه به خواسته‌های بیان شده توسط پسران و دختران تعیین می‌کند.

به عنوان مثال، زمانی که فعالیت «فوتبال» ۵۰ رای از همه پسران کسب کند و ۲۵ رای از همه دختران، وزن این فعالیت برای پسران دو برابر بیشتر از دختران خواهد بود.

وزن فعالیت‌های پسران و دختران را بر اساس گروه‌های سنی نیز می‌توان تعیین کرد. زمانی که تعداد دانش آموزان یکسانی در دو گروه سنی وجود داشته باشند و فعالیت «الاکلنگ» ۶ رای از پسران کمتر از ۷ سال و فقط یک رای از پسران بالای ۱۲ سال دریافت کرده باشد، وزن فعالیت الاکلنگ برای پسرهای کوچک شش برابر بیشتر از پسرهای بزرگ است.

زمانی که تعداد اعضای گروه‌ها متفاوت باشد، بر وزن فعالیت‌های بین یک گروه و گروه دیگر تاثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، وقتی از ۵ دختر دارای معلولیت همه ی آنها به «تاب» رای داده‌اند، در حالی که از ۴۵ دختر بدون معلولیت فقط ۹ رای به تاب داده شده است. از تعداد آرا و تعداد اعضای گروه متوجه می‌شویم که فعالیت تاب برای گروه ۵ دختر دارای معلولیت نسبت به گروه ۴۵ دختر بدون معلولیت، وزن بسیار بیشتری دارد. زیرا که ۱۰۰ درصد دختران دارای معلولیت می‌خواهند تاب داشته باشند، در حالی که تنها ۲۰ درصد از دختران دیگر می‌خواهند در حیاط بازی تاب داشته باشند. پس وزن تاب برای دختران دارای معلولیت ۵ برابر بیشتر از دختران بدون معلولیت است.

شکل ۶ نمونه‌ای از محاسبه وزن هر فعالیت با توجه به تمایل گروه‌های سنی مختلف پسر و دختر ارائه می‌دهد. این شکل وزنی را که هر گروه سنی با آرای خود به یک «تخته صعود» می‌دهد را نشان می‌دهد.

شکل ۶: میانگین وزن فعالیت «تخته صعود» در کل خواسته‌های پسران و دختران در گروه‌های سنی مختلف

پسران	تعداد آرای تخته صعود	وزن تخته صعود	دختران	تعداد آرای تخته صعود	وزن تخته صعود
زیر ۷ سال	۱ از ۳۰ رای	۳/۳٪	زیر ۷ سال	۳ از ۳۰ رای	۱۰٪
۷-۹ سال	۵ از ۳۰ رای	۱۶/۶٪	۷-۹ سال	۶ از ۳۰ رای	۲۰٪
۹-۱۰ سال	۸ از ۳۰ رای	۲۶/۶٪	۹-۱۰ سال	۶ از ۳۰ رای	۲۰٪
۱۰-۱۲ سال	۷ از ۳۰ رای	۲۳/۳٪	۱۰-۱۲ سال	۳ از ۳۰ رای	۱۰٪
بالای ۱۲ سال	۳ از ۳۰ رای	۱۰/۰٪	بالای ۱۲ سال	۰ از ۳۰ رای	۰٪
مجموع کل آرا	۲۴ از ۱۵۰ رای	۱۶٪ میانگین	مجموع کل آرا	۱۸ از ۱۵۰ رای	۱۲٪ میانگین

مدیر مدرسه وزن خواسته تخته صعود را در گروه‌های سنی مختلف دختر و پسر چگونه محاسبه کرده است؟

- او آرا را دسته بندی کرد (شکل ۵) و ستون تخته صعود (ستون H) را انتخاب کرد.
- او دید که پسران بزرگتر از ۱۲ سال ۳ بار به تخته صعود رای دادند. از آنجایی که هر یک از ۱۰ پسر بزرگتر از ۱۲ سال ۳ رای داشتند، آنها با هم ۳۰ رای داشتند. از این ۳۰ رای ۳ رای به تخته صعود داده شده است، بنابراین وزن تخته صعود برای این دسته از پسران ۱۰ درصد است. او به همین روش وزن تخته صعود را برای هر گروه سنی پسر و هر گروه سنی دختر محاسبه کرد.
- هنگامی که او وزن تخته صعود را برای هر گروه سنی پسر و دختر جداگانه حساب کرد، توانست میانگین وزن تخته صعود را هم برای پسران و هم برای دختران محاسبه کند. برای پسران او مجموع وزن های پنج گروه سنی (۸/۷۹٪) را بر ۵ تقسیم کرد که نتیجه آن ۹۶/۱۵٪ بود که در شکل ۶ به ۱۶٪ گرد شده است. از آنجایی که تعداد افراد در همه گروه ها یکسان است، میانگین وزن همانند درصدی است که از کل آرا حاصل می‌شود، یعنی ۲۴ رای ۱۶٪ از کل ۱۵۰ رای است. او همین روش را برای گروه‌های سنی دختران اعمال کرد که حاصل آن میانگین وزن ۱۲ درصدی دختران به تخته صعود شد.
- او نتیجه گرفت که میانگین وزن کلی تخته صعود برای پسران و دختران در گروه‌های سنی مختلف روی هم رفته ۱۴ درصد است. او این را با جمع‌آوری میانگین‌های هر دو جنسیت (۱۶٪ برای پسران + ۱۲٪ برای دختران = ۲۸) و تقسیم آن بر دو محاسبه کرد.

به همین روش، وزن «تخته صعود» را برای دانش آموزان پسر و دختر که نیازهای خاص دارند نیز محاسبه کرد. اصل و روش محاسبه همانند گروه‌های سنی است. با این حال، این مثال نشان می‌دهد که اگر انتخاب‌ها و ترجیحات اقلیت‌هایی که دارای شرایط نابرابر هستند - همانند کودکان دارای معلولیت - نیز به طور مساوی در فرآیند تصمیم‌گیری وزن شود، آنها می‌توانند به فرصت‌های برابر دست پیدا کنند. شکل ۷ نتایج این محاسبه را نشان می‌دهد.

شکل ۷: میانگین وزن فعالیت «تخته صعود» در کل خواسته‌های پسران و دختران، گروه بندی شده بر اساس داشتن و یا نداشتن معلولیت

پسران	تعداد آرای تخته صعود	وزن تخته صعود	دختران	تعداد آرای تخته صعود	وزن تخته صعود
دارای معلولیت	۰ از ۱۵ رای	۰٪	دارای معلولیت	۲ از ۱۵ رای	۳/۱۳٪
دیگران	۲۴ از ۱۳۵ رای	۸/۱۷٪	دیگران	۱۶ از ۱۳۵ رای	۹/۱۱٪
مجموع آرا	۲۴ از ۱۵۰ رای	۹/۸٪ میانگین	مجموع آرا	۱۸ از ۱۵۰ رای	۶/۱۲٪ میانگین

پسران و دختران نه تنها بر اساس سن ترجیحات متفاوتی دارند، بلکه داشتن نیازهای خاص نیز ممکن است بر ترجیحات آنها تاثیر بگذارد. در مدرسه نمونه ما، در میان ۵۰ دختر دانش آموز، ۵ دختر دارای معلولیت هستند و در میان ۵۰ پسر دانش آموز، ۵ پسر دارای معلولیت هستند. بیایید ببینیم وقتی در شرایط مساوی، خواسته دانش آموزان دارای معلولیت نیز در نظر گرفته می‌شوند، چه تاثیری روی وزن آرای دانش‌آموزان به «تخته صعود» دارد:

وزن فعالیت تخته صعود در بین خواسته‌های پسران، گروه بندی شده بر اساس داشتن و یا نداشتن معلولیت چقدر است؟

هر پسر ۳ رای دارد. بنابراین پنج پسر دارای معلولیت با هم ۱۵ رای دارند، در حالی که ۴۵ پسر دیگر با هم ۱۳۵ رای دارند. وقتی هیچ یک از پسران دارای معلولیت تخته صعود نمی‌خواهند، وزن ۱۵ رای این دسته از پسران صفر می‌شود. بقیه پسرانی که معلولیت ندارند، ۲۴ بار به تخته صعود رای دادند. این ۸/۱۷ درصد از مجموع ۱۳۵ رای این دسته از پسران است.

میانگین وزن فعالیت تخته صعود در بین خواسته‌های پسران، گروه بندی شده بر اساس داشتن و یا نداشتن معلولیت چقدر است؟

از آنجایی که هیچ یک از پسران دارای معلولیت خواهان تخته صعود نیستند و ۸/۱۷ درصد از پسران بدون معلولیت به این فعالیت رای داده‌اند، میانگین دو گروه پسران ۸/۱۷ درصد تقسیم بر دو خواهد بود که ۹/۸ درصد است. همانطور که می‌بینیم این کمتر از ۱۶٪ است که (در محاسبات شکل ۶) با ۲۴ رای از ۱۵۰ رای به دست آوردیم. دلیل این تفاوت این است که تعداد مساوی در گروه‌ها وجود ندارد. این نوع محاسبه به گروه‌های اقلیت، مانند افراد دارای معلولیت، وزن مساوی می‌دهد.

میانگین وزن فعالیت تخته صعود در بین خواسته‌های پسران و دختران، گروه بندی شده بر اساس داشتن و یا نداشتن معلولیت چقدر است؟

پاسخ ۷۵/۱۰٪ است (یعنی ۹/۸٪ + ۶/۱۲٪ تقسیم بر ۲).

تمرین:

اکنون سعی کنید بفهمید که چرا میانگین وزن فعالیت تخته صعود در بین خواسته‌های دختران، گروه بندی شده بر اساس داشتن و یا نداشتن معلولیت (۶/۱۲٪)، بیشتر از گروه‌های سنی دختران (همانطور که در شکل ۶ نشان داده شده است (۱۲٪) شده است؟ برای پاسخ به سوالات زیر محاسبات خود را انجام دهید:

۱. وزن فعالیت تخته صعود در بین خواسته‌های دختران، گروه بندی شده بر اساس داشتن و یا نداشتن معلولیت چقدر است؟
۲. میانگین وزن فعالیت تخته صعود برای گروه‌های سنی دختران چقدر است؟

مرحله چهارم - هنگامی که وزن هر فعالیت برای گروه‌های مختلف پسر و دختر مشخص شد، مدیر باید فهرست جدیدی از اولویت‌ها را بر اساس میانگین وزن هر فعالیت تهیه کند.

مدیر مدرسه تمام داده‌ها را در یک برنامه اکسل قرار می‌دهد تا کار محاسبه وزن هر فعالیت برای گروه‌های مختلف دانش آموزان را انجام دهد. هنگامی که او آرای تخته صعود و وزن این آرا را بر اساس گروه‌های مختلف بررسی می‌کند، متوجه می‌شود که میانگین وزن گروه‌های سنی پسران (۱۶٪) از میانگین وزن گروه‌های پسران بر اساس داشتن و یا نداشتن معلولیت (۱۲٪)

بالتر است. او متوجه این نکته شد که هیچ یک از ۵ پسر دارای معلولیت به «تخته صعود» رای نداده اند.

اما در مورد دختران، نتیجه متفاوت است. میانگین وزن آرای گروه‌های سنی دختران ۱۲ درصد است در حالی که میانگین وزن آرای گروه‌های دختران بر اساس داشتن و یا نداشتن معلولیت ۶/۱۲ درصد است. او می‌بیند که این نتیجه تحت تأثیر این واقعیت است که دو دختر از پنج دختر مدرسه که دارای معلولیت هستند دوست دارند از یک تخته صعود بالا بروند. اکنون او می‌داند که اگر آرای تخته صعود به اندازه‌ای وزن داشته باشد که واجد شرایط تایید شود، باید اقدامات خاصی را در نظر بگیرد تا دختران دارای معلولیت نیز بتوانند از آن استفاده کنند. در حالی که به اصلاح و سازگار کردن تخته صعود، فکر می‌کند، این فکر از ذهنش می‌گذرد که «شاید وقتی این اصلاحات انجام شد، سایر کودکان دارای معلولیت که به تخته صعود رأی نداده‌اند نیز دوست داشته باشند از آن استفاده کنند».

همانطور که میانگین وزن سایر فعالیت‌ها را حساب کرد، مجموع میانگین وزن فعالیت تخته صعود را نیز با توجه به ترجیحات همه گروه‌های مختلف پسر و دختر به روش زیر محاسبه می‌کند:

۱۶/۰%	میانگین وزن فعالیت تخته صعود در بین گروه‌های سنی پسران (شکل ۶)
۱۲/۰%	میانگین وزن فعالیت تخته صعود در بین گروه‌های سنی دختران (شکل ۶)
۸/۹%	میانگین وزن فعالیت تخته صعود در بین پسران گروه بندی شده بر اساس داشتن/نداشتن معلولیت (شکل ۷)
۱۲/۶%	میانگین وزن فعالیت تخته صعود در بین دختران گروه بندی شده بر اساس داشتن/نداشتن معلولیت (شکل ۷)
۴۹/۵%	مجموع وزن فعالیت تخته صعود در بین تمامی گروه‌های مختلف

با تقسیم وزن کل چهار گروه بر ۴، نتیجه ۴/۱۲ درصد خواهد بود. این مجموع میانگین وزن فعالیت تخته صعود با توجه به ترجیحات همه گروه‌های مختلف دانش آموزان است.

او با محاسبه مجموع میانگین وزن همه فعالیت‌ها آنها را به ترتیب از زیاد به کم مرتب میکند. نتیجه این کار در صفحه بعد نشان داده شده است. سپس اولین لیست از آرزوهای کودکان (شکل ۱) را با لیست جدید (شکل ۸) مقایسه می‌کند. تفاوت حیرت‌انگیزی است. به جای فوتبال، الکلنگ، ماربل و لی، ۴ اولویت اول در حال حاضر عبارتند از: الکلنگ، تخته صعود، ماربل و تاب بازی که در جدول بعدی می‌بینیم.

اکنون او می‌تواند به مرحله بعدی برود: بودجه‌ریزی بر اساس خواسته‌های همه گروه‌های مختلف کودکان.

شکل ۸: نتایج نظرسنجی با دیدگاهی جنسیتی از دانش آموزان دبستان

خواسته‌های دانش آموزان	(مجموع میانگین وزن هر فعالیت (به % از کل
الکلنگ	۶/۱۲
تخته صعود	۴/۱۲
(ماربل) ساختمان سازی	۴/۱۱
تاب بازی	۰/۱۱
فوتبال	۵/۱۰
لی لی	۵/۱۰
سرسره	۹/۹
تنیس روی میز	۸/۹
زمین تنیس	۰/۹
فضای آزاد	۹/۲
جمع کل	۱۰۰

مرحله ۵ - بر اساس این لیست جدید از اولویت‌ها، مدیر اکنون می‌تواند به فضا و بودجه مورد نیاز برای هر فعالیت بپردازد.

او از سه شرکت خواست تا برای ساخت هر یک از فضاهای بازی، با در نظر گرفتن اقدامات و اصلاحات مورد نیاز کودکان دارای معلولیت، پیشنهادی ارائه دهند. از بین این پیشنهادات، بهترین آنها را از نظر قیمت و کیفیت انتخاب کرد. همچنین فضای مورد نیاز برای هر فعالیت را محاسبه کرد. و همه این داده‌ها را در یک جدول قرار داد (شکل ۹).

همانطور که انتظار می‌رفت، هم فضای حیاط مدرسه و هم بودجه برای انجام همه فعالیت‌ها کم است. همانطور که در جدول زیر نشان داده شده است؛ برای انجام تمام فعالیت‌ها به دو حیاط مدرسه و ۷۵۰۰ یورو بیشتر از کمک هزینه ۱۰۰۰۰ یورویی که دریافت شده است، نیاز داریم:

شکل ۹: بودجه‌ریزی جنسیت محور برای سازماندهی زمین بازی مدرسه

بودجه مورد نیاز	فضای مورد نیاز فعالیت (درصدی از فضای کل حیاط)	خواسته‌های اولویت‌بندی شده کودکان
۱۵۰۰	%۱۰	الاکلنگ
۳۰۰۰	%۱۵	تخته صعود
۵۰۰	%۱۰	(ماربل) ساختمان سازی
۱۵۰۰	%۱۵	تاب بازی
۴۵۰۰	%۷۰	فوتبال
۵۰۰	%۱۰	لی لی
۱۵۰۰	%۱۵	سرسره
۱۰۰۰	%۱۵	تنیس روی میز
۳۰۰۰	%۶۰	زمین تنیس
۵۰۰	%۵	فضای آزاد
۱۷۵۰۰	%۲۲۵	مجموع کل

۴ اولویت اول - الاکلنگ، تخته صعود، ماربل و تاب بازی - نیاز به فضایی معادل ۵۰ درصد از حیاط مدرسه و بودجه ۶۵۰۰ یورویی دارد. مدیر مدرسه هنوز ۵۰ درصد از فضای حیاط و ۳۵۰۰ یورو از بودجه را در اختیار دارد.

پس با بقیه فضا و بودجه چه باید کرد؟ هم فضا و هم بودجه باقیمانده برای ساخت یک زمین فوتبال با دروازه، چمن کاری و نرده بسیار کم است. اگرچه فوتبال در رتبه پنجم لیست اولویت‌ها قرار دارد، اما مدیر تصمیم می‌گیرد آن را در بودجه لحاظ نکند، زیرا هزینه و فضای مورد نیاز برای این فعالیت در مقایسه با سایر اولویت‌های فهرست به‌طور غیر متناسبی بالاست. علاوه بر این، با توجه به قوانین بازی فوتبال، تنها ۲۲ کودک از هر ۱۰۰ کودک می‌توانند به‌طور همزمان از زمین فوتبال استفاده کنند. این بدان معناست که ۲۲ درصد از دانش‌آموزان از ۷۰ درصد فضای زمین بازی استفاده می‌کنند، در حالی که طراحی ۴ فضای بازی اول به گونه‌ای است که ۴۶ کودک می‌توانند همزمان در آنها بازی کنند در حالی که این ۴ فضای بازی تنها ۵۰ درصد از زمین بازی مدرسه را اشغال می‌کنند.

اولویت‌های بعدی - لی لی، سرسره و تنیس روی میز - به فضایی معادل ۴۰ درصد از زمین بازی و بودجه ۳۰۰۰ یورویی نیاز دارند. بنابراین می‌توان این اولویت‌ها را در چهارچوب بودجه محقق کرد. طبق محاسبات حداقل ۳۰ کودک می‌توانند همزمان از این سه فضای بازی استفاده کنند. پس از گنجاندن این فعالیت‌ها در بودجه، هنوز ۱۰ درصد از فضا و ۵۰۰ یورو از بودجه باقی مانده است. این برای اولویت بعدی، زمین تنیس، بسیار کوچک است زیرا که همان مشکلات زمین فوتبال را دارد: فضای بسیار گران و بیش از حد (۶۰٪ از زمین بازی) در مقایسه با اولویت‌های دیگر، در حالی که تعداد محدودی، تنها ۴ کودک، می‌توانند به‌طور همزمان از آن استفاده کنند.

با این حال، آخرین اولویت، ایجاد فضای آزاد، با چند نیمکت و فضای سبز زیبا، هنوز در حد و حدود بودجه امکان‌پذیر است. بنابراین او آخرین اولویت را نیز اضافه می‌کند؛ و هنوز ۵ درصد از فضای حیاط مدرسه را در اختیار دارد

که امکان ایجاد فضایی اضافی بین زمین بازی‌های مختلف را فراهم می‌کند . وقتی زیر تمام فعالیت‌هایی را که می‌تواند در بودجه و در فضای موجود انجام دهد را خط می‌کشد ، می‌بیند که می‌توان هشت مورد از ده خواسته‌ای که بچه‌ها ذکر کرده‌اند را برآورده کرد. در حالی که در رویکرد اول تنها ۴ مورد از خواسته‌ها قابل انجام بود.

۱.۳ نتیجه گیری

حیات مدرسه که بر اساس بودجه‌ریزی جنسیت محور، ساخته شده است؛ بازی‌های متنوع تر و بیشتری را به همه کودکان ارائه می‌دهد. علاوه بر این، در این حیات جدید به اولویت‌های اول و خواسته‌های ۴۴ نفر از ۵۰ دختر دانش آموز (نگاه کنید به شکل ۴) پرداخته شده است. درست است که تنها ۱۰ مورد از اولویت‌های اول ۵۰ پسر دانش آموز محقق می‌شود، اما زمین بازی به پسران نیز بازی‌های متنوع بیشتری را ارائه می‌دهد، زیرا به علت قوانین بازی فوتبال، بسیاری از آنها نمی‌توانستند در یک زمان از زمین فوتبال استفاده کنند. تنها تعداد محدودی از پسرها می‌توانستند به طور همزمان بازی کنند، در حالی که دیگر دانش آموزان ناچار بودند در کنار زمین بازی بایستند و تماشا کنند. اکنون، خواسته‌های دوم و سوم پسران به طور کامل بخشی از محیط بازی حیات مدرسه است. این حیات مدرسه پاسخگوی خواسته‌های پسران و دختران در هر سن و با هر میزان توانایی است. تنوع وسایل بازی انتخاب‌های بیشتری را برای همه کودکان فراهم می‌کند.

تحلیل جنسیتی کار می‌برد!

این فقط یک مثال بود. در تمرین بالا این نکته که انجام یک تحلیل جنسیتی مستلزم مقدار زیادی کار است، به وضوح دیده می‌شود. محاسبات مدیر به این معنی بود که باید به خواسته‌های بچه‌ها و معنای خواسته‌های آنها، توجه زیادی می‌کرد. موضوع فقط جمع‌آوری داده‌ها نبود. بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها به دقت زیادی نیاز داشت تا منجر به یک نتیجه عادلانه و منصفانه برای همه کودکان شود. باید به مقدار فضای فیزیکی موجود و همچنین بودجه موجود توجه می‌شد. در نهایت نه تنها دموکراسی و برابری حاصل شد، بلکه از منابع نیز استفاده بهینه‌ای شد.

فصل دوم

هنر بودجه‌ریزی

مقدمه

این فصل به آنچه در تهیه بودجه دخیل است، خواه بودجه خانوار، بودجه شرکت یا بودجه دولتی می‌پردازد. مهارت‌هایی وجود دارند که برای تمام بودجه‌ریزی‌ها لازم هستند. تمام بودجه‌ریزی‌ها مستلزم نوعی تصمیم‌گیری خلاقانه هستند. ما معمولاً بودجه‌های دولتی را بسیار پیچیده و فراتر از توانایی درک و فهم خودمان تصور و احساس ناتوانی می‌کنیم و خود را مرهون و متکی به اقتصاددانان قدرتمند، تاثیرات جهانی و یا منافع ملی گسترده، می‌دانیم. با این وجود، در حالی که مسائلی که دولت‌ها با آن سر و کار دارند با مسائلی که ما در تهیه بودجه خانوار خود با آن سروکار داریم، متفاوت است اما تصمیماتی که باید گرفته شود مشابه هم هستند. ما ممکن است با تئوری‌های اقتصاد یا مسائل مربوط به تجارت جهانی و جهانی شدن آشنا نباشیم، اما می‌دانیم که مقدار محدودی پول برای تقسیم بین طیف وسیعی از نیازها داریم. ما همچنین می‌دانیم که باید هزینه‌های آینده و شرایط در حال تغییر را نیز در نظر بگیریم.

بودجه‌ریزی فقط یک تمرین مالی برای متعادل کردن درآمدها و هزینه‌ها نیست. بلکه روشی برای اولویت‌بندی و تصمیم‌گیری در مورد مسائلی است که بر وضعیت حال و آینده افراد و محیط آنها تاثیر می‌گذارد. برنامه‌ریزان بودجه خوب، ذهن باز و فعال دارند و آنچه در جامعه می‌گذرد را درک

می‌کنند. آنها از عواقب اولویت‌هایی که برای زندگی مردان، زنان و کودکان تعیین می‌کنند آگاهند و می‌دانند که این تصمیمات چه تاثیری روی حال و آینده افراد می‌گذارد.

بودجه‌ریزی به معنای برنامه‌ریزی درآمدها و هزینه‌ها در یک دوره معین است.

۲.۱. بودجه چیست؟

بودجه برنامه‌ای برای چگونگی به دست آوردن و خرج کردن پول است. این یک برنامه برای یک دوره زمانی یا یک فعالیت خاص است. در یک خانواده، بسته به اینکه چند وقت یکبار حقوق می‌گیریم، می‌توان برنامه‌ریزی بودجه را به صورت هفتگی یا ماهانه انجام داد. ما همچنین باید برای هزینه‌های سالانه - مثل تعطیلات خانوادگی یا سال نو - برنامه‌ریزی کنیم و باید هزینه‌های آینده، کارهایی مثل هزینه تعویض، تعمیر و نگهداری ماشین، شهریه دانشگاه و حتی پس انداز برای بازنشستگی را نیز در نظر داشته باشیم. در یک کسب و کار، معمولا اولین برنامه‌ریزی بودجه مربوط به هزینه‌های راه اندازی خواهد بود، که اغلب هزینه‌هایی یکباره هستند. سپس یک بودجه عملیاتی وجود خواهد داشت که شامل پیش بینی تولید و فروش و افزایش نیروی کار می‌شود.

عوامل مشابهی در بودجه‌ریزی سازمان‌های اجتماعی و سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) دخیل هستند. وقتی این نوع سازمان‌ها درخواست‌های تأمین مالی ارائه می‌کنند، باید نشان دهند که چقدر پول نیاز دارند، هزینه خدماتی که ارائه می‌کنند چقدر است، حقوقی که به کارکنان خود می‌پردازند، چقدر است (که شامل میزان افزایش حقوق نیز می‌شود)، چطور دخل و خرج خود را متعادل نگه می‌دارند و چطور تضمین می‌کنند که می‌توانند در آینده به فعالیت خود ادامه دهند. آنها همچنین باید نشان دهند که رویه‌های مدیریت مالی مناسبی دارند؛ فرآیندها و روند‌ها شفاف است و می‌توانند علاوه بر محاسبه دقیق هر یک سنت هزینه، نحوه تصمیم‌گیری‌های مالی را نیز ثبت کنند.

کار با بودجه به این معنی است که مقدار محدودی پول در دسترس شماست. در مورد بودجه یک خانوار، درآمد در طول سال کمی تغییر می‌کند، اگر اصلاً تغییر کند. افزایش حقوق معمولاً سالانه اتفاق می‌افتد. دیگر منابع درآمد نیز معمولاً ثابت هستند، مگر اینکه شغل دومی داشته باشید که در آن ساعات کار کردن شما در طول ماه متفاوت باشد. با این مقدار محدود پول، ابتدا باید هزینه‌های ثابت خود را در نظر بگیرید - هزینه‌هایی مثل هزینه اجاره، غذا، حمل و نقل و غیره. برای مقدار باقیمانده از پول رقابتی دائمی بین نیازهای مختلف وجود دارد. این جایی است که توانایی تصمیم‌گیری خلاقانه شما را به چالش می‌کشد. مثلاً وقتی تلویزیونی که دارید خوب کار می‌کند و برای یونیفرم مدرسه پول نیاز است، عاقلانه نیست که یک تلویزیون با صفحه عریض بخرید. با این حال، ممکن است بخواهید از رفتن به سینما خودداری کنید تا با صرفه جویی پول آن در آینده یک تلویزیون جدید بخرید.

هنر بودجه‌ریزی همیشه در مورد متعادل کردن میزان دخل و خرج نیست. گاهی اوقات به آینده نگری و بینشی برای رشد سازمان شما نیاز دارد تا نیازهای جدید و در حال ظهور در جامعه را ببینید و برآورده کنید. اگر آماده قرض گرفتن نباشید، با ریسک از دست دادن فرصت ارائه خدمات بیشتر و بهتر روبرو می‌شوید. بودجه‌ریزی خوب به این معنی است که شما می‌توانید با محاسبه میزانی که توان بازپرداخت ماهانه اش را دارید، حساب کنید که چقدر می‌توانید وام/قرض بگیرید. بنابراین بینش و شجاعت از عناصر مهم بودجه‌ریزی خلاقانه هستند. بنابراین سرمایه گذاری نیز می‌تواند بخشی از برنامه‌ریزی شما برای بودجه‌تان باشد. این بدان معناست که در کوتاه مدت پول کمتری برای خرج کردن خواهید داشت، اما در همان حال به این معنی نیز می‌باشد که در آینده پول بیشتری برای رسیدگی به نیازهایی خواهید داشت که در طول زمان ایجاد می‌شوند.

گاهی اوقات به علت شرایط غیرقابل پیش بینی که نمی‌توانیم برایش برنامه‌ریزی کنیم، بهترین برنامه‌های ما مختل میشوند. نحوه واکنش به چنین شرایطی چالش برانگیز است. باید تصمیماتی بگیریم که نیاز به ذهنی باز و هوشمند دارند: تصمیم در خصوص اینکه آیا چیزی را از برنامه بودجه خود حذف کنیم یا نه و اگر بله، چه چیزی را حذف کنیم، یا این تصمیم که قرض کنیم یا نه و اگر بله از چه کسی قرض کنیم، یا تصمیمی مثل اینکه آیا برای تامین هزینه شغل درآمدزای دیگری را برعهده بگیریم یا نه. به قول معروف چیزهایی وجود دارند که با پول نمی‌توان آنها را خرید، در همین راستا چیزهایی وجود دارند که نمیتوان آنها را فدای متعادل نگه داشتن دخل و خرج کرد. در بودجه خود برای موارد غیر قابل پیش بینی برنامه ای بریزید، بنابراین باید در ابتدای سال مبلغی را برای موارد اضطراری کنار بگذارید.

هسته اصلی بودجه خانوار، افراد، نیازهایشان، خواسته‌هایشان، آرزوها و امید‌هایشان هستند. برای سازمان‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز همین طور است. برنامه‌ریزی بودجه در این شرایط به این معنی است که اطمینان حاصل شود که از مردم مراقبت می‌شود و آنها رشد می‌کنند و شکوفا می‌شوند. بنابراین، بودجه‌ریزی فراتر از ارقام و اعداد است. نتایج بودجه‌ریزی خوب فقط افراد سیر، تحصیل کرده، صاحب خانه و از نظر جسمی سالم نیست. بودجه‌ریزی خوب باید به این معنا باشد که مردم از نظر عاطفی سالم هستند، آینده‌ای در انتظارشان است که باید روی آن کار کنند، و ارزش چیزهایی را که نمی‌توان خرید را می‌دانند.

تمام مواردی که در بالا ذکر شد، در بودجه‌ریزی دولتی نیز دخیل هستند:

- کار با منابع محدود
- توجه به نیازهای رقابتی
- دانستن اینکه چه زمانی و در چه چیزی سرمایه‌گذاری شود
- دانستن اینکه چه زمانی وام گرفته شود
- چه زمانی و به چه نحوی هزینه‌ها کاهش داده شود
- نحوه افزایش درآمد
- نحوه رشد، گسترش و توسعه
- در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی
- چگونگی برنامه‌ریزی برای آینده

٢.٢. بودجه‌ریزی به عنوان یک تمرین دموکراتیک

آیا بودجه‌ریزی می‌تواند یک تمرین دموکراتیک باشد؟ همواره باید تصمیمات سختی گرفته شود و ممکن است همیشه نتوان در مورد آن تصمیمات به توافق عمومی رسید. در اغلب مواقع، بودجه‌ریزی در مورد تصمیم‌گیری بین اولویت‌های مختلف است. همانطور که قبلاً ذکر شد، تصمیم‌گیری درباره بودجه خانوار ممکن است به معنای انتخاب بین خرید ماشین ظرفشویی و یا کامپیوتر؛ بین خرید کفش‌های جدید برای مدرسه و یا تعطیلات آخر هفته؛ بین رفتن به تعطیلات و یا پس انداز برای یک ماشین جدید، باشد. البته رسیدن به یک تصمیم قابل قبول در خانواده آسان‌تر است، زیرا افراد کمتری در تصمیم‌گیری دخیل هستند و معمولاً بزرگسالان می‌توانند در نهایت در مورد آنچه به نفع خانواده است به توافق برسند. اگر بیش از یک بزرگسال در خانواده وجود داشته باشد و تنها یک نفر دستمزد دریافت می‌کند، مهم است که فردی که دستمزد می‌گیرد بیش از سهم خود روی تصمیمات کنترل نداشته باشد (بدون توجه به اینکه چه کسی پول بیشتری درمی‌آورد، همه سهمی برابر در تصمیم‌گیری داشته باشند). میزان مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط به بودجه خانوار ممکن است متفاوت باشد. مهم این است که بزرگسالان سعی کنند تصمیمات را برای کودکان توضیح دهند، حتی اگر آنها موافق این تصمیمات نباشند. کاری مثل دادن پول تو جیبی به کودکان اغلب راهی است برای کمک و آموزش به کودکان تا خرج کردن را درک کنند و محدودیت‌های مالی را بفهمند. در بعضی از خانواده‌ها، به نوجوانان پول تو جیبی برای خرید لباس داده می‌شود که با آن می‌توانند برای خود خرید کنند. این تقسیم قدرت خرج کردن و بودجه با کودکان تمرینی است برای ایجاد ظرفیت و تشویق کودکان که در بالغ شدن به آنها کمک می‌کند؛ و البته این کار تمرینی برای دموکراسی نیز هست.

دولت‌ها تصمیمات مرتبط با بودجه را به نمایندگی از ما می‌گیرند. ما نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنیم تا این تصمیمات را بگیرند و بر اساس دموکراسی می‌توانیم انتظار داشته باشیم که این تصمیمات برای ما توضیح داده شود. شاید این نکته برای ما شوکه کننده باشد که در بسیاری از دموکراسی‌های غربی، نمایندگان پارلمان ممکن است همانند عموم مردم از فرآیندهای بودجه‌ریزی درک کمی داشته باشند. ما به طور فزاینده‌ای خواستار شفافیت بیشتری از دولت‌های خود و همچنین خواستار مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها هستیم. مشارکت در تصمیمات بودجه‌ای کمتر از مشارکت در سایر زمینه‌ها بوده است. مفهوم بودجه‌ریزی مشارکتی در چند دهه اخیر در برزیل توسعه یافته است و در چند سال اخیر یک مقام محلی در بریتانیا یک پروژه بودجه‌ریزی مشارکتی را آغاز کرده است. بودجه‌ریزی جنسیت محور در برخی از موارد با بودجه‌ریزی مشارکتی یکسان است، زیرا بودجه‌ریزی جنسیت محور نیازمند این است که زنان نیازهای خود را عنوان کنند و در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با بودجه مشارکت داشته باشند.

یکی از اهداف کلیدی بودجه‌ریزی جنسیت محور، خارج کردن بودجه از دستان دفترخانه‌ها و دخیل کردن آن در عملیات اصلی سازمان است. به این ترتیب بودجه در حوزه خصوصی مدیران، هیئت‌ها، مدیران مالی و یا مقامات دولتی نیست، بلکه مسئولیتی مشترک است که به همه ذینفعان مربوط می‌شود.

۲.۳. بودجه‌های تجاری

روشی که کسب و کارها بوسیله آن ترتیبات مالی خود را سازماندهی می‌کنند؛ بر اساس اندازه، بخش، فرصت‌های بازار، قوانین مالیاتی و ساختار قانونی آنها متفاوت است. در این سفر اکتشافی بودجه، ما فقط به برخی از جنبه‌های کلی درآمدها و مخارج کسب و کارها خواهیم پرداخت. ما همچنین به برخی از جنبه‌های مرتبط به جنسیت در بودجه‌های تجاری نیز اشاره خواهیم کرد.

چه چیزی وارد می‌شود؟

درآمد کسب و کار ثابت نیست. منبع اصلی درآمد یک تجارت، درآمد حاصل از فروش کالا و خدمات است. برای افزایش این درآمد، مشاغل باید جایگاه خود را در بازار حفظ کنند. شرکت‌های کوچک اغلب با سرمایه مالی خود یا وام‌های گرفته شده از بانک کار می‌کنند. شرکت‌های بزرگ و سود آور می‌توانند دارایی‌های خود را با وام‌های بانکی و همچنین سرمایه حاصل از سهام افزایش دهند. سرمایه سهام اینگونه شرکت‌ها می‌تواند از طریق سهام صادره افزایش پیدا کند.

چه چیزی خارج می‌شود؟

بطور کلی شرکت‌ها ۳ نوع هزینه دارند:

۱. مخارج برای هزینه‌های ثابت: این هزینه‌ها در طول دوره بودجه ثابت باقی می‌مانند. هزینه‌های ثابت مستقل از تعداد کالاها و خدماتی است که توسط شرکت تولید یا فروخته می‌شود. نمونه‌هایی از هزینه‌های ثابت عبارتند از: اجاره، بیمه، بهره بدهی، هزینه‌های کارخانه و تجهیزات و حقوق کارگران با قرارداد ثابت. این هزینه‌ها حتی در مواقعی که کسب و کار تولید نمی‌کند یا سودآور نیست، باید پرداخت شود.

۲. مخارج برای هزینه‌های متغیر: این هزینه‌ها با توجه به میزان کالاها و خدماتی که تولید می‌شود در نوسان است. به عنوان مثال، مواد خام با توجه به تعداد محصولاتی که شرکت قصد تولید آن را دارد یا سطح خدمات ارائه شده خریداری می‌شود. سایر هزینه‌های متغیر می‌تواند شامل حقوق کارگران انعطاف پذیر یا کارکنان موقت و پاداش فروش یا تولید باشد.

۳. مخارج برای سرمایه گذاری: اینها می‌توانند سرمایه گذاری برای جایگزینی تجهیزات مستهلک شده مانند ماشین آلات، رایانه یا مبلمان، یا سرمایه گذاری برای شروع فعالیت‌های جدید، مانند راه اندازی یک محصول جدید، یک روش جدید تولید، یا بهبود شرایط بهداشتی و ایمنی در محل کار باشد.

در بیشتر مشاغل، معمولاً دستمزد بخشی از هزینه‌های ثابت است. با این حال، بسیاری از کسب‌وکارها مایلند هزینه‌های نیروی کار را متغیر کنند تا بتوانند ساعات کار را با توجه به نوسانات در فرآیند تولید تنظیم کنند. اگرچه این ممکن است منطقی اقتصادی باشد، اما به دلیل قوانین کار و کار اتحادیه‌های کارگری همیشه امکان‌پذیر نیست. با این وجود، زمان کار به طور فزاینده‌ای انعطاف‌پذیر می‌شود و شیوه‌های کاری به طور مداوم در حال تغییر است. روش‌های تولید جدید که با توسعه فناوری اطلاعات (IT) و سایر فناوری‌های ارتباطی پدید آمدند، انعطاف‌پذیری بیشتری را ایجاد می‌کنند. بسیاری از مشاغل مانند مدیریت، فروش، دورکاری و مشاوره مستقل از زمان و مکان شده‌اند.

ساعات کاری انعطاف‌پذیر می‌تواند به نفع کارگران باشد، اگر به آنها اجازه دهد برنامه‌های شخصی و خانگی خود را رعایت کنند. برای کارگرانی (زن و مرد) که مسئولیت‌های خانوادگی دارند، شرایط زمانی پیچیده‌تر است که بتوانند کار خود را در زمانی که بچه‌ها در مدرسه هستند یا زمانی که خواب هستند انجام دهند. کار در خانه، در این عصر رسانه‌های تعاملی، بیشتر و بیشتر امکان‌پذیر است و برای والدین و افرادی که مسئولیت مراقبت دارند، فرصتی برای ترکیب مراقبت و کار است. شرکت‌هایی که به کارمندان اجازه می‌دهند با برنامه‌ای انعطاف‌پذیر کار کنند، به تعادل بهتر مسئولیت‌های کار و مراقبت در جامعه کمک می‌کنند. تجزیه و تحلیل جنسیتی از هزینه‌های ثابت و متغیر نیروی کار ممکن است دیدگاه‌های جدیدی را برای کارگران و همچنین برای تجارت ایجاد کند.

برنامه رفاه گروه آکور (Accor).

گروه آکور (یک هتل زنجیره ای با یک و نیم میلیون کارمند در ۳۱ کشور) به سرعت مزایای کارفرمایی «جذاب» بودن و بازی کردن با کارت «مسئولیت اجتماعی شرکت» را درک کرد. مدیران منابع انسانی آن عمداً سیاست آموزش مستمر کارکنان را انتخاب کردند که انتظارات ساعت‌های کاری کارکنان و طیف وسیعی از خدمات را برای کارمندی‌های خود در نظر می‌گرفت. در نتیجه دستاورد این شیوه کاهش جابجایی کارکنان و غیبت آنها است. گستره خدمات - چه در خانه و چه در محل کار - بسیار وسیع است و زندگی روزمره (اتو، کارهای خانه، تحویل)، مهد کودک (مراقبت از کودک، حمایت آموزشی، مراقبت از کودکان بیمار) و مراقبت از افراد مسن (کمک از راه دور، مراقبت در خانه)، پشتیبانی کامپیوتر (نصب، نگهداری، آموزش در منزل)، زندگی عملی (امور اداری، مالیاتی، حقوقی و غیره) را در بر می‌گیرد. دسترسی به خدمات آسان است: یک شماره تلفن، یک آدرس ایمیل، یک وب سایت اختصاصی و غیره. هزینه‌ها به نرخ بازار یا کمی کمتر است. با این وجود، آرزو اینست که این خدمات نه تنها برای کارکنان زنجیره هتل، بلکه برای افرادی که در مجاورت زندگی می‌کنند نیز در دسترس باشد.

منبع: تعادل کار و زندگی خصوصی. ترتیبات روتین روزانه، از رویه محلی تا سیاست ملی، ترتیبات روزمره www.emancipatieweb.nl

Reconciliation of work and private life. «Daily routine arrangements, from local practice to national policy», www.emancipatieweb.nl, daily routine arrangements.

سرمایه‌گذاری‌های یک شرکت عموماً در قالب فعالیت‌هایی در نظر گرفته می‌شود که باعث افزایش تولید و سودآوری شرکت می‌شود. سرمایه‌گذاری فزاینده بر روی کارکنان و مشتریان بخش مهمی از عملکرد خوب سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. از نظر سرمایه‌گذاری روی افراد، شاید تمرکز بیشتری بر روی مشتریان در قیاس با کارکنان انجام می‌شود. شرکت‌ها آموخته‌اند که با جلب رضایت مشتریان خود و تامین نیازهای فردی گروه متنوعی از مشتریان، فروش افزایش می‌یابد و کسب و کارشان رشد می‌کند. پیشرفت در سرمایه‌گذاری روی کارکنان کندتر بوده است. بیشتر پیشرفت‌ها به دلیل قوانین استخدام منصفانه حاصل شده است. همانطور که در حال حاضر بازارهای جهانی وجود دارد، نیروی کار جهانی نیز وجود دارد و بسیاری از شرکت‌ها تصمیم می‌گیرند تا محل کار خود را در جایی که نیروی کار ارزان‌ترین است، قرار دهند یا جابجا کنند. آن دسته از شرکت‌هایی که فراتر از حداقل‌های قانونی لازم از شیوه‌های شغلی خوب رفته‌اند، از مزایای رشد شرکت خود بهره‌برده‌اند.

شرکت‌های مدرن روز به روز بیشتر از تنوع موجود در جامعه آگاه هستند و این امر بیش از پیش در سیاست‌های پرسنلی آنها منعکس می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری مانند سایر انواع سرمایه‌گذاری نیاز به بودجه دارد. برخی از نمونه‌های سرمایه‌گذاری در پرسنل عبارتند از:

- بودجه برای جذب پرسنل با تمرکز بر دستیابی به تنوع در تمام سطوح شرکت و به دنبال تضمین فرصت‌های برابر برای همه متقاضیان
- بودجه برای سلامت و ایمنی در محل کار با در نظر گرفتن اینکه خطرات سلامتی برای افراد مختلف متفاوت است.

- بودجه برای کارگاههای آموزشی، آموزش یا توسعه شغلی که متمرکز بر توسعه تنوع استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه (یک سیاست فراگیر)، به جای اینکه محدود به تعداد کمی از افراد ممتاز باشد.
- بودجه برای دستمزد و حقوق که بر اساس دستمزد برابر برای کار یکسان است
- بودجه برای تدارکات اساسی از جمله تسهیلات برای اشخاص با نیازهای ویژه مانند دسترسی به صندلی چرخدار و امکانات مهدکودک.

٢.٤ بودجه سازمانهای غیر دولتی

انواع مختلفی از سازمانهای غیر دولتی مانند اتحادیه‌های کارگری، سازمانهای زنان، سازمانهای محیط زیستی، کلیساها، کلوب‌های ورزشی، شبکه بیماران، گروه‌های ترویجگری، جنبش جوانان، سازمان‌های همکاری‌های توسعه‌ای، گروه‌های فشار، سازمان‌های مصرف‌کنندگان و غیره وجود دارد. اغلب آنها به عنوان ان‌جی‌او (سازمانهای غیر دولتی) شناخته شده و با همدیگر جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند.

سازمان‌های جامعه مدنی اغلب خدمات و کالاهای عمومی را ارائه می‌دهند که توسط دولت ارائه نمی‌شوند و از طریق بازار قابل دسترس نیستند. بودجه سازمان‌های غیرانتفاعی با بودجه‌های تجاری کاملاً متفاوت است. آنها برای درآمدهای خود کمتر به بازار متکی هستند و مجبور نیستند در بازار رقابت کنند. همچنین هزینه‌های موسسات غیرانتفاعی کمتر تحت تاثیر بازار است.

این بدان معناست که آنها می‌توانند سازمان‌های خود را اداره کنند و خدمات خود را مطابق با اخلاق و ارزش‌های خود ارائه دهند.

چه چیزی وارد می‌شود؟

سازمانهای غیر انتفاعی درآمد خود را از منابع مختلفی از جمله موارد زیر تامین می‌کنند:

- درآمدهای اعضا یا خیرین به صورت کمک مالی یا هدایا
- کمک‌های مالی از ی مالی ملی یا بین المللی
- کمک‌های شرکت‌های حامی
- عواید حاصل از فروش کالا و خدمات
- درآمد «غیر نقدی»، مانند اهدای محصولات یا استفاده رایگان از یک ساختمان اداری یا اتاق ملاقات
- کمک‌های مالی از ادارات دولتی یا سازمان‌های دولتی
- کار بدون دستمزد داوطلبان و هزینه‌های متقبل شده توسط داوطلبان.

چه چیزی بیرون می‌رود؟

اصولاً سازمان‌های غیرانتفاعی همان نوع گروه‌های هزینه‌ی مشابه سازمان‌های تجاری را دارند: هزینه‌های ثابت، هزینه‌های متغیر و سرمایه‌گذاری. با این حال، سازمان‌های مردمی کوچک معمولاً هزینه‌های ثابت و سرمایه‌گذاری ندارند. آنها عمدتاً با کمک داوطلبان، بدون دفتر و بدون پرسنل کار می‌کنند. هزینه‌های متغیر سازمان‌های غیرانتفاعی ممکن است در طول زمان در نوسان باشد، که نه چندان ناشی از بازار، بلکه بیشتر ناشی از جنبه‌های دیگری مانند:

- افزایش تقاضا برای خدمات آنها
- افزایش کمک‌های مالی
- کاهش کمک‌های اهدایی
- هزینه جمع‌آوری کمک مالی، لابی‌گری و سایر فعالیت‌های حیاتی برای ادامه حیات آنها
- الزامات و محدودیت‌های هدایای مالی که محدودیت‌های زمانی را برای پروژه‌ها ایجاد می‌کند یا نوع و نحوه سرویس دهی را دیکته می‌کند.

بودجه‌های سازمانهای غیر دولتی اغلب فقط هزینه‌ها و درآمدها را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. زمانی که ارزش درآمدهای غیر نقدی و کارهای داوطلبانه در بودجه در نظر نگرفته نمی‌شود، سرمایه اجتماعی این سازمان‌ها

قابل مشاهده نیست. کار داوطلبانه شکل گسترده‌ای از نوع درآمد غیر نقدی سازمان‌های غیر انتفاعی است. بعلاوه، داوطلبان اغلب هزینه‌هایی مانند تلفن و اینترنت، آمد و شد، کپی، برگه‌های کاغذ و پست را متقبل می‌شوند. همانگونه که ما دولت را تشویق می‌کنیم که نیروی کار بدون دستمزد در خانوار را به حساب بیاورد، بنابراین بسیار اهمیت دارد که کارهای بدون دستمزد داوطلبان نیز در بودجه در نظر گرفته شود.

تحلیل مخارج، بدست آوردن معیاری از توازن بین تخصیص مستقیم به خدمات و موارد مربوط به عملکردهای اداری و پشتیبانی سازمان مفید است. مانند تجارت، سازمان‌ها می‌خواهند در جهت بهره‌وری در استفاده از منابع فعالیت کنند. با این حال، از آنجایی که روح حاکم بر سازمان‌های غیرانتفاعی متمرکز بر توسعه انسانی است و نه رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری بر روی پرسنل آن از مسئولیت‌های چنین سازمان‌هایی است.

به دلیل انگیزه برای ارائه خدمات بسیار مورد نیاز، با منابع محدود و در عین حال برآورده کردن الزامات اهدا کنندگان کمک‌های مالی، گروه‌های جامعه مدنی به سختی می‌توانند زمان وامکانی برای بررسی فرآیندهای بودجه‌ای خود پیدا کنند. اگر گروه‌های جامعه مدنی از دولت‌ها می‌خواهند تا بودجه‌ریزی جنسیت محور را اتخاذ کنند، بودجه‌ای که برای همه عادلانه باشد، آن‌ها نیز باید متعهد باشند که سازمان خود را بر این اساس تنظیم کنند.

یک رویکرد حساس به جنسیت به بودجه می‌تواند به سازمان‌های غیرانتفاعی کمک کند تا درک کنند که در رابطه با سیاست‌ها و عملکردهای برابری خود در کجا قرار دارند. غالباً چنین سازمان‌هایی قلب خود را در جای درست قرار می‌دهند و می‌توانند سیاست‌های درستی را بیان کنند اما عمل این سازمان‌ها

می‌تواند متفاوت باشد. تا زمانی که سیاست‌ها با مشورت، نوشته، انتشار و اجرا نشده باشند، صرف داشتن نیت‌های خوب فایده‌چندانی نخواهد داشت. یک نقطه شروع خوب برای معرفی بودجه‌ریزی جنسیت محور در سازمان شما، انجام ممیزی جنسیتی است. چنین ممیزی به ساختارها و شیوه‌های سازمانی، کارکنان، از جمله نحوه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری، نحوه حضور زنان در میان داوطلبان و همچنین به شیوه‌های بودجه نگاه خواهد کرد. فصل ۵ راه‌های عملی برای نزدیک شدن به این تمرین‌های تحلیلی را ارائه می‌دهد.

خدمات کم هزینه آفتابگردان

آفتابگردان یک سازمان غیرانتفاعی در هلند است که کمک‌های مالی از ۵۷۲۰۰۰ عضو و هدایایی از ۷۵۰۰۰ اهداکننده دیگر دریافت می‌کند. این یک انجمن ملی از داوطلبان است که به بیماران مبتلا به بیماری طولانی مدت، افراد دارای ناتوانی جسمی یا افراد مسن مبتلا به ناتوانی اختصاص داده شده است. برای کمک به خروج آنها از انزوا و افزایش کیفیت زندگی، آفتابگردان از طریق بازدید در خانه از آنها مراقبت می‌کند و فعالیت‌های تفریحی، سفرها و تعطیلات را با توجه با نیازهای آنها از جمله مراقبت‌های بهداشتی و کمک در هنگام گردش سازماندهی می‌کند. حدود ۳۷۰۰۰ داوطلب از جمله پزشکان و پرستاران با آفتابگردان همکاری می‌کنند. این داوطلبان هر ساله تقریباً ۱ میلیون بازدید از خانه را برای افرادی که نیاز به کمک دارند به ارمغان می‌آورند، به ۵۷۵۰۰ نفر در طول

سفرهای روزانه با قایق و ۸۴۰۰ نفر در تورهای کانال آمستردام کمک می‌کنند، آنها ۲۷۵۰۰ نفر را به تئاتر همراهی می‌کنند و از ۶۷۵۰ نفر در طول تعطیلات یک هفته ای در داخل یا خارج از کشور مراقبت می‌کنند. (داده های سال ۲۰۰۳).

اگر این افراد مجبور به پرداخت هزینه‌ها با قیمت‌های بازار باشند، چنین گردش‌هایی برای اکثر افرادی که به تسهیلات تعدیل‌شده و/یا کمک و مراقبت دائمی نیاز دارند، مقرون به صرفه نخواهد بود. این کار داوطلبانه حداقل ۷۵ میلیون یورو طبق نرخ دستمزد هلند برای کارکنان حرفه‌ای بهداشت و امداد، ارزش دارد. با این حال، ارزش کار داوطلبانه در بودجه تقریباً ۱۰ میلیون یورویی که سالانه توسط آفتابگردان مدیریت می‌شود؛ در دفتر مرکزی، برای کمپین‌های جمع‌آوری کمک مالی، بهره‌برداری از قایق هتل آفتابگردان، و برای آموزش داوطلبان کار داوطلبانه آفتابگردان لحاظ نشده است. کار داوطلبان آفتابگردان باعث می‌شود گزینه تفریحات کم هزینه برای تعداد زیادی از مردم که در غیر این صورت از چنین فرصت‌هایی محروم می‌شدند، در دسترس باشد. به این ترتیب داوطلبان - که اکثریت آنها را زنان تشکیل می‌دهند - با کار مراقبتی بدون دستمزد خود برای کسانی که به امداد نیاز دارند، به جامعه یارانه می‌دهند.

۲.۵ بودجه‌های دولتی

ساختارهای دولتی در سطوح مختلف کار می‌کنند. این سطوح از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و اختیارات هر سطح از دولت نیز از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. دولت ملی بیشترین قدرت را از نظر قانونگذاری و سیاست از جمله سیاست اقتصادی اعمال می‌کند. در لایه بعد از حلقه مرکزی قدرت، ساختارهای حکومتی منطقه‌ای یا محلی قرار دارند. سطح مسئولیت در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به طور قابل توجهی متفاوت است. برخی از دولت‌های منطقه‌ای یا محلی قدرت افزایش مالیات و تعیین سیاست مالی خود را دارند، در حالی که برخی دیگر این اختیار را ندارند. در برخی کشورها ترتیبات پیچیده‌ای وجود دارد که به موجب آن مسئولیت و قدرت دولت‌های ملی، منطقه‌ای یا محلی همپوشانی دارند.

وجه اشتراک بودجه‌های دولتی در کشورهای اروپایی این است که بر اساس قوانین و مقررات تنظیم شده است و باید توسط نمایندگان منتخب دموکراتیک مانند اعضای پارلمان یا شورای محلی تصویب شود.

بودجه دولت اهداف سیاسی کلی مشخصی، مانند رشد اقتصادی، ثبات قیمت، اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد، تامین اجتماعی، آموزش اجباری تا سن معین، دسترسی به مقررات بهداشتی، حقوق بشر، رهایی، استفاده پایدار از منابع طبیعی، و مسکن برای همه و غیره را دنبال می‌کند. اولویت‌های اصلی یک دولت با امضای سیاسی آن دولت در زمان حکمرانی‌اش تعیین می‌شود. این اولویت‌ها در بودجه سالانه مشخص و یکی از مهمترین اسنادی است که توسط دولت تهیه شده و تعیین می‌کند که چگونه درآمدها به دست آمده و هزینه شود.

بودجه‌های دولتی معمولاً نسبت به بودجه‌های تجاری یا بودجه‌های سازمان‌های غیرانتفاعی پایدارتر هستند. دولت‌ها می‌توانند درآمدهای خود را از طریق سیاست‌های مالی برنامه‌ریزی کنند که آنها را قادر می‌سازد پس از تصویب توسط نهادهای منتخب، عوارض مالیاتی را بر شهروندان اعمال کنند.

چه چیزی وارد می‌شود؟

مالیات منبع اصلی درآمدهای عمومی است. در کنار این درآمد، دولت‌ها از بازار سرمایه پول قرض می‌کنند. سه دسته اصلی مالیات وجود دارد:

مالیات‌های مستقیم: این مالیات‌ها توسط دولت بر اساس درآمد، دارایی، سود و ارث تعیین می‌شود و باید مستقیماً به صندوق دولت واریز شود.

مالیات‌های غیرمستقیم: این مالیات‌ها توسط شهروندان به صورت غیرمستقیم با خرید محصولات که مالیات در قیمت لحاظ شده است پرداخت می‌شود. مالیات‌های غیرمستقیم به تولید و واردات مرتبط است، مانند مالیات بر ارزش افزوده (مالیات بر ارزش افزوده در فرآیند تولید، که در انتهای زنجیره توسط مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شود) و کالاهای وارداتی.

سهم‌های اجتماعی: شامل سهم‌های اجباری طرح‌های بیمه اجتماعی است که توسط کارگران، کارفرمایان، بیکاران و خوداشتغال‌ها پرداخت می‌شود.

بار مالیاتی کلی کشورهای اروپایی در سال ۲۰۰۰، ۵/۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) بود. این به این معنی است که به ازای هر یورو که از طریق کارمزد، سود یا ارث دریافت می‌شود، تقریباً ۴/۰ یورو به دولت می‌رسد. در واقع تولید ملی بسیار بالاتر از آن چیزی است که آمارهای اقتصادی نشان

می‌دهد. در بیشتر کشورها بیش از نیمی از کالاها و خدمات توسط کار بدون دستمزد تولید می‌شود که در تولید ناخالص داخلی منعکس نمی‌شود. به عنوان مثال، حجم کل نیروی کار در هلند در سال ۲۰۰۰ شامل ۵۷٪ کار بدون دستمزد و ۴۳٪ کار با دستمزد بوده است (van Osch: ۲۰۰۴). این بدان معناست که مردم علاوه بر مالیات، بیش از نیمی از کل زمان کاری خود را با کار رایگان در خدمت رفاه جامعه صرف کرده‌اند.

چه چیزی بیرون می‌رود؟

بخش عمده مخارج عمومی شامل تعهداتی است که از سالی به سال دیگر قابل تغییر نیستند، مانند:

- حقوق کارمندان دولتی (کارمندان ادارات دولتی، معلمان، کارکنان بهداشت، پلیس، نظامیان، وکلا و غیره)
- مزایای اجتماعی به بیکاران، از کار افتادگان و سایر افراد دارای حقوق مزایا
- حواله های مالی بر اساس تعهدات بین المللی به عنوان مثال، مالیات برای موسسات اروپایی، کمک به سازمان ملل متحد، موافقت نامه‌های همکاری توسعه بین المللی
- سود بدهی‌های عمومی.

یک دولت جدید دارای امکان محدودی در کل بودجه برای تغییر سیاست‌ها است. با این حال، امکان‌های مالی کوچک برای تغییر سیاست‌ها می‌تواند تفاوت زیادی در زندگی مردم ایجاد کند.

دولت‌های محلی پول خود را از کجا می‌آورند؟

همانطور که قبلاً ذکر شد، تفاوت زیادی بین دولت‌های محلی و منطقه‌ای در اروپا از نظر توانایی آنها برای افزایش مالیات وجود دارد. به عنوان مثال، در هلند، مالیات بر املاک و مستغلات یک منبع درآمد مهم و بزرگ برای شهرداری‌ها است. شهرداری منابع درآمدی دیگری نیز، مانند عوارض استفاده از بزرگراه‌ها، هزینه آب و فاضلاب، کرایه حمل و نقل، هزینه پارکینگ در خیابان‌ها و مکان‌های تفریحی دارد. مهمترین منبع درآمد مقامات محلی، بودجه‌هایی است که توسط دولت ملی به دولت محلی تفویض می‌شود. در نهایت مقامات محلی می‌توانند کمک‌های مالی و یارانه‌ای برای پروژه‌ها یا برنامه‌های خاص از صندوق‌های ملی، اروپایی یا بین‌المللی دریافت کنند.

مالیات صرفاً ارسال پول به دولت نیست. مالیات ابزار قدرتمندی برای ساختار و تغییر زندگی مردم است. سیاست مالی یک ابزار خنثی جنسیتی نیست. تغییرات مالیاتی کوچک ممکن است پیامدهای بزرگی برای جامعه داشته باشد و تاثیرات متفاوتی بر مردان و زنان داشته باشد. به عنوان مثال، مالیات بر

درآمد خانواده ممکن است مانعی برای استقلال اقتصادی زنان باشد، در حالی که مالیات بر درآمد فردی می‌تواند مشارکت زنان در بازار کار را ارتقا دهد. افزایش مشارکت زنان در بازار کار باعث افزایش درآمدهای عمومی (مالیات مستقیم و مشارکت های اجتماعی) می‌شود، و رابطه بین کار با حقوق و دستمزد در جامعه را نیز تغییر می‌دهد. این ممکن است بر رفاه کسانی که از کار بدون دستمزد بهره مند شده اند تأثیر بگذارد. هنگامی که زنان شغلی را شروع می‌کنند، زمان کمتری برای کار بدون دستمزد مانند مراقبت از کودکان، کمک برای دوستان یا خانواده‌هایی که مشکلات سلامتی دارند، یا برای کار داوطلبانه در جامعه خود خواهند داشت. برای جلوگیری از کاهش رفاه، دولت‌ها باید در خدمات اجتماعی مانند تسهیلات مراقبت از کودکان، خدمات امدادی حرفه‌ای و بهبود خدمات عمومی در سطح جامعه سرمایه گذاری کنند تا جایگزین کار بدون مزد زنان شود.

چگونه مالیات می‌تواند زندگی زنان و مردان را تغییر دهد؟

تا سال ۲۰۰۱ نان آوران (عمدتاً مردان) در هلند از کمک هزینه مالی برای شریک وابسته اقتصادی خود (عمدتاً زنان) برخوردار می شدند. به دلیل این مزیت، داشتن شریک زندگی دارای شغل برای درآمد خانواده مساعد نبود، زیرا نان آور کمک هزینه مالیاتی خود را از دست می داد. درآمد دوم با شغل کم درآمد به سختی می‌تواند درآمد خانواده را افزایش دهد. پس چرا خانواده به دنبال درآمد دوم باشد که فقط منجر به پرداخت مالیات بیشتر شود؟ بعلاوه، کمبود

امکانات مراقبت از کودکان نیز وجود داشت. در نتیجه مشارکت زنان در بازار کار بسیار کم باقی ماند. درصد بالایی از زنان متاهل، خانه دار تمام وقت بودند و بسیاری از آنها نیز در مدرسه ابتدایی فرزندان خود، کارهای داوطلبانه انجام می دادند.

بخشی از اصلاحات مالی در سال ۲۰۰۱ لغو کمک هزینه نان آور خانه بود. برای دولت این یک عملیات سودآور بود، زیرا ۸۶۰۰ میلیون یورو اضافی به خزانه عمومی برگرداند. و صرفاً ۱۱۰۰ میلیون یورو از این مبلغ در تسهیلات برای ترکیب یک شغل با مسئولیت‌های مراقبتی هزینه شد. درآمد خالص نان آوران اما تحت تأثیر قرار گرفت. این انگیزه‌ای برای نان آور دوم در خانواده‌ها ایجاد کرد که با کمک هزینه ترکیبی برای والدینی که کار را با مسئولیت‌های خانوادگی ترکیب می‌کنند، تقویت شد. مشارکت زنان در بازار کار از ۳۹ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۲/۶۶ درصد در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت (CBS: ۲۰۰۰ & ۲۰۰۴)، که به نوبه خود مالیات بر درآمد و کمک‌های اجتماعی به دولت را افزایش داد.

با این حال، ۸/۷۲ درصد از زنان شاغل و ۵/۲۱ درصد از مردان، مشاغل پاره وقت در سال ۲۰۰۳ داشتند که باعث شد هلند قهرمان کار پاره وقت شود، در حالیکه در سطح اروپا تنها ۸/۲۹ درصد از زنان و ۵/۶ درصد از مردان مشاغل پاره وقت در سال ۲۰۰۳ داشتند (CBS: ۲۰۰۴).

مدل نان آور / زن خانه دار به مدل یک و نیم نان آور تغییر کرد.

ترکیب مشاغل تمام وقت با مسئولیت‌های مراقبتی دشوار است، زیرا جامعه هلند هنوز تا حد زیادی بر اساس مدل نان آور/ زن خانه دار است:

کمبود امکانات مهدکودک وجود دارد

- بخش قابل توجهی از کار در مدارس ابتدایی مبتنی بر کار داوطلبانه مادران است
- ۸۴ درصد از افراد دارای معلولیت، بیمار یا مشکلات پیری به کار مراقبتی داوطلبانه وابسته هستند، در حالی که تنها ۱۶ درصد از آنها مراقبت‌های حرفه‌ای دریافت می‌کنند.
- برنامه زمانی خدمات زندگی شهری مانند زمان تعطیلی مغازه ها، کتابخانه ها، مدارس، مراکز پزشکی و فعالیت‌های کودکان خردسال در فضای باز برای افرادی که مشاغل تمام وقت دارند، هماهنگی ندارد.
- ترافیک کاری روزانه برای افرادی که در حومه شهرها زندگی می‌کنند به دلیل حمل و نقل عمومی ناکافی و ازدحام ترافیک در ساعات اوج مصرف پیچیده است.

سیاست مالی نگرانی کسانی است که بودجه‌ریزی جنسیت محور را ترویج می‌کنند. با این حال، تا به امروز کار کمی در مورد این جنبه از سیاست بودجه‌ای دولت در طرح‌های بودجه‌ریزی جنسیت محور انجام شده است. یکی دیگر از دغدغه‌های اصلی، موضوع کارهای خانگی و مراقبتی است؛ هم از بعد ماهیت جنسیتی کار و هم اینکه در تولید ناخالص داخلی به حساب نمی‌آید. ارائه خدمات توسط دولت راه حل مهم دیگری است که از طریق آن می‌توان فرصت‌های برابر را ارتقا داد. همه این مسائل به لزوم انطباق رویکردی حساس به جنسیت در بودجه‌ریزی اشاره دارد. زمانی که بودجه‌ها با در نظر گرفتن افراد برنامه‌ریزی می‌شوند، بودجه‌ها بهتر نیازهای مردم را برآورده می‌کنند و در عین حال کارآمدتر هستند.

فصل ۳

آوردن جنسیت به جریان اصلی

درگیر شدن با بودجه‌ریزی جنسیت محور بدون درک خوب مفاهیم جنسیت و جریان اصلی جنسیت ممکن نیست. این فصل به مبانی این موضوعات می‌پردازد. کسانی که قبلاً با مفاهیم جنسیت آشنا هستند، البته می‌توانند به فصل بعدی بپردازند.

۳.۱ جنسیت

کلمه جنسیت که برای نشان دادن تفاوت‌های اجتماعی بین زن و مرد به کار می‌رود را نباید با کلمه «جنس» که به تفاوت‌های بیولوژیکی بین زنان و مردان اشاره دارد، اشتباه گرفت. تفاوت‌های بیولوژیکی را نمی‌توان به راحتی تغییر داد، مانند این که زنان می‌توانند باردار شوند و مردان نمی‌توانند. با این حال، تفاوت‌های اجتماعی در طول تاریخ در حال تغییر بوده است. کمتر از یک قرن پیش، زنان در پارلمان‌های ملی نمایندگی نداشتند. این به دلیل تفاوت‌های بیولوژیکی نبود، بلکه به این دلیل بود که زنان حق قانونی رای نداشتند. نقش‌های اجتماعی مردان و زنان بر اساس آداب و رسوم، قوانین، ارزش‌های فرهنگی یا اعتقادات مذهبی رایج تعیین می‌شود. این واقعیت که زنان بیشتر کارهای خانگی و مراقبتی بدون مزد را در خانه انجام می‌دهند را نمی‌توان با تفاوت‌های بیولوژیکی توضیح داد. این نتیجه آداب و رسوم،

هنجارها و ارزش‌های اخلاقی است که تقسیم اجتماعی نابرابر کار با مزد و بدون مزد را ایجاد کرده است. زن و مرد با نقش‌های اجتماعی متفاوتی به دنیا نمی‌آیند. این نقش‌ها در فرآیند اجتماعی شدن در خانه، مدرسه، نهادهای مذهبی (کلیسا، مسجد و غیره) توسط رسانه‌ها آموخته می‌شوند یا توسط قوانین و سنت‌های فرهنگی تحمیل می‌شوند. نابرابری بین زن و مرد به دلیل نقش‌های جنسیتی که به آنها اختصاص داده شده است، به وجود آمده است. تا زمانی که هر شکلی از نابرابری جنسیتی وجود داشته باشد، مسائل جنسیتی بدون شک موضوعی برای سیاست‌گذاران خواهد بود.

روابط جنسیتی روابطی است که از نظر اجتماعی و فرهنگی بین زن و مرد تعیین می‌شود. برای درک روابط جنسیتی باید از نگاه غالب به جهان عقب نشینی کنیم. ما باید تصاویر کلیشه‌ای از زن و مرد را ساختارشکنی کنیم و بینشی جدید و فرهنگ جدیدی بر اساس برابری و عدالت بین زن و مرد بسازیم. این ممکن است برای برخی گامی چالش برانگیز باشد و اغلب آموزش آگاهی از جنسیت به تغییر مجموعه ذهنی ما کمک می‌کند. نگاه به دنیا از منظر جنسیتی افق جدیدی را برای زندگی بهتر برای مردان، زنان و کودکان می‌گشاید. به قول مارسلا لاگارد، انسان‌شناس مکزیکی، «دیدگاه جنسیتی به فرد اجازه می‌دهد تا ویژگی‌هایی را که زنان و مردان را در راه‌های خاص، از جمله شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان، تعریف می‌کنند، تحلیل و درک کند. این دیدگاه جنسیت، امکانات حیاتی زنان و مردان و معنای زندگی آنها، انتظارات و فرصت‌های آنها، پیچیدگی‌های آنها و روابط اجتماعی متنوعی که بین هر دو جنس وجود دارد، از جمله درگیری‌های روزانه و نهادی که باید با آنها مقابله کرد و روش‌های انجام این کار را تحلیل می‌کند».

برابری جنسیتی به این معناست که زنان و مردان از حقوق و فرصت‌های برابر برخوردار باشند و رفتار، آرمان‌ها، خواسته‌ها و نیازهای زنان و مردان به طور یکسان مورد توجه و حمایت قرار گیرد. البته منظور این نیست که مردان باید مانند زنان یا زنان مانند مردان شوند. ایجاد برابری جنسیتی به معنای سازماندهی مجدد جامعه به دور از جامعه ای است که نسبت به مردان تعصب جنسیتی دارد. و این به نوبه خود مستلزم تغییرات قابل توجهی در سیاست در همه سطوح است.

۳.۲ جنسیت و تنوع

همانطور که در مثال زمین بازی مدرسه (فصل ۱) دیدیم، دانش آموزان در دو نوع گروه سنی و گروه ناتوانی مشخص شدند. در هر یک از این گروه‌ها خواسته‌های پسران و دختران مورد توجه قرار گرفت. دلیل تشخیص گروه‌های سنی مختلف و گروه‌های ناتوانی متفاوت این است که این گروه‌ها ممکن است نیازها و اولویت‌های متفاوتی داشته باشند. و در واقع، نه تنها تفاوت‌های جنسیتی بین پسران و دختران، بلکه تفاوت‌های مربوط به سن بین پسران و دختران و همچنین تفاوت‌های مربوط به ناتوانی بین پسران و دختران وجود داشت. این مثال نشان می‌دهد که اگرچه دانش آموزان ممکن است ترجیحات مربوط به جنسیت داشته باشند (پسران دوست دارند فوتبال بازی کنند و دختران دوست دارند بازی‌های دیگر انجام دهند)، همچنین تنوع زیادی بین پسران و دختران بسته به سن و ناتوانی آنها وجود دارد. مثال ما سه هویت کودکان، هویت جنسی، هویت سنی و هویت ناتوانی را نشان می‌دهد. البته، کودکان بسته به طبقه اجتماعی پدر و یا مادر، ملیت یا پیشینه قومی یا به دلیل تعلق آنها به یک اقلیت قابل مشاهده، ممکن است هویت‌های دیگری نیز داشته باشند.

تنوع در جامعه به این معناست که زندگی یک فرد تنها با مرد یا زن بودن تعیین نمی‌شود. جنسیت فقط به اهمیت اجتماعی اشاره دارد که به تفاوت‌های بیولوژیکی بین زن و مرد داده می‌شود. روابط جنسیتی یا نحوه تعامل زن و مرد در جامعه و همیشه تحت تأثیر سایر روابط اجتماعی مانند روابط اقتصادی یا روابط سیاسی نیز است. طبقه، ملیت، مذهب، قومیت، عضویت در یک جامعه اقلیت، همه عواملی هستند که بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند و می‌توانند تعیین‌کننده چگونگی راهیابی ما به جهان باشند. هویت‌های چندگانه ما، یا تنوع ما - نکته کلیدی این است که چگونه تنوع را قابل مشاهده کنیم.

هنگامی که تحلیلگران اجتماعی سعی می‌کنند تنوع را در جامعه نشان دهند، آنها اغلب اشتباه می‌کنند تفاوت‌ها را جدا از یکدیگر تشخیص می‌دهند بدون اینکه تفاوت‌های جنسیتی در گروه‌های متمایز را نشان دهند. اگر به مثال خود در حیات مدرسه برگردیم، اگر مدیر آرزوهای مربوط به جنسیت را با آرزوهای مربوط به ناتوانی مقایسه می‌کرد، این اشتباه را مرتکب می‌شد. سپس او آرزوهای پسران و دختران را با آرزوهای کودکان معلول مقایسه می‌کرد. با انجام این کار، او انکار می‌کرد که کودکان دارای معلولیت نیز ممکن است خواسته‌های مرتبط با جنسیت داشته باشند.

این نوع اشتباه اغلب در آمار انجام می‌شود - به عنوان مثال، زمانی که نرخ اشتغال مردان و زنان با نرخ اشتغال مهاجران مقایسه می‌شود. این نوع مقایسه این واقعیت را نادیده می‌گیرد که مهاجران نیز متشکل از مردان و زنان هستند. با این کار نه تنها تنوع در جامعه پنهان می‌ماند، بلکه انواع مختلف تبعیض در جامعه نیز نامرئی می‌ماند.

برای درک روابط جنسیتی، آگاهی از تنوع اجتماعی مهم است. این بدان معناست که تمام آمارهای مربوط باید جایگاه زنان و مردان را مشخص کند. پروفسور گلوریا وکر، اولین استاد دانشگاه سیاه پوست در زمینه جنسیت و قومیت در هلند، برای آشکار کردن تبعیض پنهان و روابط قدرت، رویکرد جنسیتی در هم تنیدگی را ترویج می‌کند. این رویکردی است که در آن جنسیت، قومیت، طبقه، جنسیت و سایر تفاوت‌های اجتماعی به طور همزمان تحلیل می‌شوند. او با رویکرد در هم تنیدگی خود نشان می‌دهد که راه‌های ایجاد تفاوت در جامعه به یکدیگر مرتبط است. «اصول مقرراتی مانند جنسیت و قومیت ارتباط نزدیکی با هم دارند. اصولی که عادت داریم به طور جداگانه به آنها فکر کنیم، باید با هم فکر کنیم. گروه‌های هدف سیاست اغلب «زنان و مهاجران» هستند، اما در نتیجه زنان مهاجر فراموش می‌شوند. به طور ضمنی این یک رویکرد «یا/یا» است: یا شما یک زن هستید یا یک مهاجر. به عبارت دیگر، زنان سفید پوست هستند و مهاجران مردان. اما واقعیت «یا/یا» نیست. جنسیت و قومیت به شیوه‌ای مرتبط ساخته می‌شوند. مردانگی و زنانگی بدون جنبه قومی وجود ندارد و قومیت همیشه جنبه جنسیتی دارد».

برنامه‌های بودجه، مانند همه جنبه‌های دیگر سیاست گذاری، باید به تنوع در روابط جنسیتی توجه داشته باشد. آنها همچنین باید آگاه باشند که در دام تصمیم‌گیری در مورد هنجاری که همه هویت‌های دیگر از آن نشات می‌گیرند، نیفتند. به مثال حیاط مدرسه برگردیم: اگر مدیر مدرسه برای چیدمان حیاط مدرسه فقط دانش‌آموزان فاقد معلولیت را به‌عنوان هنجار در نظر می‌گرفت، احتمالاً به یاد نمی‌آورد که برآمدگی‌های بین مناطق مختلف زمین بازی را بردارد. با اندیشیدن به حیاط مدرسه از دیدگاه پسران و دختران دارای معلولیت، حیاط مدرسه به مکانی امن برای همه دانش‌آموزان، چه

دارای معلولیت و چه بدون معلولیت تبدیل شده است. بنابراین آنچه برای دانش‌آموزان روی ویلچر خوب است برای سایر کودکان نیز مفید است، زیرا هنگام دویدن در اطراف زمین بازی، احتمال آسیب دیدن بر اثر وجود سطوح ناهموار کمتر می‌شود.

به همین ترتیب، سیاست‌گذاران اغلب در هنگام برنامه‌ریزی، نوع خاصی از «شهروند» را در ذهن دارند، مانند «نان‌آور مرد سفیدپوست طبقه متوسط با دو فرزند و یک زن خانه‌دار در خانه». اگر آنها یک «مادر مجرد سیاه‌پوست طبقه کارگر با یک فرزند معلول» را در ذهن داشتند، احتمالاً سیاست‌های کاملاً متفاوتی را طراحی می‌کردند، که همچنین ممکن است در واقع به نفع نان‌آوران مرد سفیدپوست طبقه متوسط نیز باشد.

۳.۳ جریان اصلی جنسیت؟

جریان اصلی (Mainstreaming) راهی برای نفوذ در سیاست‌ها با دیدگاه‌های جدید است. به معنی تحول سیاست‌ها می‌باشد. همیشه در تاریخ مواقعی وجود دارد که ایده‌ها و دیدگاه‌های جدیدی وارد جریان اصلی سیاست‌ها می‌شود. پس از جنگ جهانی دوم، دیدگاه‌های جدیدی در مورد چگونگی جلوگیری از بحران و فقر در سیاست در اروپای غربی نفوذ کرد و به توسعه دولت رفاه کمک کرد. با گذشت زمان به نظر می‌رسد که دولت رفاه محدودیت‌های خود را نشان داد و دیدگاه‌های دیگری مانند نئولیبرالیسم وارد جریان اصلی شده است. چشم اندازی که می‌خواهد جهان را به یک بازار بزرگ تبدیل کند.

جریان اصلی جنسیت به معنای نفوذ در سیاست‌ها با دیدگاه‌های جدید برای ترویج برابری جنسیتی است. هدف، تغییر سیاست‌ها و ایجاد روابط برابر بین زن و مرد در جامعه است. جریان اصلی جنسیت به معنای افزودن یک «مولفه زنانه» یا حتی یک «مولفه برابری جنسیتی» به یک سیاست یا برنامه موجود نیست و فراتر از افزایش مشارکت زنان است. این به معنای آوردن تجربه، دانش، و علایق زنان و مردان در کل طیف سنت و عملکرد سیاسی است. ممکن است مستلزم شناسایی نیاز به تغییرات در دستور کار سیاسی باشد. ممکن است نیاز به تغییراتی در اهداف، استراتژی‌ها و اقدامات داشته باشد تا هم زن و هم مرد، فارغ از سن، طبقه، مذهب، قومیت، معلولیت، رنگ یا گرایش جنسی، بتوانند به طور یکسان بر فرآیندهای توسعه تأثیر گذاشته ، در آن شرکت کرده و از آن بهره ببرند. بنابراین، هدف جریان اصلی‌سازی برابری جنسیتی، تبدیل ساختارها و سازوکارهای اجتماعی و نهادی نابرابر به ساختارها و مکانیسم‌هایی است که عدالت و برابری بین زنان و مردان را افزایش می‌دهد.

از زمان چهارمین کنفرانس جهانی زنان سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۹۵ در پکن چین برگزار شد، جریان سازی جنسیتی در دستور کار سیاسی بین المللی قرار گرفت. در برنامه اقدام که در این کنفرانس تصویب شد، مفهوم آوردن مسائل جنسیتی به درون جریان اصلی جامعه به وضوح به عنوان یک استراتژی جهانی برای ترویج برابری جنسیتی تثبیت شد. این سند بر ضرورت اطمینان از اینکه برابری جنسیتی یک هدف اولیه در همه زمینه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی است، تأکید می‌کند.

از سال ۱۹۹۵، اتحادیه اروپا نیز خود را متعهد به جریان سازی جنسیتی کرده است تا مشکل نابرابری جنسیتی را به صورت یکپارچه حل کند. این تعهد

در برنامه اقدام چهارم در زمینه فرصت‌های برابر برای زنان و مردان (۱۹۹۶-۲۰۰۰) مقرر شده است. این موضوع در برنامه مربوط به استراتژی چارچوب جامعه در مورد برابری جنسیتی (۲۰۰۱-۲۰۰۵) با وضوح بیشتر بیان شد. هدف این برنامه ترویج برابری جنسیتی، به ویژه از طریق ارائه کمک و حمایت از استراتژی چارچوب جامعه است. برای اجرای این برنامه مبلغ ۵۰ میلیون یورو برای دوره ۲۰۰۱-۲۰۰۵ در نظر گرفته شد. با این بودجه، تمام ابتکارات مرتبط با جنسیت جامعه به صراحت با حوزه‌های زندگی اقتصادی، مشارکت و نمایندگی برابر، حقوق اجتماعی، حقوق مدنی، نقش‌های جنسیتی و کلیشه‌ها مرتبط خواهند شد.

چگونه جینا به افتادن دوزاری همکارانش کمک کرد

زمانی که جینا به عنوان افسر پروژه در میز آفریقایی وزارت همکاری‌های توسعه کار می‌کرد، همیشه مشتاق بود که زنان به عنوان گروه هدف در پروژه‌های توسعه در نظر گرفته شوند. خواه این پروژه‌ها برای بهبود شرایط بهداشتی، دسترسی خانواده‌های فقیر به آموزش و یا افزایش تولیدات کشاورزی باشد، او همیشه آگاه بود که توجه ویژه به زنان در هر پروژه به منظور ارتقای دسترسی برابر زنان و مردان به مزایای همکاری‌های توسعه مورد نیاز است.

پس از چند سال، او سیاستگذار شد و به بخش «زنان در توسعه» (WID) وزارت منتقل شد، جایی که او مسئول تدوین دستورالعمل‌های سیاستگذاری برای جریان‌سازی جنسیتی در همکاری‌های توسعه بود. زمانی که همکاران مرد سابقش از میز آفریقا با طرح‌های

پیشنهادی که در آن زنان به‌عنوان یک گروه هدف مشخص ذکر شده بود، پشت سر او راه می‌رفتند و از او می‌خواستند که این پروژه‌ها را از بودجه «زنان در توسعه» تأمین مالی کند، بسیار شگفت‌زده شد. جینا چندین بار با حوصله به آنها توضیح داد که بخش «زنان در توسعه» در مقایسه با بودجه عظیم میز آفریقا بودجه بسیار کمی دارد و بودجه برای ترویج جریان سازی جنسیتی در همه پروژه‌ها است و نه برای تأمین مالی پروژه‌های خاص. با این حال، همکاران سابق او پروژه‌هایی که در آن زنان به‌عنوان گروه هدف احتمالی بودند، برای دریافت کمک‌های مالی همیشه روی میز او قرار می‌دادند.

بالاخره صبرش را از دست داد و گفت: «در میز آفریقا چه خبر است؟! آیا می‌خواهید فقط پروژه‌هایی را برای مردان تأمین مالی کنید؟»
دوزاری آنها افتاد. آنها پیام را دریافت کردند و آنها از خودشان تعجب کردند و متوجه شدند که در ارزیابی پروژه‌های پیشنهادی در واقع فقط گروه‌های هدف مرد را در نظر داشتند.

۳.۴ اصول اولیه جریان سازی جنسیتی

جریان اصلی یک استراتژی در کل سیستم است. بنابراین مسئولیت اجرای استراتژی جریان اصلی باید بر عهده بالاترین سطوح تصمیم‌گیری باشد. در یک شرکت، این سطح مدیر و هیئت مدیره شرکت است. در سطح دولت محلی، این سطح شهردار و شورای محلی است. در سطح ملی، این سطح رئیس دولت و پارلمان است.

فرآیند موفقیت آمیز جریان سازی جنسیتی تنها زمانی امکان پذیر است که برخی از شرایط اساسی برآورده شوند. این شرایط را ذکر و با نمونه‌ای از توسعه مسکن جدید توضیح می‌دهیم.

شورای محلی تصمیم گرفته است که تمام برنامه‌های بودجه باید دارای دیدگاه جنسیتی باشد. شهردار یک شهر یک برنامه بودجه برای توسعه مسکن جدید ارائه می‌دهد. در اعلام برنامه‌ها به شورا، هیچ اشاره‌ای به برابری و یا قصدی برای در نظر گرفتن نیازهای مختلف زنان و مردان نشده است. بیایید ببینیم چگونه می‌توانیم اصول جریان‌سازی جنسیتی را در این مثال اعمال کنیم:

اصول جریان اصلی جنسیت

۱. مفروضاتی مبنی بر خنثی بودن مسائل یا مشکلات از منظر برابری جنسیتی هرگز نباید مطرح شود.

نمونه طرح توسعه مسکن جدید

شهردار آگاهانه یا ناآگاهانه، این فرض را مطرح کرده است که توسعه مسکن از نظر جنسیتی بی طرف است.

با این حال، یک محیط فیزیکی خوب شرایط خوبی را برای زندگی روزمره ایجاد می‌کند. یکی از جنبه های مهم این است که برنامه ریزی کارکردی و اجتماعی با هم مرتبط هستند. اما چگونه محیط فیزیکی شیوه های زندگی، علایق و نیازهای زنان و مردان را برآورده می‌کند؟ به عنوان مثال، می‌دانیم که زنان بیشتر از مردان از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند و احتمال بیشتری دارد که بار بزرگ خرید و مراقبت از کودکان را به دوش بکشند. بنابراین برای زنان مهم است که خط اتوبوس از مهدکودک، مرکز خرید و محل کار بگذرد.

جنبه دیگر برنامه ریزی امنیت است. زنان اغلب در فضاهای عمومی شهرها احساس ترس را تجربه می‌کنند و بنابراین از حضور در مکان های خاص پس از تاریک شدن هوا اجتناب می‌کنند. آگاهی از ترس زنان در برنامه ریزی شهری برای کاهش این احساس ناامنی ضروری است. وقتی زنان

۲. جریان سازی جنسیتی مستلزم آن است که تلاش هایی برای گسترش مشارکت عادلانه زنان در تمام سطوح تصمیم‌گیری صورت گیرد.

در تصمیم‌گیری دخالتی ندارند، چگونه باید مسائل مربوط به زنان به اندازه کافی مورد توجه قرار گیرد؟ برنامه‌ریزان شهری دانش فنی لازم برای در نظر گرفتن تمام عناصر فیزیکی توسعه مسکن را دارند، اما اگر همه آنها مرد باشند احتمالاً تأثیر متفاوت این عناصر بر زنان و مردان را در نظر نخواهند گرفت. مشورت با جامعه اکنون بخش مهمی از این نوع برنامه‌ریزی توسعه است، اما همیشه تلاش نمی‌شود تا اطمینان حاصل شود که مشاوره‌ها جامعه را نمایندگی کنند. هنگامی که زنان در نهادهای تصمیم‌گیر کمتر حضور دارند، باید اقدامات ویژه‌ای برای جمع‌آوری دیدگاه‌های زنان از قبیل نظرسنجی‌ها، نظرسنجی‌های خاص جنسیتی، جلسات مشاوره یا مطالعات ارزیابی جنسیت اتخاذ شود.

۳. شناسایی اولیه مسائل و مشکلات در تمام حوزه‌های فعالیت باید به گونه‌ای باشد که بتوان تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسیتی را تشخیص داد.

شناسایی پیامدهای جنسیتی باید از ابتدای برنامه‌ریزی شروع شود. ایجاد سناریوهایی که در آن استفاده زنان و مردان از فضاها و امکانات مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، راه مهمی برای انجام این کار است. هنگام برنامه‌ریزی برای پارک خودرو در نانا، سوئد، مقامات دولتی محلی و سیاستمداران گشتی در یک پارکینگ انجام دادند و نقش‌های متفاوتی را بر عهده گرفتند. یکی نقش یک مادر و دو فرزند با یک کیسه پر از مواد غذایی در هر دستش بود را بر عهده گرفت. یک نفر دیگر نقش فردی که با پدر پیرش که به کمک واکر راه می‌رفت عهده‌دار شد و سومی زن جوان بیست ساله بود. به این ترتیب، می‌توان مشکلات بالقوه زندگی واقعی را شناسایی کرد و برنامه‌ها را بر اساس آن تنظیم کرد.

اهداف سیاست‌های برابری جنسیتی در سطح محلی اغلب مبتنی بر اهداف ملی است که زنان و مردان باید از حقوق، فرصت‌ها و وظایف یکسان در همه زمینه‌های زندگی برخوردار باشند. این به معنای صرفاً افزودن کمی بیشتر به بودجه برای بهتر کردن آن برای زنان نیست، بلکه به معنای اعمال اصول برابری جنسیتی در برنامه‌ریزی زندگی واقعی است. جریان اصلی جنسیتی مستلزم تعهد به تخصیص مجدد در همه فعالیت‌ها برای دستیابی به اهداف برابری خاص است.

۴. اراده سیاسی روشن و تخصیص منابع کافی برای جریان سازی، از جمله منابع مالی و انسانی اضافی در صورت لزوم، برای اجرا و عملیاتی کردن این مفهوم اهمیت دارد.

۵. جریان اصلی جایگزین نیاز به سیاست‌ها و برنامه‌های هدفمند و ویژه زنان و قوانین مثبت نمی‌شود.

در تلاش برای برنامه‌ریزی یکسان برای زنان و مردان، هنوز هم ارایه برنامه‌های هدفمند برای زنان مهم است. به عنوان مثال، تجزیه و تحلیل توجه به حمل و نقل برای توسعه مسکن جدید نشان می‌دهد که گروه خاصی از زنان - مادران مجرد - وجود دارند که به طور نامتناسبی تحت تاثیر نبود امکانات حمل و نقل قرار دارند. آنها به دلیل درآمد کم ماشین ندارند و به دلیل اتصالات بد حمل و نقل عمومی زمان زیادی را بین محل کار و خانه در رفت و آمد می‌گذرانند. سیاست خاصی برای بهبود وضعیت این گروه از زنان مورد نیاز است که ممکن است بهبود حمل و نقل عمومی، مهد کودک و یا ایجاد اشتغال در نزدیکی خانه و در زمان مدرسه فرزندانشان باشد. قوانین مثبت، مانند کمک هزینه‌های مالی برای والدین مجرد (عمدتاً زنان) که شغل را با مسئولیت‌های خانوادگی ترکیب می‌کنند نیز وضعیت درآمدی این گروه را بهبود می‌بخشد.

۶. جریان اصلی، نیاز به دفاتر امور جنسیتی را جبران نمی‌کند.

جریان اصلی جنسیتی را نمی‌توان با حکم به دست آورد. کارمندان دولتی که وظیفه تهیه سیاست‌ها را بر عهده دارند نمی‌توانند یک شبه جنسیت آگاه شوند. جریان اصلی جنسیت فرآیندی است که باید به طور مداوم تقویت شود. بنابراین دفتر امور زنان که مسئول نظارت بر ابعاد جنسیتی سیاست‌ها است، مفید خواهد بود تا نسبت به آثار سیاست‌ها هشیار باشد. چنین واحدهایی همچنین می‌توانند تخصص و راهنمایی برای سیاست‌گذاران فراهم کنند. در مورد نمونه طرح توسعه مسکن، اگر یک کارشناس جنسیتی در دفتر شهردار وجود داشت، قبل از تقدیم آن طرح به شورای محلی، طرح را اصلاح می‌کرد و از ابتدای کار طرح با ملاحظات جنسیتی آماده می‌شد.

۷. مکانیسم‌های پاسخگویی کافی برای نظارت بر پیشرفت باید ایجاد شود.

برنامه ای که شامل نیازهای متفاوت مردان، زنان، دختران و پسران باشد، کافی نیست. این طرح همچنین باید شامل اهداف کمی خاص باشد تا بتواند نتایج را کنترل کند. در مورد توسعه مسکن پس از شناسایی و اولویت‌بندی همه نیازها، باید اهدافی را تعیین کرد که قابل نظارت باشد. رویه‌ها باید مشخص کنند که چه کسی مسئول نظارت و تعدیل نهایی مورد نیاز در طول فرایند اجرای طرح است. کسانی که مسئولیت اجرا را بر عهده دارند در قبال دستیابی به هدف و اهداف کمی پاسخگو هستند.

تا قبل از معرفی جریان اصلی جنسیت، فرض سیاست‌گذاران و سازمان‌های سیاست‌گذار این بود که کار آنها از نظر جنسیت بی طرفانه است زیرا آنها مسئول تدوین سیاست‌ها برای مردم بودند و حساسیت جنسیتی فقط در شرایط بسیار محدودی ضروری بود، یا اینکه ملاحظات جنسیتی به معنای مراقبت از زنان است و این توسط برنامه‌هایی که به طور خاص زنان را هدف قرار می‌دادند انجام می‌شد. کسانی که از تغییر حمایت می‌کردند، استدلال می‌کردند که رویه‌ها و روال‌های سیاست و همچنین خود سیاست‌ها ذاتاً جنسیتی کور یا سوگیری جنسیتی دارند.

جریان‌سازی جنسیتی مستلزم مشارکت زنان در تصمیم‌گیری است. صدای زنان در اصلاحات روستایی

در چارچوب پروژه «فرصت‌های برابر برای زنان در مناطق روستایی» سازمان اتحاد زنان در هلند، یک مطالعه تطبیقی در مورد فرآیند تصمیم‌گیری بازسازی مناطق روستایی در استان‌های گلدرلند و اوریسل هلند انجام داد. (Bock, Dercksen, Joosse: ۲۰۰۴). نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از پول برای بازسازی مناطق روستایی در هلند به ردیف‌های بودجه‌ای مانند موارد زیر می‌رود:

- خرید از دامدارانی که به دلایل زیست محیطی مجبور به جایگزینی یا توقف پرورش گاو هستند:
- . واگذاری مجدد زمین‌های زراعی
- . جلوگیری از آلودگی
- . بهبود سیستم‌های آب طبیعی.

اگرچه این ردیف‌های بودجه به دلایل زیست محیطی و تولیدی مهم هستند، اما از بعد اجتماعی غفلت می‌کنند. دلیل اصلی این امر حضور کم‌رنگ زنان در فرآیند تصمیم‌گیری است. این مطالعه نشان می‌دهد که اگر زنان از ابتدا در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند - حتی تعداد کمی از زنان - نسبت به جنبه‌هایی که به بافت اجتماعی در مناطق روستایی کمک می‌کنند، مانند مراقبت‌های بهداشتی، مدارس، امکانات مهدکودک، فرصت‌های شغلی جدید، فرهنگ‌خانه‌ها، تبدیل مزارع به مراکز مراقبت و گردشگری زیست محیطی شناخت و آگاهی بیشتری وجود خواهد داشت. بعد اجتماعی روند بازسازی در این دو ولایت بخش بسیار اندکی از بودجه را دریافت می‌کرد، اما بدون مشارکت زنان حتی کمتر می‌شد.

متأسفانه نقش زنان به عنوان عوامل تغییر اجتماعی با استعداد و خلاقیت برای نوآوری‌های پایدار و زنده کردن مناطق روستایی هنوز دست کم گرفته می‌شود.

فصل ۴

ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور

مقدمه

البته دیدن دو کلمه جنسیت و بودجه با هم و در کنار هم غیرمعمول است. این مفهوم می‌تواند بسیار گیج کننده باشد. ما جنسیت را مرتبط با برابری جنسیتی می‌دانیم، که برابری جنسیتی با برابری برای زنان مرتبط است. برابری زنان موضوعی حاشیه‌ای است که دولت‌ها عموماً به آن توجه چندانی نمی‌کنند. در حالیکه، بودجه‌ریزی یکی از وظایف سطح بالای دولت است و روز بودجه یکی از مهمترین روزها در تقویم کاری دولت است. ما انتظار نداریم در روز بودجه در مورد برابری زنان بشنویم!

درست است که بودجه‌ریزی جنسیتی یک مفهوم رادیکال است. اما این یک مفهوم بسیار منطقی و خردمندانه است. بودجه‌ریزی جنسیتی به معنای بودجه ویژه برای زنان نیست، بلکه به معنای بودجه‌ریزی برای مردم است. این به معنای برنامه‌ریزی بودجه با در نظر گرفتن نیازهای زنان و مردان با توجه به نقش‌های متفاوتی که در خانه، محل کار و جامعه دارند، می‌باشد.

در طی یک کنفرانس سطح بالا در مورد بودجه‌ریزی جنسیتی در بروکسل در سال ۲۰۰۱، نولین هیسر، مدیر اجرایی صندوق توسعه ملی متحد برای زنان، (UNIFEM)، تأکید کرد: «بودجه‌ریزی پاسخگو به جنسیت صرفاً به تحلیل هزینه‌ها و درآمدهای دولت در مورد زنان و دختران در مقایسه با مردان و پسران اشاره دارد. از آنجایی که مردان و زنان معمولاً موقعیت‌های اجتماعی و

اقتصادی متفاوتی را اشغال می‌کنند، بودجه‌ها معمولاً بر آن‌ها تأثیر متفاوتی می‌گذارد. نادیده گرفتن تأثیر جنسیتی بودجه بی طرفی نیست بلکه غفلت و کوری است؛ و این کوری هزینه انسانی و اقتصادی بالایی از جمله بهره‌وری کمتر، پرورش کمتر ظرفیت افراد و سطح پایین‌تر رفاه دارد. تحلیل بودجه‌ریزی جنسیت محور به دولت‌ها کمک می‌کند تصمیم بگیرند که چگونه سیاست‌ها باید برای دستیابی به حداکثر کارآمدی خود تنظیم شوند و منابع برای دستیابی به توسعه انسانی و برابری جنسیتی در کجا نیاز به تخصیص مجدد دارند» (Noeleen Heyzer: ۲۰۰۱).

بسیاری از دولت‌ها بودجه‌های مشخصی برای ترویج آزادی زنان دارند. در مقایسه با بودجه کلی اکثر دولت‌ها، این بودجه بسیار ناچیز است و اغلب کمتر از ۵ درصد از کل هزینه‌های عمومی است. با این وجود، آنها می‌توانند سهم قابل توجهی در توانمندسازی زنان و بهبود موقعیت آنها داشته باشند. با این حال، این بودجه‌های جداگانه برای توانمندسازی گروه‌های خاصی از زنان در شرایط آسیب‌پذیر اجتماعی، جایگزینی برای اتخاذ رویکردی حساس به جنسیت در بودجه کلی نیست. ۹۹.۵ درصد باقی مانده از بودجه و مخارج عمومی بسیار جالب تر است، زیرا تخصیص بودجه از طریق این بودجه‌ها و هزینه‌ها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی زنان به دلیل جمعیت بزرگ زنان آثار جدی دارد (Sharp and Broomhill, ۲۰۰۲, p.۳۳).

همچنین علاوه بر بررسی بودجه کلی، بودجه‌ریزی جنسیتی شامل تعقیب پول برای کسانی است که از این هزینه‌ها سود می‌برند. بنابراین، به معنای نگاه کردن به هزینه‌ها، فعالیت‌ها، نتایج و اثرات سیاست گذاری است (Diana Elson: ۲۰۰۰):

هزینه‌ها	مبالغ کنار گذاشته شده یا هزینه شده: آیا هزینه‌ها به طور متناسب و کافی توزیع می‌شود تا بتوان به اهداف هم برای زنان و هم برای مردان دست یافت؟
فعالیت‌ها	خدمات برنامه‌ریزی شده یا ارائه شده (مانند پرداخت های بهداشت عمومی یا مزایا): آیا فعالیت‌ها برای زنان و مردان متناسب و کافی هستند؟
نتایج	نتایج برنامه‌ریزی شده یا به دست آمده از خدمات (مانند تعداد افرادی که از خدمات بهداشتی استفاده می‌کنند یا تعداد افرادی که مزایا دریافت می‌کنند): آیا نتایج برای مردان و زنان حاصل شده است؟
آثار	نتایج برنامه‌ریزی شده یا به دست آمده در یک چشم‌انداز وسیع‌تر (مانند تأثیر سیاست‌گذاری بر شرایط سلامت و توزیع درآمد): آیا این برای زنان و مردان موثر است؟

میزان تعهد یک دولت به سیاست‌گذاری‌ها را از طریق پیوند آن سیاست‌ها با هزینه‌های عمومی می‌توان اندازه‌گیری کرد. پیوند هزینه کرد های دولت به آثار آن هزینه کردها بر زندگی مردم به معنای واقعی کردن بودجه است و این در قلب بودجه‌ریزی جنسیت محور قرار دارد.

۴.۱ بودجه‌ریزی جنسیتی در سرتاسر جهان

بودجه بندی جنسیتی یک روش کاملاً جدید نیست. ابتکاراتی در زمینه بودجه‌ریزی جنسیتی در بیش از ۱۰۰ کشور انجام شده است. تا به امروز، بیشتر طرح‌های بودجه‌ریزی جنسیت محور عمدتاً نظارت و ممیزی بوده است، به این معنی که بودجه‌ها برای دریافت تصویری از پیامدهای آن بر زنان و

مردان بررسی شده‌اند. همچنین بیشتر تحلیل‌ها بر روی بخش‌ها یا ادارات دولتی منتخب انجام شده است و این موارد به بهداشت، آموزش، خدمات اجتماعی، مزایای رفاهی و غیره محدود شده است.

اولین تجربیات مربوط به بودجه‌های جنسیتی مخارج عمومی به اواسط دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد. از آن زمان، این رویه بیشتر در کشورهای در حال توسعه و دموکراسی‌های نوظهور و در کشورهایی که ساختارهای سیاسی جدیدی در آنها ایجاد شده است، انجام شده است. ذکر همه طرح‌های بودجه‌ریزی جنسیتی امکان‌پذیر نیست، اما در زیر چند نمونه آورده شده است.

استرالیا

در استرالیا در سال ۱۹۸۴، نخست وزیر وقت، باب هاوک، ابتکاری را برای تحلیل تأثیر بودجه‌های عمومی بر شرایط و سهم اقتصادی زنان آغاز کرد. در طول دهه‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۰ دولت فدرال استرالیا و همچنین دولت‌ها و مناطق مختلف ایالتی، تحلیل‌های بودجه‌ریزی جنسیت محور را انجام دادند. در ابتدای امر، این کار «بودجه‌ریزی زنان» نامیده می‌شد، زیرا یکی از اهداف این بود که نشان دهد بودجه می‌تواند تأثیر متفاوتی بر موقعیت زنان و مردان داشته باشد (Budlender & Sharp: ۱۹۹۸؛ Hewitt, Guy: ۲۰۰۱).

آفریقای جنوبی

در آفریقای جنوبی، گروهی از محققان از دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیردولتی با حمایت کمیته مشترک دائمی امور مالی، اولین بودجه زنان آفریقای جنوبی

را در مارس ۱۹۹۶ راه اندازی کردند. این بودجه جداگانه برای زنان نبود. این بررسی بودجه‌های ملی و استانی بود تا دریابند هر یک از هزینه‌ها چگونه بر زندگی زنان و مردان و روابط بین آنها تاثیر می‌گذارد. اولین نمونه بودجه‌ریزی جنسیتی در آفریقای جنوبی چهار بخش مسکن، آموزش، رفاه و کار را پوشش داد. این ابتکار بلافاصله با موفقیت روبرو شد زیرا سه روز بعد وزیر دارایی وقت، اداره خود را به رعایت موارد زیر متعهد کرد:

الف) ایجاد یک پایگاه داده آماری ویژه جنسیت برای ارزیابی تأثیر مخارج دولتی بر مردان و زنان

ب) اجرای اهداف و شاخص‌های برابری جنسیتی در هزینه‌ها

ج) ایجاد مکانیزم بررسی عملکرد در مورد جنسیت (Budlender, Debbie: ۱۹۹۶).

تانزانیا

در تانزانیا یک طرح موفق بودجه‌ریزی جنسیت محور توسط برنامه شبکه‌سازی جنسیتی تانزانیا (TGNP)، یک سازمان غیردولتی که با همکاری نزدیک با ائتلاف FemAct (فعالیت فمینیستی) کار می‌کرد، تحقق یافت. این ابتکار پاسخی بود از سوی جامعه مدنی به برنامه‌های تعدیل ساختاری در دهه ۱۹۸۰، که باعث کاهش چشمگیر خدمات اجتماعی، به ویژه بهداشت و آموزش و اخراج گسترده کارکنان دولت به دلیل خصوصی سازی و آزادسازی شده بود. نتیجه این سیاست کلان اقتصادی، وخامت چشمگیر سطح زندگی زنان و خانواده هایشان بود.

ابتکار بودجه‌ریزی جنسیت محور از استراتژی توسعه مردم محور تر و تخصیص عادلانه منابع حمایت کرد. استراتژی آنها بر تأثیرگذاری و تغییر در تمام مراحل برنامه‌ریزی و فرآیندهای بودجه متمرکز بود. آنها به افزایش آگاهی میان گروه‌های جامعه مدنی در مورد پیوند بین جنسیت و اقتصاد پرداختند و مشارکت جامعه مدنی را با موفقیت در فرآیندهای برنامه‌ریزی و بودجه ترویج کردند. یکی از نتایج مرحله اول (۱۹۹۷-۲۰۰۰) این ابتکار این بود که در سال ۲۰۰۱ وزارت برنامه‌ریزی موظف شد در بودجه شش بخش بهداشت، آموزش، کشاورزی، آب، توسعه جامعه، امور زنان و کودکان، جنسیت را در نظر بگیرد. این وزارتخانه دستورالعمل‌ها و چک لیستی برای بودجه‌ریزی جنسیتی تهیه کرد و کارشناسان بودجه تحت آموزش و مربیگری قرار گرفتند (Mary: ۲۰۰۱).

آمریکای مرکزی

در سال ۱۹۹۶، دفتر منطقه‌ای IUCN (اتحادیه جهانی حفاظت از محیط زیست) برای آمریکای مرکزی، ارزیابی جنسیتی از ۶۰ پروژه و برنامه توسعه روستایی و محیطی را در پنج کشور: کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوئه اجرا کرد. اگرچه تمام این پروژه‌ها دارای رویکرد برابری بودند، ارزیابی نشان داد که این به اندازه کافی اجرا نشده است. جنسیت عمدتاً به عنوان یک مولفه مجزا با بودجه جداگانه تلقی می‌شد و هیچ روش عملی برای جریان سازی جنسیتی در اکثر پروژه‌ها و برنامه‌ها وجود نداشت. همچنین فقدان آگاهی جنسیتی بین مدیران پروژه‌ها به ویژه کارشناسان فنی خارجی وجود داشت و ۵۹ از ۶۰ نفر مرد بود.

با این حال، این مطالعه همچنین نشان داد که در جاهایی که مدیران پروژه‌ها تعهد جنسیت محور داشتند و مشارکت واقعی مردان و زنان از پایین به بالا وجود داشت، دسترسی، استفاده و کنترل بر منابع طبیعی ترویج شد. این به توزیع عادلانه بودجه و موفقیت پروژه‌ها و برنامه‌ها کمک کرد. پروژه‌های موفق امتیاز بالاتری از توسعه پایدار در ترکیب با بهبود کیفیت زندگی مردان و زنان داشتند. بر اساس این تجربه، IUCN یک بیانیه سیاست جنسیتی را تصویب کرد که نشان داد جنسیت و برابری عوامل حیاتی برای پایداری محیط زیست هستند و بخشی جدا ناپذیر از هرگونه تلاش حفاظتی هستند. همچنین یک برنامه اقدام برای جریان‌سازی جنسیت در سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های IUCN توسط شورای IUCN در چهل و هشتمین جلسه آن در آوریل ۱۹۹۸ به تصویب رسید (Aguilar, Lorena e.o: ۱۹۹۷ و Aguilar, Lorena (هماهنگ کننده): ۱۹۹۹).

۴.۲ اهداف بودجه‌ریزی جنسیتی

هدف نهایی بودجه‌ریزی جنسیت محور، تولید بودجه‌ای است که بر اساس جریان اصلی جنسیت باشد، یعنی برنامه‌های افزایش درآمد و هزینه، منعکس کننده توزیع عادلانه منابع برای تامین نیازهای همه مردم (زنان و مردان) باشد. با این حال، در عمل بودجه‌ریزی جنسیت محور، با ایده آل فاصله دارد. دست اندرکاران بودجه‌ریزی جنسیت محور و کسانی که از این عمل حمایت می‌کنند اهداف کوتاه مدت دیگری را شناسایی کرده اند (نگاه کنید به: Sharp & Broomhill, ۲۰۰۲, p.۳۲) این موارد عبارتند از:

- افزایش آگاهی از تاثیرات جنسیتی سیاست‌ها و تخصیص بودجه مربوطه؛
- برجسته کردن شکاف بین سیاست و تخصیص بودجه .
- پاسخگو کردن دولت‌ها، جوامع یا سازمان‌ها در قبال تعهدات خود نسبت به برابری جنسیتی ؛
- ایجاد تغییراتی در سیاست‌ها و بودجه‌ها که باعث ارتقای سطح اجتماعی و اقتصادی زنان و برابری جنسیتی بیشتر شود.

۴.۳ منطق بودجه‌ریزی جنسیتی

موقعیت‌ها و زمینه‌های متنوعی وجود دارد که در آن بودجه‌ریزی جنسیت محور ترویج می‌شود. منطق ارائه شده توسط کسانی که از این عمل دفاع می‌کنند شامل یک یا چند مورد از موارد زیر است:

۱. به عنوان وسیله‌ای برای تسریع استراتژی جریان سازی جنسیتی

جریان اصلی جنسیتی تقریباً در سطح جهانی به عنوان یک استراتژی برای دستیابی به برابری جنسیتی (پس از چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن در سال ۱۹۹۵) به تصویب رسید. گرچه هدف اینست که در هر جنبه از سیاست گذاری در هر بخش دولتی اعمال شود، در بسیاری از موارد جریان سازی جنسیتی به یک اقدام موردی گذار، شتاب زده و سطحی محدود می‌شود.

همه بخش‌های دولتی کار خود را مرتبط با تحلیل جنسیت محور نمی‌دانند، به طوری که بخش‌های آموزش، امور اجتماعی، بهداشت و سایر حوزه‌های به اصطلاح «نرم» دولتی با سطحی از تحلیل جنسیتی درگیر خواهند شد، در حالی که صنعت، تجارت، حمل‌ونقل و غیره، چنین نخواهند کرد. شاید بخش‌های مالی بیشترین مقاومت را در برابر تحلیل جنسیت محور داشته باشند. با این حال، این کافی نیست که بگوییم برابری جنسیتی را می‌توان از طریق بخش‌های دیگری که به نظر می‌رسد سیاست‌ها و برنامه‌ها مربوط به زنان است، ترویج کرد. اگر قرار است پتانسیل تحول آفرین کامل جریان سازی جنسیت محور محقق شود، باید به طور مساوی در بخش مالی همچون بخش امور اجتماعی اعمال شود.

۲. تشویق و افزایش مشارکت جامعه مدنی در اجرای بودجه‌ریزی جنسیت محور اغلب با یک عمل گسترده‌تر به نام «بودجه‌ریزی مشارکتی» مرتبط است.

برزیل در بودجه‌ریزی مشارکتی پیشگام بود. امکان مشارکت بیشتر جامعه مدنی را فراهم می‌آورد، جایی که قبلاً چنین مشارکتی وجود نداشت یا بسیار محدود بود. بودجه‌ریزی مشارکتی شامل فرآیندی از گفتگو و مذاکره است، به ویژه با فقرا، زنان و سایر گروه‌های اجتماعی که ممکن است در رویکردهای سنتی برای توسعه سیاست‌های اقتصاد کلان، منافع آنها نادیده گرفته شود. این جنبه صدا دادن به شهروندان بخشی از پروژه گسترده‌تر مشارکت مدنی در کشورهایی است که دموکراسی در حال ظهور یا تعمیق است. در جهان غرب، بودجه‌ریزی جنسیت محور با تعهد ضمنی آن به مشارکت زنان، راهی برای افزایش نقش زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری و ایجاد ظرفیت زنان برای تعامل با دولت در این سطح تلقی می‌شود.

۳. به عنوان راهی در تسهیل اجرای دستور کار حقوق بشر

در بخشی از بیانیه کنفرانس عالی سال ۲۰۰۱ که توسط دولت بلژیک برگزار شد، آمده است:

«ابتکار های بودجه‌ریزی جنسیت محور می تواند به دولت هایی که به کنوانسیون امحای تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) پیوستند، این قابلیت را بدهد تا به تعهدات خود در قالب این کنوانسیون بهتر جامه عمل بپوشانند. این گزینه ای برای کاهش تبعیض علیه زنان در سیاست‌های حاکم بر مالیات و هزینه‌ها می باشد. همچنین ابزاری هست برای اطمینان از اینکه منابع مورد نیاز جهت عملی شدن قوانینی که برابری جنسیتی و تحقق حقوق بشر زنان را ارتقا می بخشد، در دسترس باشد.»

این استدلال شاید در کشورهای رو به توسعه جایی که سیاست‌های مرتبط با تعهدات بین‌المللی حقوق بشر در قیاس با سیاست‌های داخلی مرتبط با برابری جنسیتی احتمالاً بیشتر توسعه یافته است. با این حال، یکی از جالب ترین رویکرد اجرا شده حقوق بشر در شهر سانفرانسیسکو است. این شهر (CEDAW) را در سال ۱۹۹۸ به تصویب رساند و در نتیجه، بودجه دولتی شهر را بر اساس تحلیل جنسیت حساس آغاز نمود.

۴. به عنوان راهی برای تضمین پاسخگویی و شفافیت

تصور می شود که اقتصاد و بودجه سازی در رده بالای سلسله مراتب سیاست‌گذاری قرار دارند و بنابراین خارج از درک شهروندان عادی هستند. در واقع، گزارش شده است که تعداد معدودی از نمایندگان مجلس درکی از

فرایندها داشته و درگیر این حوزه شده اند. چنین سیستم بسته ای شفافیت و پاسخگویی نمی‌آورد. اگر مبنا و ابزاری که تصمیمات توسط آن گرفته می‌شود درک نشوند، بنابراین قابل بررسی نیستند.

بودجه‌ریزی جنسیت محور، به عنوان یک فرآیند مشارکتی و به دلیل لزوم پرداختن به نیازهای جنسیتی آحاد مردم، امکان فرآیندهای شفاف تر و سطح پاسخگویی بالایی را فراهم می‌کند.

۵. بودجه‌ریزی جنسیت محور می‌تواند منجر به سیاست‌های کارآمدتر و بودجه‌های کارآمدتر شود

مبحث کارآمدی بر این فرض استوار است که اگر سیاست‌گذاری مبتنی بر جنسیت باشد، آنگاه سیاست کارآمدتر خواهد بود، به این معنا که به نیازهای جنسیتی مردم پاسخگو خواهد بود. همینطور، بودجه‌هایی که جنسیت افراد را مد نظر می‌گیرند، بودجه‌های کارآمدتر خواهند بود. استفاده از منطق کارایی ممکن است عقب‌نشینی از منطق صریح فمینیستی و تحلیل تأثیر جنسیتی به نظر برسد. با این حال، در عمل، منطق کارایی، رویکرد بنیانی‌تری دارد، زیرا از سیاست‌گذاران می‌خواهند تا مرزهای بین سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی با ردیابی اثرات سیاست‌های اقتصادی خارج از حوزه اقتصادی سنتی را به چالش بکشند.

۴.۴ چه کسی بودجه‌ریزی جنسیت محور را انجام می‌دهد؟

نهایتاً کسانی که مسئول بودجه هستند، بودجه‌ریزی جنسیت محور را انجام می‌دهند. این مسئولان شامل کارمندان دولت، مقامات دولتی، وزرای دولت،

وزیران دارایی، خزانه داران شرکت‌ها، هیئت مدیره و طراحان برنامه می باشند. در سطح دولت، اعم از ملی، منطقه‌ای یا محلی، پیشرفت واقعی در توزیع عادلانه پول‌های عمومی تنها زمانی حاصل خواهد شد که مقامات دولتی تصمیم به اتخاذ رویکردی حساس به جنسیت بگیرند. زمانی که بلژیک رئیس اتحادیه اروپا بود، علاقه فزاینده ای در سال ۲۰۰۱ به بودجه‌ریزی جنسیت محور از سوی دولت‌های ملی در کنفرانسی در سطح بالا ابراز شد.

با این حال، نقش جامعه مدنی حیاتی است. نمونه های مهیجی از سازمان‌های مردمی و گروه‌های غیرانتفاعی وجود دارد که تحقیقات بودجه‌ریزی جنسیت محور را بدون تجربه قبلی در بودجه‌ریزی انجام داده‌اند. در بسیاری از مواقع، محصول تحلیل جنسیتی توسط این گروه‌ها جهت لابی کردن دولت برای تغییر استفاده شده است. یادگیری نحوه عملکرد بودجه و نمایش دادن دانش بودجه به مقامات دولتی، گروه‌های جامعه مدنی را قادر می سازد تا به ساختارهای تصمیم‌گیری دسترسی پیدا کنند. ترویج بودجه‌ریزی جنسیت محور توسط گروه‌های جامعه مدنی، دولت‌ها را متقاعد کرده است که این فرآیند را آزمایش کنند. آموزش و تخصص جنسیتی ارائه شده توسط گروه‌های جامعه مدنی با هدف ظرفیت سازی مقامات دولتی برای انجام تحلیل های حساس به جنسیت بسیار مهم است.

در نهایت، مشارکت جامعه مدنی به عنوان راهی برای پاسخگو نمودن دولت به بخش اعظم جامعه عمل می‌کند. در حالی که هدف این است که دولت‌ها بودجه‌ریزی جنسیت محور را انجام دهند، نقش جامعه مدنی آموزش، متقاعد کردن، ارائه تحلیل و آموزش و پاسخگو کردن و تجهیز دولت‌ها است. هر چه دانش و تجربیات بودجه‌ریزی جنسیت محور به طور گسترده‌تر در اختیار گروه‌های جامعه مدنی قرار گیرد، کمتر در برابر تغییرات سیاسی

در دولت آسیب پذیر خواهند بود. مشارکت جامعه مدنی در کار بودجه‌ریزی جنسیت محور، انتشار موضوعات و استدلال‌ها را تضمین می‌کند، تا روندی دائمی را ارتقا داده و به تاثیرات بلند مدت دست یابد.

۴.۵ نیاز به آمار

آمار درست برای یک طرح بودجه خوب ضروری است. اگرچه آمار بسیار زیادی در دسترس است، اکثر پروژه‌های بودجه‌ریزی جنسیت محور نشان می‌دهند که به دست آوردن داده‌های درست دشوار است، زیرا آمارهای موجود اغلب جنسیت را مد نظر نمی‌گیرند. داده‌های تجربی که از طریق نظرسنجی‌ها یا سرشماری‌ها جمع‌آوری می‌شوند، بدون ذکر تفاوت‌های مشخص بین زنان/ دختران و مردان/پسران آماده می‌شوند. به این ترتیب در گزارش پژوهش‌ها مجموعه همه پاسخ‌ها را بدون اطلاع از تعداد زن/دختر و مرد/پسر می‌یابیم.

در شکل ۱ فصل اول، دیدیم که مدیر مدرسه پاسخ‌های دانش‌آموزان را بدون تمایز بین پسران و دختران جمع‌آوری کرده است. عضو هیئت مدیره برگه‌های بچه‌ها را با نام و آرزوهایشان خواست و پاسخ‌ها را بر اساس جنسیت تفکیک کرد (شکل ۴ را ببینید). ما دیدیم که خواسته‌های دانش‌آموزان بر اساس جنسیت، دیدگاه کاملاً متفاوتی از واقعیت ارائه داده است.

تفکیک جنسیتی داده‌ها به این معنی است که داده‌ها برای زنان/دختران در مقایسه با مردان/پسران مشخص شده است. این داده‌ها برای بودجه‌ریزی جنسیت محور کلیدی هستند و در غیر این صورت، ارزیابی تاثیر بودجه بر روابط جنسیتی غیرممکن است. تجارب نشان داده‌اند که اغلب داده‌های

مربوط به جنسیت به‌عنوان دادهٔ خام در دسترس هستند، اما این اطلاعات در پایگاه داده، یا در گزارش پژوهشی نهایی یا انتشارات گنجانده نشده است. بسیاری از دفاتر آمار کشورها، وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها آماری را با داده‌های تفکیک شده بر اساس جنسیت جمع‌آوری می‌کنند، اما پس از آن، از این داده‌ها برای تجزیه و تحلیل بیشتر استفاده نمی‌شود. مسئله یافتن این داده‌های خام است (که اغلب به صورت رایگان قابل تهیه است).

دسترسی نابرابر به مراکز نگهداری از کودکان

در مودنا، در منطقهٔ امیلیا رومانیا در ایتالیا، مطالعه‌ای توسط کنسرسیومی از دانشگاه‌ها و سازمان‌های عمومی به هدف شرح دادن داده‌های کافی برای طراحی یک خط مشی جدید محلی جهت مراقبت از کودکان انجام شده است. با توجه به مشاهده اینکه اطلاعات جنسیتی اغلب در داده‌های اداری و نظرسنجی‌های محلی وجود ندارد، تیم تحقیقاتی یک نظرسنجی محلی جدید (CAAP ۲۰۰۲) را انجام داد و یک شاخص جدید (ISE - شاخص وضعیت اقتصادی) را ایجاد کرد که برای توضیح مناسب در تشخیص ثروت مردان و زنان موثر است. (نه تنها با در نظر گرفتن درآمد خالص، بلکه طیف وسیعی از دارایی‌های خانواده).

شاخص جدید و تحلیل توسعه یافته نشان می‌دهد که نیاز به تغییر اساسی در ارائه خدمات مراقبت از کودک و یارانه‌های مربوطه دارد، طوری که سیاست موجود به نیازهای مردم نیازمند پاسخ نمی‌دهد (یعنی فرزندان مادران بیکار به احتمال زیاد در مهدکودک‌ها پذیرش نمی‌شوند و بنابراین مجبور بودند برای شرکت در بازار کار هزینه‌های ثابت بالاتری را متحمل شوند). این تحقیق

ثابت کرد که برای خانواده‌ای با درآمد پایین و هر دو والدین شاغل، وجود کودک زیر یک سال یکی از والدین (یعنی مادر) را وادار به قطع کار میکند و با عواقب مشکلات ورود مجدد به بازار کار روبرو می‌سازد.

(۲۰۰۲, Rosselli)

فصل ۵

راهنمایی برای گروه‌های محلی

مقدمه

در هر شرایطی، فرصت‌هایی برای بودجه‌ریزی جنسیت محور که مردم در مورد درآمد و خرج کردن پول تصمیم بگیرند، وجود دارد. هرچند اکثر طرح‌های بودجه‌های جنسیت محور که انجام شده اند، بر بودجه‌های عمومی متمرکز می‌باشند. به این دلیل گروه‌های جامعه مدنی که بر روی بودجه‌ریزی جنسیت محور کار می‌کنند، می‌خواهند از پاسخگو بودن دولت‌ها برای استفاده از بودجه عمومی به نفع همه شهروندان مطمئن شوند. با این حال، این راهنما برای طرح‌های بودجه‌های جنسیت محور در سطح محلی در نظر گرفته شده است.

یک رویکرد خاص که مناسب همه طرح‌های بودجه جنسیت محور باشد وجود ندارد. همانطور که در مطالعات و گزارش‌های مربوط به طرح‌های بودجه‌ریزی جنسیت محور نشان داده شده است، در عمل راه‌های زیادی جهت اجرای بودجه‌ریزی جنسیت محور وجود دارد. رویکردی که به بهترین وجه با هر طرح مشخص بودجه‌ریزی جنسیت محور مطابقت داشته باشد، به هدفی که دنبال می‌کند، نوع بودجه مشمول زمان و شرایطی که تحت آن عملی می‌شود، بستگی دارد.

۵.۱. راهنما برای گروه‌های ترویجگر

در این بخش، دستورالعمل‌هایی مفیدی را برای گروه‌های ترویجگر محلی که هیچ تجربه قبلی در بودجه‌ریزی جنسیت محور ندارند، ارائه می‌کنیم که می‌توانند بر بودجه شهرها تاثیرگذار باشند. دستورالعمل‌ها به عنوان مقدمه‌ای در روند بودجه‌ریزی جنسیت محور در نظر گرفته شده است. تمرکز دستورالعمل بر روی هزینه‌های بودجه‌های محلی می‌باشد.

هنگامی که یک گروه ترویجگری محلی به یک سازمان ملی یا کنفدراسیون بزرگتر مرتبط است، همیشه توصیه می‌شود که از دفتر مرکزی یک کارشناس بودجه جنسیت محور را تعیین کنند که بتواند از طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور در سطح محلی حمایت یا روند گروه را هدایت کند.

رهنمودهای زیر بر اساس یک رویکرد تک موضوعی و شامل شش مرحله است. برای هر مرحله از طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور خود، می‌توانید از ابزارهایی برای جمع‌آوری آماری استفاده کنید که مبنایی برای برنامه ترویجگری شما فراهم می‌کند. برخی از ابزارهای مفید در فصل ۶ ارائه شده است.

هنگامی که موضوع در دستور کار سیاسی قرار گرفت، گروه می‌تواند با در نظر گرفتن موضوع دیگری که مربوط به گروه شما است، به جریان سازی جنسیت در بودجه ادامه دهد. بودجه‌ریزی یک فرایند مستمر است. تا زمانی که جنسیت در جریان اصلی فرآیند بودجه‌ریزی مورد توجه نگیرد، نقش گروه‌های جامعه مدنی به عنوان حامیان بودجه‌ریزی جنسیت محور مهم باقی می‌ماند.

مرحله اول: موضوع اصلی را تعریف کنید

قبل از شروع یک طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور، مهم است که به وضوح موضوع خاصی را که می‌خواهید روی آن کار کنید را، تعیین کنید. به عبارت دیگر: همه روی موضوع تفاهم داشته باشید. اجماع گروه بر روی موضوع اصلی از اهمیت بسزایی برای شروع کار برخوردار است. سعی نکنید همه مشکلات را یکجا حل کنید. تمام مشکلات دیگر در جامعه یا در گروه شما که به موضوع اصلی مربوط نمی‌شود، بعداً قابل حل خواهد بود. تمرکز بر روی یک موضوع به شما امکان می‌دهد تا با جمع‌آوری اطلاعات و انجام تجزیه و تحلیل عمیق، در این موضوع متخصص شوید. نشان دادن این نوع تخصص شما را قادر می‌سازد تا نزد سیاست‌گذاران و کسانی که مسئول تصمیم‌گیری در مورد بودجه هستند اعتبار کسب کنید.

مرحله دوم: یک مشکل اصلی جنسیت محور را تعریف کنید

هنگامی که در مورد موضوع اصلی که توسط گروه شما حل خواهد شد به توافق رسیدید، سعی کنید مشکلات جنسیت محور مربوط به موضوع اصلی را مشخص کنید. این به معنای تفکر در مورد این است که چگونه این موضوع و نحوه پرداختن به آن از طریق بودجه، بر زندگی دختران و پسران، زنان و مردان تاثیر می‌گذارد. فهرستی از مشکلات تهیه کنید و سعی کنید دریابید که آیا راهی وجود دارد که دیدگاه جنسیتی یکپارچه وجود داشته باشد و بتوان آن را بیان کرد. هنگامی که ماهیت موضوع را درک کردید، می‌توانید مشکل اصلی جنسیت محور خود را فرموله کنید که همه مشکلات مرتبط با موضوع شما را با هم پوشش دهد. برای این فرآیند وقت بگذارید. مطمئن باشید

که در مورد مشکل اصلی در گروه شما اتفاق نظر وجود دارد. هنگامی که یک مشکل اصلی جنسیت محور را مشخص کردید، سنگ محک خوبی برای بقیه ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور خود خواهید داشت.

مرحله سوم: تخصص خود را در مورد موضوع توسعه دهید

این احتمال وجود دارد که موضوعی که می‌خواهید روی آن کار کنید را انتخاب کردید، موضوعی باشد که گروه شما مدتی روی آن کار کرده است و بنابراین، کسانی در گروه هستند که اطلاعات زیادی در مورد آن موضوع دارند. اکنون زمان آن است که تمام دانش و تخصص را که جمع‌آوری کنید تا بتوانید آن را به عنوان بخشی از پیشنهاد خود در رابطه با حمایت از تغییر در بودجه مستند کنید. تمام اطلاعاتی را که در اختیار دارید، از جمله اسناد و گزارش‌ها را، جمع‌آوری کنید. مطمئن شوید که سیاست دولت در مورد این موضوع چیست، چه زمانی سیاست تدوین شده است و همچنین سیاست کمیسیون اروپا در این مورد چیست. مرتبط‌ترین تحقیقات را جستجو کنید و خلاصه‌ای از یافته‌های اصلی را جمع‌آوری کنید. دریابید که مقامات محلی در سه سال گذشته در این زمینه چه هزینه‌هایی کرده‌اند. این اطلاعات باید در دسترس عموم باشد. چیزی که ممکن است به راحتی قابل دسترسی نباشد، تعداد افرادی است - زن و مرد - که از پول هزینه شده سود برده‌اند. اغلب داده‌های تفکیک جنسیتی نگهداری نمی‌شوند. در چنین مواقعی در گزارش خود به نبود یا کمبود اطلاعات به تفکیک جنسیت اشاره کنید.

گام چهارم: برای مشکل اصلی راه حل‌های خاص جنسیتی ایجاد کنید

در گروه خود بحث کنید که چگونه هر یک از شما مشکل اصلی را حل می‌کند. بگذارید تخیل شما کار کند. درباره اینکه چگونه باید باشد، بارش فکری کنید و مشخص کنید که چگونه راه حل‌های شما به فرصت‌های برابر برای زنان و مردان کمک می‌کند. تمام ایده‌هایی که در طول جلسه بارش فکری شما ظاهر می‌شود را یادداشت کنید. مشکل اصلی خود را به عنوان سنگ محک در نظر بگیرید تا ایده‌هایی را انتخاب کنید که بهترین کمک را به ارتقای برابری جنسیتی در منطقه شما می‌کنند. سعی کنید آنچه که از نظر شما باید طرح حل مساله باشد به شکل نقشه‌ها، یا طرح‌ها ترسیم کنید و روی ورق بیاورید. مهم است که خواسته‌های خود را برای آینده به اشتراک بگذارید و آنها را ترسیم کنید. این به شما امکان می‌دهد دیدگاه‌های جدیدی ارائه دهید و با ایده‌های خود به دیگران انگیزه ببخشید. از کارشناسان، سیاستمداران محلی و سایر علاقمندان به موضوع گروه خود دعوت کنید و راه حل‌های جنسیت محور خود را با آنها در میان بگذارید. آنها ممکن است از رویکرد خاص جنسیتی شما شگفت زده شوند و ممکن است ایده‌ها و پیشنهادات شما را تقویت و غنی کنند.

مرحله پنجم: روی طرح پیشنهادی اتان کار کنید

در طول بارش فکری خود، قطعات را برای «طرح باید» جمع آوری کردید. اکنون سوال در کنار هم قرار دادن این قطعات در طرحی است که بتواند برای متقاعد کردن مقامات جامعه در مورد نیاز به رویکرد حساس به جنسیت در بودجه روی موضوعی بر آن کار می‌کنید، استفاده شود. این طرح شامل اهداف، فعالیت‌ها، زمانبندی و بودجه است.

مرحله ششم: استراتژی و زمان مداخله خود را طراحی کنید

قبل از راه‌اندازی ایده‌ها یا طرح خود، مهم است که درباره فرآیند تصمیم‌گیری بودجه بیشتر بدانید. ارائه به موقع پیشنهادات، یک عامل کلیدی برای موفقیت است. دریابید که چه زمانی پیشنهاد شما توسط مقامات و در چه مرحله‌ای از فرآیند بودجه مورد بحث قرار می‌گیرد. توصیه می‌شود تمام عناصر یک استراتژی روابط عمومی (PR) و لابی‌گری و دیگر انواع ترویج‌گری که می‌توانید در هر مرحله از فرآیند بودجه آغاز کنید، را ترسیم کنید (به بند ۵.۳ مراجعه کنید).

۵.۲ تداوم کار با نشاط و انرژی، ایجاد تخصص

رویکرد تک موضوعی همانطور که در بالا پیشنهاد شد، گروه شما را با تجربه زیادی در مورد نحوه اجرای طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور غنی می‌کند. در مسیر خود از طریق فرآیند بودجه متوجه خواهید شد که قدرت تصمیم‌گیری چگونه کار می‌کند، قدرت واقعی در کجا اجرا می‌شود، چگونه رویه‌ها اعمال می‌شوند، چه کسانی افراد کلیدی هستند و چه لحظات کلیدی برای تاثیرگذاری بر بودجه عمومی وجود دارد. این تجربه گروه شما را با چرخه‌های بودجه‌ای دولت محلی آشنا می‌کند. احتمالاً شما نیز در حال ایجاد شبکه‌ای از افراد علاقه مند، محققین یا فعالان در جامعه خود هستید که از طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور گروه شما حمایت می‌کنند. حتی ممکن است ائتلافی از سازمان‌ها ایجاد کرده باشید که به ابتکار عمل شما می‌پیوندند. شاید از طریق گفت و گو با مقامات محلی توانستید موضوع خود را در دستور کار سیاستگذاری قرار دهید. در صورتی که بودجه عمومی مطابق با پیشنهادات

گروه شما تغییر و تعدیل شود، شما به موفقیت فوق العاده ای دست یافته‌اید که شایسته است به عنوان یک روش خوب بودجه‌ریزی جنسیت محور که می‌تواند الهام بخش دیگر گروه‌های محلی باشد، منتشر شود. از این تجربه برای پرداختن به موضوع اولویت بعدی گروه خود استفاده کنید.

اگر مقامات محلی شما اغلب مردان هستند و با مسائل جنسیتی آشنا نیستند، انتظارنتایج فوری در کوتاه مدت را نداشته باشید. بودجه‌ریزی جنسیتی موضوع سختی است. این نیاز به تغییرات اساسی در روشی که ما همیشه یاد گرفته‌ایم تا جهان اطراف خود را درک کنیم و ساختار دهیم، دارد. مطمئناً کسانی مخالف پیشنهادات شما خواهند بود و این امر در فرآیند تغییر عادی است کارها همیشه آسان نخواهد بود، اما صبور باشید و اجازه ندهید دلسرد شدن به خود ندهید. از حق خود برای درخواست از مقامات محلی برای پاسخگویی به نحوه تخصیص بودجه و تاثیر بودجه عمومی بر روابط جنسیتی دفاع کنید.

به طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور خود ادامه دهید و به موضوع بعدی خود بپردازید. با درگیر کردن گروه‌ها، سازمان‌ها، کارشناسان، سیاستمداران و کارمندان دولتی بیشتر، روی گسترش دامنه ابتکار خود در جامعه خود کار کنید. یک گفتگوی دائمی در مورد بودجه‌ریزی جنسیت محور با افراد کلیدی در فرایند بودجه ترتیب دهید. با شرکت در کارگاه‌های آموزشی، تخصص بودجه‌ریزی جنسیتی خود را افزایش دهید. افزایش تخصص و آموزش جنسیت محور کارمندان دولتی و سیاستمداران در شهرداری خود را ترویج کنید. برای دستیابی به تصمیم شورای شهرداری در مورد جریان سازی جنسیتی و اجرای استراتژی برابری جنسیتی تلاش کنید. برای ایجاد معیارهایی برای ارزیابی و نظارت بر تاثیر بودجه بر روابط جنسیتی و توسعه حسابرسی‌های حساس به جنسیت از بودجه عمومی، کارشناسان و محققان جنسیت را در ابتکار خود مشارکت دهید.

برابری جنسیتی در دستور کار سیاستگذاری مقامات محلی

شهرهای متحد و دولت‌های محلی، یک انجمن بین‌المللی از دولت‌های محلی است که در دفاع از نقش زنان در حکومت‌های محلی در سرتاسر جهان نقش اصلی را ایفا می‌کند. حوزه‌های اصلی فعالیت آن تقویت دولت‌های محلی و ارتقای زنان در تصمیم‌گیری‌های محلی و همچنین نمایندگی دولت محلی در زمینه‌های توسعه پایدار و شهرنشینی است. دولت‌های محلی مروجین اصلی برابری جنسیتی هستند و می‌توانند زندگی و شانس زندگی زنان را تغییر دهند. افزایش تعداد زنان در دولت محلی و در نظر گرفتن نیازهای زنان در هنگام تدوین سیاست‌ها و خدمات، برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ضروری است. همچنین مسئله عدالت و به رسمیت شناختن برابری جنسیتی نوعی از حقوق بشر است. فعالیت‌های آن شامل ترویج اعلامیه جهانی زنان در دولت محلی و اجرای یک برنامه جهانی عمده در مورد زنان در تصمیم‌گیری محلی است.

شهرهای متحد و دولت‌های محلی یک کتابخانه اطلاعاتی حاوی گزارش‌ها، مقالات و مطالعات موردی در مورد زنان در دولت محلی ایجاد کرده‌اند و آماری از زنان در تصمیم‌گیری محلی در سراسر جهان جمع‌آوری می‌کنند.

۵.۳ زمان بندی ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور

مهم است که بدانیم چه زمانی تصمیمات بودجه‌ای گرفته می‌شود. اکثر شهرها و دولت‌ها بر اساس بودجه سالانه فعالیت می‌کنند. فرآیند سالانه بودجه‌ریزی از چهار مرحله اصلی عبور می‌کند:

مرحله ۱: تدوین بودجه

مرحله ۲: تصویب بودجه

مرحله ۳: اجرای بودجه

مرحله ۴: ارزیابی و ممیزی بودجه

هر مرحله نیازمند رویکرد متفاوتی برای گروه‌های ترویجگری محلی است تا موضوع خود را در دستور کار سیاستگذاری شهرداری قرار دهند. چهار مرحله زیر مراحل مختلف فرآیند بودجه را تشریح می‌کند.

مرحله ۱: تدوین بودجه

این مرحله شامل تهیه سیاست‌ها و خط مشی و برنامه‌ریزی بودجه است. بیشتر این کار توسط کارمندان دولتی انجام می‌شود. آنها مطابق با دستورالعمل‌های سیاستی و خط مشی شورای محلی بودجه را تدوین می‌کنند. در طول فرآیند تدوین بودجه، جلساتی با ادارات مختلف و با مقامات منتخب به منظور تنظیم بودجه پیشنهادی برای تطبیق با تمام مواضع سیاستگذاری برگزار می‌شود. این مرحله اول از فرآیند بودجه اغلب برای عموم آزاد نیست. با این حال، این مرحله‌ای است که در آن می‌توانید مقداری تأثیر بگذارید، زیرا بودجه‌ها هنوز ثابت نشده‌اند. وقتی می‌خواهید موضوع خود را در مرحله اول فرآیند بودجه ترویج دهید، چه کاری می‌توانید انجام دهید؟

- سعی کنید کارمندان کلیدی دولت را که مسئول تهیه بودجه مربوط به موضوع گروه شما هستند، تشخیص دهید؛
- بررسی کنید که کدام اعضای شورای محلی در کمیته ای که بودجه مربوط به موضوع شما را تهیه می‌کند، شرکت می‌کنند؛
- درخواست ملاقات با کارمندان دولتی و/یا اعضای کلیدی کمیته به منظور طرح مشکلاتی که در رابطه با موضوع شناسایی کرده اید، ارایه کنید؛
- سعی کنید در مورد مشارکت گروه خود در فرآیند بودجه‌ریزی با آنها توافق کنید.

البته همیشه می‌توانید فعالیت‌های بیشتری را در طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور خود مانند نظرسنجی از بهره‌مندان یا جمع‌آوری آمارهای جنسیتی برای تحکیم اظهارات خود بگنجانید. گاهی اوقات می‌توانید با استفاده از اینترنت یا تلفن نظرات خود را در محل جمع‌آوری کنید. همکاری و معاونت محققان اجتماعی در این نوع فعالیت‌ها می‌تواند خیلی مفید باشد. در عین حال، توصیه می‌شود که مقامات محلی را متقاعد کنید تا مطالعات ارزیابی جنسیت یا آثار بودجه بر جنسیت را سفارش دهند.

مرحله ۲: تصویب بودجه

بودجه تدوین شده معمولاً باید توسط شورای محلی تصویب شود. شما باید مشخص کنید که چه زمانی موضوع شما در دستور کار شورا قرار می‌گیرد. این مرحله از فرآیند بودجه اغلب مورد توجه مطبوعات محلی قرار می‌گیرد و فرصتی را برای انتشار نگرانی‌های شما در رابطه با موضوع ارائه می‌دهد.

چه کارهایی قبل از تشکیل جلسه مقامات هنگامی که مسئله شما در دستور کار قرار دارد می‌توانید انجام دهید؟

- با ارسال نامه ای سرگشاده به شورا، نگرانی‌های خود، مشکلاتی که پیش بینی می‌کنید و پیشنهادات خود را برای رویکرد بودجه حساس به جنسیت مطرح کنید؛
- نسخه‌هایی از این نامه را با یک بیانیه مطبوعاتی کوتاه به مطبوعات محلی یا رادیو یا تلویزیون منطقه‌ای ارسال کنید یا سعی کنید در رسانه‌های محلی مصاحبه کنید؛
- یک وب سایت برای طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور خود به گونه ای که افراد بتوانند نظراتشان را اضافه کنند طراحی کنید.

در جلسه شورا چه کاری می‌توانید انجام دهید؟

- زمانی که موضوع شما در دستور کار است، حتماً در قسمت عمومی جلسه شورا حضور داشته باشید. حتی اگر گروه شما اجازه شرکت در بحث و بررسی یا ابراز وجود با بنرها را نداشته باشد، حضور گروه شما برای اعضای شورا محسوس خواهد بود و می‌تواند بر روند تصمیم‌گیری تاثیر بگذارد؛
- نظرات مختلف در شورا را یادداشت کنید که بعداً در گروه خود تحلیل کنید؛
- در صورت حضور خبرنگاران پس از جلسه، نظر خود را نسبت به تصمیمات اتخاذ شده به آنها بگویید و توضیح دهید که چگونه یک رویکرد جنسیتی نسبت به بودجه می‌تواند برنامه شورا را بهبود بخشد؛

بعد از برگزاری جلسه شورای محله یا شهر چه کاری می‌توانید انجام دهید؟

- تصمیمات اتخاذ شده را تحلیل کنید و ارزیابی کنید که آیا گروه شما تاثیری بر تصمیم نهایی داشته است: آیا شورا به نگرانی‌های شما رسیدگی کرده است؟ آیا آنها دیدگاه جنسیتی را در بودجه لحاظ کردند؟
- در مورد چگونگی ادامه طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور خود برنامه‌ریزی کنید.

مرحله ۳: اجرای بودجه

پس از تصویب بودجه، مقامات محلی شروع به اجرای آن می‌کنند. این مرحله‌ای است که می‌توانید تأثیر این اجرا را بر زندگی مردان، زنان، پسران و دختران ارزیابی کنید. شما باید وظیفه یک سگ نگهبان را بر عهده بگیرید تا ببینید آیا این پول طبق تصمیمات اتخاذ شده تخصیص می‌یابد و آیا این تخصیص به حقوق و فرصت‌های برابر گروه‌های مختلف مردان و زنان کمک می‌کند. وقتی شواهدی پیدا کردید که تخصیص بودجه به طور مساوی بر اساس جنسیت توزیع نمی‌شود، در این صورت در خصوص این مساله می‌توانید به افزایش آگاهی بپردازید. با این حال، قبل از شروع هر کمپین افزایش آگاهی، عاقلانه است که اطلاعاتی را برای اثبات تردیدهای خود جمع آوری کنید. می‌توانید یک خط تلفن برای شکایات در مورد خدمات عمومی باز کنید، می‌توانید نظرات مردم را از طریق نظرسنجی بپرسید، می‌توانید چند مصاحبه گسترده با گروه‌های خاصی از کاربران خدمات عمومی (گروه‌های کانونی) و غیره داشته باشید.

هنگام جمع آوری اطلاعات خود، مهم است که داده‌ها را به تفکیک زنان و مردان مشخص کنید و همچنین سایر مشخصات مانند سن، قومیت، درآمد یا سطح تحصیلات استفاده کنید. زمانی که بتوانید تا حدودی تأثیر نابرابر اجرای بودجه را ثابت کنید، می‌توانید گام بعدی را برای افزایش آگاهی بردارید. راه‌های زیادی برای افزایش آگاهی وجود دارد، مانند:

- شروع گفتگو با مقامات محلی، ارسال نامه‌های سرگشاده به شورا و درخواست جلسات مشورتی با آنها؛
- اطلاع‌رسانی به رسانه‌های محلی و انتشار یافته‌های خود در وبسایت شما؛

- ایجاد ائتلاف با سایر سازمان‌ها در جامعه و تشویق آنها به حمایت از تخصیص عادلانه منابع؛
 - درخواست از محققان حساس به جنسیت برای بررسی اسناد شما و لابی کردن برای مساله مورد نظر شما؛
 - شبکه سازی، سازماندهی جلسات برای علاقه مندان به این موضوع، ایجاد یک ایمیل لیست و اطلاع رسانی شبکه خود از طریق خبرنامه‌ها.
- هدف نهایی از این نوع ترویجگری و افزایش آگاهی، تعدیل بودجه است.

مرحله ۴: ارزیابی بودجه

هر شورای محلی باید یک گزارش و حساب سالانه تهیه کند. این مرحله فرصتی را برای معرفی ایده ممیزی ویژه جنسیت ارائه می‌دهد. چنین ممیزی ارزیابی می‌کند که چگونه استفاده از بودجه بر موقعیت گروه‌های مختلف مردان و زنان تأثیر گذاشته است. می‌تواند نشان دهد که آیا تخصیص و مصرف پول عمومی به برابری جنسیتی کمک می‌کند یا خیر. گروه‌های ترویجگری می‌توانند با طرح یک مثال و با جمع‌آوری اطلاعات در مورد یک این موضوع مشخص نشان دهند که چگونه تخصیص بودجه زندگی مردان و زنان را به اشکال مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این مثال، آنها می‌توانند اهمیت ارزیابی آثار تخصیص بودجه از نظر برابری جنسیتی را برجسته کنند. این مثال شما را قادر می‌سازد تا برای ظرفیت سازی جنسیتی بیشتر و تخصص جنسیتی در میان کارمندان که مسئول تهیه بودجه هستند، دفاع کنید.

همان نوع راهبردهای افزایش آگاهی که برای مرحله ۳ پیشنهاد شده است، را نیز می‌توان در این مرحله از بودجه استفاده کرد. سعی کنید از مقامات محلی تعهد بگیرید که رویکرد جنسیت-آگاه در دوره بودجه بعدی لحاظ خواهد شد و این در ارزیابی بعدی بودجه ارزیابی خواهد شد. سعی کنید ترتیبی برای گفت و گوی کارشناسان گروه خود با مسئولان در مورد تهیه بودجه بعدی ایجاد کنید. به خاطر داشته باشید که بودجه‌ریزی یک فرایند مداوم است که هر سال تکرار می‌شود. حتی زمانی که ابتکار بودجه‌ریزی جنسیت محور خود را در این مرحله چهارم از چرخه بودجه شروع می‌کنید، خیلی دیر نیست، زیرا می‌توانید راه را برای نفوذ بیشتر در چرخه بودجه بعدی هموار کنید.

۵.۴ چک لیست ها و فرم‌های نمونه مفید

در این بخش، سه مجموعه از دستورالعمل‌های مفید را برای کسانی که می‌خواهند یک طرح بودجه‌ریزی جنسیت محور را آغاز کنند، ارائه می‌کنیم:

- طرح کلی یک حسابرسی/ممیزی جنسیت
- نقشه بودجه
- چک لیست برای برنامه‌ریزان بودجه

هر سه را می‌توان در همه سازمان‌ها اعم از ، یک گروه اجتماعی، یک سازمان غیردولتی، یک شرکت تجاری یا یک اداره دولتی استفاده کرد. این رویکردها را می‌توان با ابزارهای شرح داده شده در فصل ۶ تکمیل کرد.

طرح کلی یک ممیزی جنسیت

به عنوان نقطه آغازین بودجه‌ریزی جنسیت محور، یک ممیزی جنسیت راهی برای ارزیابی وضعیت سازمان شما از منظر برابری جنسیت می باشد. همچنین ممیزی جنسیت کمک می‌کند که شاخص‌های ارزیابی برای اندازه‌گیری پیشرفت را تهیه کنید. ممیزی جنسیت باید دارای سه حوزه باشد:

- زمینه سازمانی
- پرسنل
- بودجه

زمینه سازمانی باید شامل موارد زیر باشد:

- ساختار و عملکرد سازمان
- زمینه سیاستگذاری (اتحادیه اروپا / ملی / محلی)
- سیاست‌های اصلی
- سیاست‌های برابری جنسیتی
- ساختارها و سیستم‌های تصمیم‌گیری
- نقش و جایگاه زنان در تصمیم‌گیری
- مشاوره و مشارکت با جامعه و سازمان‌های زنان.

ممیزی حساس به جنسیت پرسنل شامل موارد زیر است:

- ساختارهای کارکنان
- جایگاه و نقش زنان در سازمان
- سیاست‌های کارکنان، به ویژه در رابطه با استخدام، توسعه شغلی، ارتقاء و ساعت‌های کاری قابل انعطاف
- بودجه کارکنان بر اساس جنسیت، از جمله هزینه‌های حقوق و دستمزد و همچنین بودجه برای آموزش و توسعه کارکنان

ممیزی و حسابرسی شیوه‌های بودجه‌ریزی به موارد زیر توجه خواهد کرد:

- منابع مالی از اتحادیه اروپا، ملی و محلی
- بودجه اصلی، چندساله و یکبار
- درآمد و تامین مالی
- اهداف و محدودیت‌های مالی
- تفکیک هزینه‌ها بر اساس فعالیت‌های داخلی و خارجی
- تفکیک هزینه‌ها بر اساس برنامه‌ها و ارائه خدمات
- تخصیص بودجه ویژه برابری جنسیتی
- سیستم‌ها و رویه‌های مدیریت مالی

ممیزی جنسیتی از نظر دامنه جامع است و بنابراین ممکن است دلهره آور به نظر برسد. همانطور که ذکر شد، چالش برای طی کردن فرآیندها زمانی که با کمبود داده‌های کافی مواجه شوید، تشدید می‌شود. بدیهی است که هدف نهایی این است که یک سازمان در هر جنبه‌ای از ساختار و عملکرد خود

نسبت به جنسیت حساس شود. با این حال، شایان ذکر است که مراحل افزایشی برای رسیدن به این هدف وجود دارد. دو مورد از مهمترین مراحل یادگیری عبارتند از: ۱) افزایش آگاهی از پیامدهای جنسیتی کار سازمان، و ۲) افزایش ظرفیت در سطح سازمانی برای انجام تجزیه و تحلیل جنسیت.

در انجام ممیزی جنسیتی، توجه به موارد زیر مفید است:

- بهتر است ممیزی جنسیت به عنوان یک روش مشارکتی انجام شود. این به این معنی خواهد بود که کارکنان در تمام سطوح سازمان درگیر کرده و یک فرایند ارزیابی اثبات عدم تبعیض جنسیتیتسهیل نمود
- کار را به قطعات قابل مدیریت تقسیم کنید. برای روشن شدن پیامدهای جنسیتی، روش پروژه به پروژه به ایجاد ظرفیت در تحلیل جنسیتی کمک خواهد کرد
- منابع باید برای انجام کارهای مرتبط با ممیزی جنسیت اختصاص داده شود
- تخصص در تجزیه و تحلیل جنسیت برای موفقیت در تمرین حسابرسی جنسیت مهم است. این می‌تواند به شکل آموزش یا مشاوره کارکنان باشد
- در حالی که فقدان داده‌های تفکیک جنسیتی کافی یک مشکل جهانی است، انواع دیگر اطلاعات می‌تواند به فرایند کمک کند. گاهی اوقات از کمبود داده به عنوان بهانه استفاده می‌شود حتی در غیاب داده‌های خوب و کافی، تحلیل جنسیتی قابل اعتماد و مفید می‌تواند انجام شود.

نقشه بودجه

نقشه بودجه به عنوان راهی برای به دست آوردن یک تحلیل اولیه حساس به جنسیت از بودجه تدوین شد. این روش جدید برای بررسی بودجه توسط مدیران، مدیران مالی اعضای هیات مدیره و کسانی که در تصمیمات بودجه‌ای دخیل هستند تهیه شده است. معمولاً فرمت بودجه و گزارش‌های مالی بر اساس الزامات اهدا کنندگان کمک مالی و حساب‌برسان تنظیم شده است. نقشه بودجه علاوه بر توجه به الزامات اهدا کنندگان، این امکان را فراهم می‌کند که جزئیات سیاستها و مسائل تصمیم‌گیری مربوط به بودجه نیز بررسی شود. ایده این است که از نقشه جداگانه برای هر ردیف بودجه استفاده شود. شناسایی منبع و نوع تامین مالی در ستون ۲ یا داور سطح امنیت تداوم تامین مالی خواهد بود. بنابراین، برای مثال، بودجه اصلی سال به سال تداوم دارد، در حالیکه بودجه چند ساله یعنی مستلزم تصمیم سالانه است، و یکبار هدیه مالی، موقت ترین شکل تامین مالی است. ستون‌های باقی‌مانده به نحوه توزیع داخلی پول بین برنامه‌ها، حقوق، هزینه‌های سربار، و غیره مربوط می‌شوند. فضایی در نقشه وجود دارد تا هر بخشی از جریان خاصی از بودجه را که به ترویج برابری/برابری جنسیتی اختصاص می‌یابد، فهرست کند.

در زیر ستون‌ها، فضایی برای جزئیات اهداف و محدودیت‌های مرتبط با بودجه وجود دارد. از همه مهمتر این الگو مستلزم آن است که در مورد سطح انعطافی که در استفاده از وجوه وجود دارد فکر شود. به طور کلی، انعطاف‌پذیری به عنوان فضایی آزاد بین پایبندی به اهداف و محدودیت‌ها و در عین حال سازگاری با برنامه کاری محلی سازمان در نظر گرفته می‌شود. در این مرحله شناسایی افرادی که در سازمان موظف به اعمال این انعطاف هستند مفید است. در نهایت، فضایی برای ترسیم هر گونه شاخص عملکردی

که به بودجه پیوست است، وجود دارد. اینها ممکن است توسط اهدا کننده مشخص شود یا ممکن است به صورت داخلی توسط مدیر مالی، هیئت مدیره یا مدیر مشخص شود. تمایز بین شاخص‌های عملکرد مربوط به هزینه و سایر شاخص‌های عملکردی که ممکن است در سطح برنامه یا پروژه ضمیمه شوند، مهم است.

در حالی که اشاره کمی به جنسیت فی نفسه در نقشه بودجه وجود دارد، این سطح از تجزیه و تحلیل در تعیین چگونگی ادامه تجزیه و تحلیل متمرکزتر با حساسیت جنسیتی از بودجه مهم است. در ارائه دیدگاه متفاوت به بودجه، به غیر از دیدگاه مدیریت مالی، به تشویق این دیدگاه که بودجه قابل انعطاف است کمک می‌کند.

یکی از اهداف اصلی شیوه بودجه‌ریزی جنسیت محور ایجاد پیوند بین سیاست و تخصیص منابع است. اغلب چیزی که نشان داده می‌شود شکاف بین سیاست و بودجه است، یعنی جایی که یک خط مشی به وضوح بیان می‌شود، همیشه منابع مربوطه برای اجرای سیاست تخصیص داده نمی‌شود. نقشه بودجه به ایجاد پیوند بین سیاست و بودجه کمک می‌کند.

ادامه منطقی از نقشه بودجه به مرحله بعدی تجزیه و تحلیل این است که با فهرست کردن ذینفعان، تفکیک شده بر اساس جنسیت، با جزئیات بیشتر به بودجه پروژه‌ها نگاه کنید. در این مرحله از تجزیه و تحلیل می‌توان از سایر ابزارهای بودجه‌ریزی جنسیت محور مانند تجزیه و تحلیل تفکیک جنسیت شده بهره‌مندان و تجزیه و تحلیل تفکیک جنسیتی شده موارد استفاده کرد.

نقشه بودجه تحلیل بودجه‌ریزی جنسیت محور

تخصیصات برابری جنسیتی	سهم هزینه‌های سربار	سهم دستمزد		برنامه/پروژه		منبع/نوع	ردیف بودجه
		یورو	پست	یورو	پروژه		
							درصد ردیف بودجه از کل بودجه
							اهداف مشخص
							محدودیت‌ها
							انعطاف
							تصمیم‌گیری
							شاخص‌های عملکرد

چک لیستی برای برنامه‌ریزان بودجه

به عنوان حامیان بودجه‌ریزی جنسیت محور، تمرکز اصلی شما تشویق بودجه ریزان به اتخاذ رویکردی جنسیت-حساس در شغلشان خواهد بود. مهم است که به یاد داشته باشید که بهتر است انرژی‌ها را بر متقاعد کردن اینکه چرا باید بودجه‌ریزی جنسیت محور انجام دهند، متمرکز کنیم تا اینکه چگونه باید بودجه‌ریزی جنسیت محور را انجام دهند. ما می‌توانیم نشان دهیم که چگونه یک تحلیل جنسیتی می‌تواند سوگیری‌ها یا ناکارآمدی‌ها را آشکار کند و می‌توانیم به کمبودهای هزینه اشاره کنیم. با این حال، تدوین بودجه در سطح دولت یک شیوه بسیار فنی است و اگر در این زمینه تخصص نداشته باشیم، سطحی خواهیم بود. بخش ۴.۳ این راهنما به بسیاری از دلایل ترویج بودجه‌ریزی جنسیتی می‌پردازد. این چک لیست پیشنهاداتی را ارائه می‌دهد، هنگامی که فرصتی برای ارائه توصیه‌های عملی به سیاست‌گذاران دولت محلی دارید. این پیشنهادات همچنین برای گروه‌های جامعه محلی مسئول بودجه و همچنین سازمان‌های غیردولتی بزرگتر مفید است. آنها باید به بهترین وجه برای برنامه‌های خاصی که بخشی از بودجه کلی هستند اعمال شوند.

۱. آیا زنان و مردان به طور مساوی در گروه‌های هدف خاص، پروژه‌ها، برنامه‌ها یا برنامه‌های عملیاتی که در بودجه گنجانده شده‌اند، حضور دارند؟

۲. ترکیب گروه بهره‌مندان، یعنی افرادی که در واقع دریافت کنندگان برنامه هستند، چگونه است؟ آیا زنان و مردان به طور مساوی از مخارج عمومی بهره می‌برند؟

۳. آیا زنان و مردان به طور مساوی در تهیه برنامه بودجه مشارکت داشته‌اند؟ اگر نه، چگونه می‌توان مشارکت برابر را سازماندهی کرد؟
۴. میانگین هزینه برای هر بهره‌مند چقدر است؟ آیا تفاوت‌های قابل شناسایی بین میانگین هزینه برای ذینفعان زن و مرد وجود دارد؟ اگر وجود دارد، آیا می‌توانید آن تفاوت‌ها را توضیح دهید؟
۵. هزینه هر بهره‌مند چگونه بین برنامه‌های مختلف مقایسه می‌شود؟ آیا می‌توان تفاوت‌ها را بر اساس سیاستها بیان شده توضیح داد؟ آیا تفاوت‌ها نشان دهنده تعصب جنسیتی است؟
۶. آیا مکانیزمی برای دریافت بازخورد از شرکت کنندگان در برنامه دارید؟ از بازخورد چه چیزی می‌توان آموخت؟ آیا بین آنچه زنان می‌گویند و آنچه مردان می‌گویند تفاوتی وجود دارد؟
۷. آیا در خصوص کسانی از گروه هدف که از این برنامه بهره‌نمی‌برند، تحلیلی انجام داده‌اید؟ آیا موانع خاصی برای دسترسی آنها به خدمات وجود دارد؟ اگر موانعی وجود دارد، آیا این موانع برای زنان با مردان متفاوت است؟
۸. هزینه رفع موانع دسترسی چقدر خواهد بود؟ اگر موانع برداشته شوند، از نظر هزینه‌ها و مزایای اضافی برنامه یا خدمات چه معنایی خواهد داشت؟
۹. نتایج برنامه از نظر منافع برای گروه‌های هدف چیست؟ چند نفر شغل پیدا کرده‌اند، یک شرکت جدید راه‌اندازی کرده‌اند، به تحصیل یا آموزش بیشتر پیشرفت کرده‌اند، ظرفیت درآمد خود را افزایش

داده‌اند، به تعادل کار/زندگی بهتری دست یافته‌اند؟ آیا می‌توان این نتایج را برای زنان و مردان به طور جداگانه اندازه‌گیری کرد؟

۱۰. در تجزیه و تحلیل تمام اطلاعات مربوطه، آیا می‌توانید ارزیابی کنید که آیا برنامه: (۱) نابرابری‌های جنسیتی را کاهش داده است، (۲) نابرابری‌های جنسیتی را افزایش داده است، یا (۳) آنها را بدون تغییر باقی گذاشته است؟

۱۱. چه مقدار از بودجه را می‌توان برای غلبه بر موانعی که مانع برابری زن و مرد اختصاص داد؟ آیا می‌توانید برای اقداماتی برنامه‌ریزی کنید که به طور خاص زنان را هدف قرار می‌دهند؟

۱۲. آیا روشی برای مشاوره با زنان و گروه‌های زنان دارید؟ آیا زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به بودجه و برنامه دخالت دارند؟ آیا کارشناسان جنسیت درگیر هستند و یا در آموزش‌هایی شرکت کرده‌اید که تخصص جنسیتی کارکنان شما را افزایش دهد؟

برنامه‌های تفاهم جدید برای بیکاران در بریتانیا

دکتر کترین راک، رئیس گروه بودجه زنان بریتانیا، تجزیه و تحلیل بودجه‌ریزی جنسیت محور از برنامه‌های تفاهم جدید را با هدف افراد بیکار در بریتانیا انجام داد. او هزینه هر بیکار دریافت‌کننده بیمه بیکاری را به منظور ارزیابی نتیجه جنسیتی مخارج دولت محاسبه کرد. این بودجه در سه دسته توزیع شد - «جوانان»، «بیکاران طولانی مدت» و «والدین تنها». او دریافت که تنها ۸ درصد

از بودجه این برنامه‌ها به «والدین تنها» اختصاص می‌یابد که ۹۵ درصد آنها زن هستند. با این حال، ۵۷ درصد بودجه به «جوانان» اختصاص می‌یابد که تنها ۲۷ درصد از آنها زن هستند.

(۲۰۰۰, Rake)

در فرانسه حمایت خاصی از کارآفرینی زنان صورت گرفته است که نشان می‌دهد: «زنان هنوز اقلیتی از کارآفرینان را تشکیل می‌دهند و تنها ۲۷ درصد از کل مشاغل جدید را ایجاد می‌کنند. برای کمک به تغییر این امر، ۱۰ میلیون فرانک فرانسه به عنوان منابع اضافی برای صندوق ضمانت ویژه زنان (FGIF) در نظر گرفته شده است که مربوط به ایجاد ۱۰۰۰ تجارت جدید در سال ۲۰۰۱ است. همچنین از شبکه‌های کمک‌رسانی دولت به کارآفرینان خواسته شده است که تعداد زنانی را که به آنها کمک می‌کنند تا ۲۵ درصد در طول سه سال افزایش دهند.»

(دولت فرانسه، ۲۰۰۱)

فصل ۶

روش‌ها و شیوه‌های بودجه جنسیت محور

مقدمه

ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور که در سراسر جهان انجام شده است، تنوع زیادی از رویکردها، روش‌ها و تکنیک‌ها را نشان می‌دهد. این به این دلیل است که بودجه‌ریزی جنسیت محور باید به شرایط و فرصت‌های مختلف پاسخ دهد. شیوه‌های بودجه‌ریزی بسیار متفاوت است. هر کشور رویه‌ها، زمان‌بندی‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری متفاوتی در مورد بودجه دارد. فرآیندهای برنامه‌ریزی بودجه ممکن است نه تنها بین وزارتخانه‌ها، بلکه بین دولت ملی و دولت محلی نیز متفاوت باشد. در برخی کشورها بودجه عمومی منحصراً توسط کارشناسان مالی برنامه‌ریزی می‌شود، در کشورهای دیگر نمایندگان مجلس یا نمایندگان جامعه مدنی به طور فعال در روند تهیه برنامه‌ریزی بودجه مشارکت دارند.

همه اینها به این معنی است که هیچ راه استاندارد برای اجرای وظیفه بودجه‌ریزی جنسیت محور وجود ندارد. با این حال، دایان السون، اقتصاددان توسعه و پیشگام بودجه‌ریزی جنسیت محور، ابزارهایی را طراحی کرده است که توسط بسیاری از کنشگران بکارگرفته شده است. این ابزارها توسط دبیرخانه مشترک المنافع اقتباس و ترویج شده و در ادامه این بخش ارائه شده است.

۶.۱ ارزیابی سیاست جنسیت-آگاه

این یک رویکرد تحلیلی است که این سوال را مطرح می‌کند: چگونه سیاست‌ها و منابع تخصیص یافته به آن سیاست‌ها احتمالاً منجر به کاهش یا افزایش نابرابری‌های جنسیتی می‌شوند که ابتدایی‌ترین راه تلاش برای ایجاد رویکرد جریان سازی جنسیتی در بودجه‌ریزی است. همچنین بین سیاست و تخصیص منابع ارتباط برقرار می‌کند که نشان دهنده رویکرد جدیدی برای برنامه‌ریزان بودجه است. این ابزار بسیار شبیه به ابزارهای تحلیل جنسیتی است که در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا ترویج می‌شود ولی تفاوت در این است که علاوه بر نگاه به سیاست، به تخصیص بودجه نیز توجه دارد.

۶.۲ ارزیابی‌های تفکیک جنسیت شده بهره‌مندان

هدف در اینجا جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نظرات مردان و زنان در مورد اینکه خدمات و برنامه‌ها تا چه حد نیازهایشان را برآورده می‌کند و تا چه حد الگوهای هزینه با اولویت‌های آنها مطابقت دارد، است. اطلاعات از طریق ابزارهایی مانند نظرسنجی و همچنین از طریق روش‌های کیفی مانند گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته جمع‌آوری می‌شود. داده‌ها برای ارائه ارزیابی جداگانه برای زنان و مردان، با تفکیک‌های مقطعی بیشتر بر اساس طبقه، منطقه، قومیت و سایر تفاوت‌های مرتبط تجزیه و تحلیل می‌شوند.

بودجه زنان کانادا

در سال ۱۹۹۳، لیگ بین المللی زنان برای صلح و آزادی (WILPF) می‌خواست بداند که آیا بودجه دولت به نیازها و اولویتهای زنان پاسخ می‌دهد یا خیر. آنها «پروژه بودجه زنان» را در کانادا راه اندازی کردند. این زنان هزینه‌های دولت فدرال برای برنامه‌ها و خدمات اجتماعی و بودجه دفاع ملی را بررسی کردند. آنها هزینه‌های برنامه‌های دفاعی و برنامه‌های رفاه اجتماعی را محاسبه کردند. برای ارزیابی اینکه آیا بودجه‌ها به نیازهای زنان پاسخ می‌دهد یا خیر، از زنان خواستند به یک سری سوالات در مورد ترجیحات خود با ارجاع به بودجه عمومی پاسخ دهند. پرسیدند: دوست داری کدام را انتخاب کنی؟ بودجه برنامه هواپیمای جنگنده اف-۲۲ (۲.۱ میلیارد دلار) یا مراقبت‌های بهداشتی سالانه برای ۱.۳ میلیون زن؟ بودجه زیردریایی‌های تهاجمی «گرگ دریایی» برای سال جاری (۱.۷ میلیارد دلار) یا ارائه کمک‌های انرژی در خانه‌های کم درآمد برای ۵.۶ میلیون خانوار؟

آنها خاطرنشان کردند که در حالی که نرخ رسمی بیکاری حدود ۱۱٪ است، نرخ «واقعی» حدود ۲۲٪ است. ۱۶ درصد کانادایی‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. با این حال، کانادا رتبه ده در هزینه نظامی بزرگ در جهان را دارا است. بودجه دفاعی ۱۹۹۳-۹۴ معادل ۱۲.۳ میلیارد دلار بود. WILPF پیشنهاد کرد که کانادا می‌تواند نیمی از این بودجه را به هزینه‌های غیرنظامی اختصاص دهد تا به نفع زنان در برنامه‌های اشتغال و آموزش، مبارزه با خشونت مبتنی بر جنسیت و بهبود خدمات برای سالمندان باشد. پس از این تعدیل بودجه، کشور همچنان می‌توانست به مشارکت در حفظ صلح، انجام تحقیقات و نجات و تضمین حاکمیت کانادا ادامه دهد.

۶.۳ تجزیه و تحلیل نرخ توزیع هزینه‌های عمومی تفکیک شده بر اساس جنسیت

این ابزار شبیه به تحلیل توزیع هزینه‌های عمومی است که در تحقیقات اقتصادی مرسوم استفاده می‌شود. این روش اساساً راهی برای فهمیدن اینکه هزینه یک سرویس برای هر فردی که خدمات را دریافت می‌کند چقدر است. تفاوت بین ابزار مرسوم و ابزار ترویج بودجه‌ریزی جنسیت محور این است که به تعداد زنان و مردانی که از این خدمات استفاده می‌کنند نگاه می‌کند. هنگامی که هزینه یک واحد خدمات محاسبه شد (هزینه کل خدمات تقسیم بر تعداد افرادی که خدمات دریافت می‌کنند)، سپس می‌توان مزایای زنان را (هزینه واحد تقسیم بر تعداد زنان دریافت کننده خدمات) در مقایسه با مزایای مردان (هزینه واحد تقسیم بر تعداد مردان دریافت کننده خدمات) نشان داد.

مادران بیش از پدران در گواتمالا روی فرزندان خود سرمایه گذاری می‌کنند.

گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۳ در مورد سرمایه گذاری در سلامت در گواتمالا نشان داد که زنان در استفاده از درآمد خود برای بهبود وضعیت تغذیه و سلامت کودکان بهتر از مردان هستند. این گزارش حاکی از آن است که در گواتمالا زمانی که درآمد توسط پدر به دست می‌آید، دستیابی به بهبود قطعی در تغذیه کودکان ۱۵ برابر دشوارتر از زمانی است که درآمد توسط مادر به دست می‌آید. اگرچه مادران شاغل ممکن است زمان کمتری برای شیر دادن یا مراقبت از فرزندان خود در هنگام شغل داشته باشند، شواهد نشان می‌دهد که این کاهش زمان مراقبت با مزایای سلامتی کودکان که از درآمد آنها حاصل می‌شود، جبران می‌شود.

۶.۴ تجزیه و تحلیل موارد مالیاتی تفکیک شده بر اساس جنسیت

این تکنیک تحقیقاتی جنبه درآمدی بودجه را بررسی می‌کند - این که چگونه دولت‌ها پول خود را به دست می‌آورند و چه معنایی برای مردان و زنان دارد. هر دو مالیات مستقیم و غیر مستقیم بررسی می‌شوند. تغییر (شیفت) از مالیات مستقیم (بر درآمد) به مالیات غیر مستقیم (مانند مالیات بر ارزش افزوده)، ممکن است تاثیر متفاوتی بر موقعیت اقتصادی زنان و مردان داشته باشد. از آنجایی که میانگین درآمد زنان کمتر از مردان است، زمانی که سیستم مالیاتی متری است، زنان مالیات کمتری نسبت به مردان می‌پردازند (به عنوان مثال وقتی که نرخ مالیات برای درآمدهای بالاتر بیشتر است). مالیات غیر مستقیم یعنی مردان و زنان به هنگام خرید کالاها فارغ از میزان درآمدها نرخ مالیاتی مشابهی می‌پردازند. همانگونه برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) آن را نشان داده است، معرفی یا افزایش تعرفه و نرخ استفاده از خدمات و کالاهای عمومی ممکن است آثار متفاوتی بر زنان و مردان داشته باشد.

آیا تعرفه و نرخ استفاده از نظر جنسیت خنثی است؟

در بسیاری از کشورها تعرفه کاربری یا سهم «برای ریسک شخصی» در بهداشت، آموزش و سایر خدمات عمومی معرفی می‌شوند. به این ترتیب دولت‌ها بودجه‌های عمومی را با کمک‌های فردی کاربران این خدمات تکمیل می‌کنند.

فلسفه اصلی پشت این اقدامات این است: استفاده کننده تعرفه می پردازد. ریزش منابع کاهش خواهد یافت. صرفه جویی در بودجه عمومی برای خدمات اجتماعی قابل تحقق است.

برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) تاثیر تعرفه‌های کاربران در کشورهای مختلف را تجزیه و تحلیل کرده و به این نتیجه رسید که دسترسی زنان و دختران فقیر به بهداشت، آموزش و آب پس از معرفی تعرفه‌های کاربران در این خدمات کاهش یافته است.

«تاثیر تعرفه‌های کاربری پیچیده و متنوع است، اما به ندرت از نظر جنسیت خنثی هستند. بررسی ما از استدلال‌های نظری و شواهد تجربی در مورد تعرفه‌های کاربران به سه نتیجه اصلی منجر می‌شود:

- پتانسیل آنها برای تکمیل بودجه اجتماعی بسیار محدود است.

- آنها اغلب منجر به کاهش شدید استفاده از خدمات، به ویژه در میان زنان و دختران و فقرا می‌شوند؛ و

- حفاظت از این گروه‌ها در عمل بسیار دشوار است.

به عبارت دیگر، تعرفه‌های کاربری اغلب نابرابری‌های جنسیتی را تشدید می‌کند.

۶.۵ تجزیه و تحلیل تفکیک جنسیتی از آثار بودجه بر استفاده از زمان

این روش به رابطه بین بودجه ملی و نحوه استفاده از زمان در خانواده ها می پردازد. این روش تضمین می کند که زمان صرف شده توسط زنان در کار بدون دستمزد در تحلیل سیاست ها محاسبه می شود. هنگامی که دسترسی به خدمات بهداشت عمومی برای گروه های خاصی کاهش می یابد (یعنی برای فقرا که توانایی پرداخت تعرفه های کاربری برای سلامتی را ندارند)، دیگران باید از این افراد بیمار مراقبت کنند. در طول دهه ۱۹۸۰، زمانی که بسیاری از کشورها اصلاحات اقتصادی (مانند برنامه های تعدیل ساختاری) را ارائه کردند، که بخشی از آن شامل کاهش هزینه های عمومی برای بهداشت و آموزش بود، مطالعات استفاده از زمان نشان داد که کار مراقبتی بدون دستمزد، به ویژه برای زنان فقیر افزایش یافته است. به این ترتیب هزینه مراقبت های بهداشتی عمومی به اقتصاد مراقبت های بدون دستمزد منتقل شد. متأسفانه دفاتر آمار به طور مستمر تحلیل های جنسیتی از تأثیر سیاست های دولت بر استفاده از زمان را انجام نمی دهند.

۶.۶ چارچوب سیاست اقتصادی میان مدت آگاه به جنسیت

این رویکرد تلاش می کند تا جنسیت را در مدل های اقتصادی که چارچوب های اقتصادی میان مدت مبتنی بر آن ها است، بگنجانند. یک چارچوب سیاست میان مدت، تخصیص بودجه را برای یک دوره سه یا چهار ساله تعیین می کند. اهداف، اولویت ها و شاخص های سیاست های دولتی را برای دوره میان مدت تعیین شده، تدوین می شود. سوال این است: چگونه می توان برابری جنسیتی را در این اهداف، اولویت ها، شاخص ها و معیارهای

حسابرسی این سیاست‌های اقتصادی میان مدت گنجانند؟ به عنوان مثال، وقتی دولتی می‌خواهد نرخ اشتغال را افزایش دهد، چه تدابیر خاصی باید اتخاذ کند تا تضمین کند که زنان گروه‌های مختلف جامعه (مهاجر، جوان، پیر، دارای معلولیت و غیره) به طور مساوی از مزایای این سیاست بهره مند شوند؟ آیا امکانات بیشتری برای مراقبت از کودکان مورد نیاز است؟ آیا سیاست خاصی برای توزیع مجدد کار مراقبتی بدون مزد بین مردان و زنان لازم است؟ آیا سیاست‌هایی برای شناسایی صلاحیت‌هایی که در کشورهای دیگر یا در اقتصاد مراقبت بدون دستمزد به دست آمده اند مورد نیاز است؟ آیا برای تضمین اینکه ترکیب پرسنل شرکت‌ها و ارگان‌های دولتی منعکس کننده ترکیب جمعیت است، سهمیه‌هایی لازم است؟

مراقبت حرفه‌ای و «پوشش مراقبتی بدون دستمزد»

تبدیل مراقبت‌های بهداشت عمومی حرفه‌ای به مراقبت‌های بهداشت غیررسمی (عمدتاً) بدون دستمزد می‌تواند برای بودجه‌های مراقبت‌های بهداشت عمومی و بودجه‌های مراقبت‌های بهداشتی شرکت‌های بیمه بسیار سودآور باشد. این را یک نظرسنجی در میان ۴۰۰۰۰ سالمند در هلند نشان داد.

محققان هزینه‌های مالی سالمندانی را که در خانه‌های مراقبت زندگی می‌کردند با هزینه‌های مالی افراد در همان رده سنی که در خانه می‌ماندند مقایسه کردند. قبل از شروع نظرسنجی، آنها فرض کردند که افراد مسنی که در خانه زندگی می‌کنند هزینه‌های بیشتری را برای کمک‌های مراقبتی، مانند مواد برای بی اختیاری ادرار یا وسایل حرکتی، مانند ویلچر، متحمل می‌شوند.

تحقیقات نشان داد که اینطور نیست. کسانی که در خانه‌های مراقبت زندگی می‌کنند دو برابر بیشتر از کسانی که در خانه زندگی می‌کنند از وسایل کمکی استفاده می‌کنند، در حالی که هر دو گروه مشکلات بهداشتی یکسانی داشتند. علاوه بر این، هزینه‌های یک مکان در خانه مراقبت سالمندان ۱۶۰۰۰ یورو در سال است، در حالی که یک فرد سالخورده که در خانه زندگی می‌کند به طور متوسط از ۱۰۰۰ یورو برای هزینه‌های مراقبت حرفه‌ای در خانه استفاده می‌کند. بنابراین تفاوت هزینه‌های مالی برای دولت و شرکت‌های بیمه ۱۵۰۰۰ یورو در سال است (SEO/SCP: ۲۰۰۴).

متأسفانه، این تحقیق جنسیت محور نیست و ارزش مراقبت بدون دستمزد برای سالمندانی که در خانه زندگی می‌کنند، یا سهم مردان و زنان در کار مراقبتی بدون دستمزد را در نظر نگرفته است. اما سایر آمارها نشان می‌دهد که تنها ۱۶ درصد از خدمات مراقبتی توسط متخصصان حقوق‌بگیر ارائه می‌شود، در حالی که مراقبت‌هایی که با ردای عشق پوشانده می‌شود، به اصطلاح پوشش مراقبتی بدون دستمزد برای افراد بیمار، سالخورده یا (ناتوان) ۸۴ درصد از کل نیروی کار مراقبتی در هلند را پوشش می‌دهد.

حدود ۳.۷ میلیون کارگر مراقبتی بدون دستمزد به نزدیک‌ترین اعضای خانواده، دوستان و همسایگان خود کمک می‌کنند که ۳۷ درصد از جمعیت بین ۲۰ تا ۶۵ سال را شامل می‌شود و بیشتر آنها زن هستند. این مراقبان، علاوه بر بار عاطفی، بار مالی بسیار زیادی را نیز متحمل می‌شوند. آنها سالانه ۸۳۰ میلیون یورو را

صرف هزینه‌های اضافی حمل و نقل، تلفن، نظافت، معیشت و سایر هزینه‌ها می‌کنند. علاوه بر این، مراقبین از درآمد بسیار زیادی، بین ۴۵۰ میلیون یورو تا ۱ میلیارد یورو صرف نظر می‌کنند، زیرا مجبورند شغل خود را رها کنند یا به طور موقت ساعات کاری خود را کاهش دهند تا به تعهدات مراقبتی خود عمل کنند (SCP: ۲۰۰۳).

به این ترتیب، مراقبان بدون مزد ۱۳۰۰ میلیون یورو تا ۱۸۰۰ میلیون یورو از بار مالی مراقبت را به جامعه یارانه می‌دهند. از آنجایی که اکثر مراقبین را زنان تشکیل می‌دهند، تبدیل مراقبت‌های بهداشتی عمومی به مراقبت‌های بدون دستمزد به معنای انتقال نامتناسب بار مراقبت‌های بهداشتی عمومی بر دوش زنان است.

Sources: Sociaal en Cultureel Planbureau (SCP), ۲۰۰۳ and SEO, University of Amsterdam, ۲۰۰۴

۶.۷ سند بودجه جنسیت آگاه

سند بودجه جنسیت آگاه شامل یک فرآیند پاسخگویی است که ممکن است از هر یک از ابزارهای فوق استفاده کند. این امر مستلزم درجه بالایی از تعهد و هماهنگی در سراسر بخش عمومی یا در بخش‌های مختلف یک نهاد است، زیرا مقامات آثار جنسیتی ردیف بودجه خود را ارزیابی می‌کنند. آنچه تولید می‌شود سند جامع است که نحوه استفاده از بودجه برای اهداف، اولویت‌ها و اهداف برابری جنسیتی، مشارکت مردان و زنان در درآمدهای دولت و سهم گروه‌های هدف زن و مرد از مزایای هزینه‌های عمومی را بیان می‌کند.

۶.۸ سخن پایانی

متقاعد کردن تصمیم گیرندگان در مورد مزایای بودجه‌ریزی جنسیتی آسان نیست. محدودیت‌ها و چالش‌های بودجه‌بندی جنسیتی مشابه مواردی است که در جریان‌سازی جنسیتی با آن مواجه می‌شویم. فقدان داده و یا داده‌های ضعیف مانعی در برابر تلاش‌های تحلیل جنسیتی است. تلاش‌های بودجه‌ریزی جنسیت محور در بسیاری از موارد مقامات مربوطه را تشویق کرده است تا مکانیسم‌های جمع‌آوری داده‌های بهتری را ایجاد کنند. یکی دیگر از چالش‌های آشنا فقدان مهارت در بین مسئولان برای انجام تحلیل جنسیتی است. در بخش‌های مالی و یا بودجه، جریان‌سازی جنسیتی و مشارکت اشخاص خارج از بازیگران عادی با مقاومت مقامات مسئول مواجه شده و شرایط سخت‌تر و ناهموارتر می‌شود. البته مسئله اساسی عدم تمایل دولت‌ها به پذیرش این مفهوم است که در نظر گرفتن جنسیت یک استراتژی اقتصادی مشروع می‌باشد.

بودجه‌ریزی جنسیت محور هم یک تلاش بسیار سیاسی و هم بسیار فنی است. به همین دلیل، نقش گروه‌های جامعه مدنی بسیار مهم است. چنین گروه‌هایی در طرح بحث سیاسی بسیار با تجربه هستند، اما با فرآیندهای فنی مربوط به تهیه بودجه آشنایی ندارند. این عدم آگاهی اغلب همچنین شامل نمایندگان مجلس نیز می‌شود. مهم است که تحت تأثیر پیچیدگی و احساس ماهیت دور از دسترس بودجه‌سازی قرار نگیرید. از یک سو، ابهام زدایی از فرآیندهای بودجه‌ریزی یک وظیفه است، از سوی دیگر، در میان گذاشتن اطلاعات از سوی مسوولان مالی و آموزش در حین کار کسانی که به ترویج برابری جنسیتی می‌پردازند یک نیاز واقعی است.

واژه نامه، منابع مفید و کتابشناسی

واژه نامه

Beneficiary assessment

ارزیابی بهره مندان

جمع آوری و تجزیه و تحلیل نظرات در مورد اینکه تا چه اندازه خدمات و برنامه‌ها با نیازها و اولویت‌های گروه‌های هدف مطابقت دارند. اطلاعات را می‌توان به روش‌های مختلف جمع آوری کرد، به عنوان مثال، از طریق نظرسنجی، و یا مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته

Budget

بودجه

برنامه ای است که چگونگی به دست آوردن و خرج کردن پول در یک دوره زمانی خاص یا برای یک فعالیت خاص را تعیین می‌کند.

Budgetary process

فرایند بودجه‌ریزی

به مراحل برنامه‌ریزی های بودجه اشاره دارد. اصولاً این مراحل عبارتند از:

- مرحله ۱: تدوین بودجه
- مرحله ۲: تصویب بودجه
- مرحله ۳: اجرای بودجه
- مرحله ۴: ارزیابی بودجه.

بودجه‌ریزی Budgeting

برنامه‌ریزی درآمدها و هزینه‌ها در یک دوره زمانی مشخص که شامل اولویت‌گذاری نیز می‌شود.

جامعه مدنی Civil society

سازماندهی داوطلبانه مردم در سازمان‌های غیردولتی/ غیر انتفاعی، مانند اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های زنان، سازمان‌های محیط زیست، کلیساها، باشگاه‌های ورزشی، شبکه‌های بیماران، گروه‌های ترویج‌گری، جنبش‌های جوانان، سازمان‌های همکاری توسعه، گروه‌های فشار، سازمان‌های مصرف‌کننده، و غیره. در مجموع، این نهادها به عنوان سرمایه اجتماعی جامعه شناخته می‌شوند.

سیاست‌های مالی Fiscal policies

سیاست‌های دولت که در آن مالیات برای دستیابی به اهداف سیاسی خاص مانند توزیع مجدد درآمد، رشد اقتصادی، برابری یا توسعه پایدار استفاده می‌شود.

جنسیت Gender

به تفاوت‌های اجتماعی زن و مرد اشاره دارد. جنسیت مشخص‌کننده روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بین زنان و مردان است. روابط جنسیتی از مکانی به مکان دیگر و در طول زمان متفاوت است. آنها در پاسخ به شرایط در حال تغییر، تغییر می‌کنند. در حالی که، جنس تفاوت بیولوژیکی بین زنان و مردان را مشخص می‌کند که ثابت باقی می‌ماند.

Gender audit **ممیزی جنسیت**

ارزیابی میزان نهادینه شدن کارآمد برابری جنسیتی در سیاست‌ها، برنامه‌ها، ساختارهای سازمانی و رویه‌ها (از جمله فرآیندهای تصمیم‌گیری) در بودجه‌های مربوطه.

Gender budget analysis **تحلیل بودجه‌ریزی جنسیت محور**

تحلیل تأثیر مخارج و درآمد (دولت) بر موقعیت و فرصت‌های اجتماعی مردان، زنان، پسران و دختران و روابط اجتماعی بین آنها. تحلیل بودجه‌ریزی جنسیت محور به تصمیم‌گیری در مورد چگونگی تنظیم سیاست‌ها برای دستیابی به حداکثر تأثیر آنها کمک می‌کند تا معلوم شود منابع برای دستیابی به توسعه انسانی و برابری جنسیتی در کجا باید مجدداً تخصیص داده شوند.

Gender budgeting **بودجه‌ریزی جنسیت محور**

بکارگیری دیدگاه جنسیتی در برنامه‌های مالی و فرآیند بودجه، با در نظر گرفتن نیازها و اولویت‌های (گروه‌های مختلف) زنان و مردان، با توجه به نقش‌های متفاوتی که در خانه، محل کار و جامعه دارند.

Gender budget initiatives **ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور**

ابتکاراتی که بر بررسی و تجزیه و تحلیل بودجه برای دریافت تصویری از آثار بودجه بر (گروه‌های مختلف) زنان و مردان و تدوین راهبردهایی برای برابری جنسیتی متمرکز است.

تفکیک جنسیتی داده های آماری

Gender disaggregating of statistical data

مشخصات داده ها برای زنان / دختران در مقایسه با مردان / پسران. تجزیه (یا تفکیک) آمارهای اجتماعی-اقتصادی برای نشان دادن تفاوتها و شباهت ها بین (گروههای مختلف) زنان/دختران و مردان/پسران. این داده ها برای بودجه ریزی جنسیت محور ضروری هستند - در غیر این صورت ارزیابی آثار بودجه بر روابط جنسیتی غیرممکن است.

برابری جنسیتی

Gender equality

وضعیتی که در آن زنان و مردان از حقوق و فرصت های برابر برخوردارند، به نحوی که رفتار، آرزوها، خواسته ها و نیازهای زنان و مردان به طور یکسان مورد توجه و پسند قرار گیرد.

جریان سازی جنسیت

Gender mainstreaming

فرآیند ارزیابی پیامدهای هر اقدام برنامه ریزی شده، از جمله قوانین، سیاستها یا برنامهها، در هر زمینه و در همه سطوح برای زنان و مردان. جریان سازی جنسیتی راهبردی برای تبدیل دغدغه ها و تجربیات زنان و مردان به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی سیاستها و برنامهها در تمامی حوزه های

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که زنان و مردان به طور مساوی از مزایای آن بهره مند شوند و نابرابری تداوم نیابد. هدف نهایی جریان سازی جنسیت، دستیابی به برابری جنسیتی است (تعریف شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد - ECOSOC، ژوئیه ۱۹۹۷).

دیدگاه جنسیتی

Gender perspective

دیدگاهی که به فرد اجازه می‌دهد تا ویژگی‌هایی را که زنان و مردان را به شیوه‌های خاص تعریف می‌کند، از جمله شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها، درک و تحلیل کند. به گفته سازمان بین‌المللی کار، دیدگاه جنسیتی «ابزاری برای مواجهه با واقعیت از طریق زیر سوال بردن روابط قدرت برقرار شده بین زن و مرد و به طور کلی روابط اجتماعی است. این یک چارچوب مفهومی، یک روش تفسیر و ابزار تحلیل انتقادی است که تصمیم‌گیری‌ها را هدایت می‌کند، دیدگاه‌ها را گسترش و تغییر می‌دهد و ما را قادر می‌سازد مفاهیم را بازسازی نگرش‌ها را موشکافی کنیم، سوگیری‌ها و شرایط جنسیتی را شناسایی کرده و در ادامه بازنگری و اصلاح آن‌ها را از طریق گفتگو در نظر بگیریم.» (Cinterfor-۱۹۹۶)

روابط جنسیتی

Gender relations

روابط اجتماعی فرهنگی تعیین شده بین زنان و مردان

بودجه‌های دولتی

Government budgets

برنامه‌های مالی برای هزینه‌ها و درآمدهای دولت که بر اساس قوانین و مقررات تنظیم شده و باید توسط نمایندگان منتخب دموکراتیک (یعنی اعضای مجلس) تصویب شود. بودجه دولت اهداف سیاستی کلی خاصی را دنبال می‌کند، مانند رشد اقتصادی، ثبات قیمت، اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد، تامین اجتماعی، آموزش اجباری تا سن معین، دسترسی به مقررات بهداشتی، حقوق بشر، رهایی، استفاده پایدار از منابع طبیعی، مسکن برای همه و غیره.

امضای سیاسی یک دولت خاص اولویت‌های اصلی را در دوره قدرت آن مشخص می‌کند. این اولویت‌ها هر سال در سند بودجه سالانه مشخص می‌شود. سند بودجه سالانه یکی از مهمترین اسنادی است که توسط دولت تهیه شده و تعیین می‌کند که چگونه درآمدها به دست آمده و هزینه شود.

تولید ناخالص داخلی

Gross

Domestic

Product (GDP)

کل ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک کشور در یک دوره زمانی معین، پس از کسر بهای تمام شده کالاها و خدمات مورد استفاده در فرآیند تولید، اما قبل از استهلاک می باشد.

رویکرد در هم تنیده جنسیت

Intersectional gender approach

روش تحقیقات اجتماعی که جنسیت، قومیت، طبقه، تمایلات جنسی و سایر تفاوت‌های اجتماعی بطور همزمان تحلیل می‌شود.

سازمان غیر دولتی

NGO

سازمان غیر دولتی که به صورت غیر انتفاعی اداره می‌شود.

درآمد عمومی

Public revenues

درآمد دولت که معمولاً شامل مالیات مستقیم و غیر مستقیم و مشارکت اجتماعی است.

- A Guide to Budget Work for NGOs, The International Budget Project, Washington, DC www.internationalbudget.org
- Budlender, Debbie, Rhonda Sharp and Kerri Allen (1999). How to do a Gender-Sensitive Budget Analysis: Contemporary Research and Practice, London: Commonwealth Secretariat; Canberra: Australian Agency for International Development (AusAid).
- Commonwealth Secretariat (1999). A Quick Guide to Gender Mainstreaming in Finance, developed by Gita Sen, Gender Management System Series, London: Commonwealth Secretariat.
- order online: www.thecommonwealth.org
- Commonwealth Secretariat (2002) Gender Budgets Make Cents Debbie Budlender, Diane Elson, Guy Hewitt and Tanni Mukhopadhyay authors, London.
- Commonwealth Secretariat (2002) Gender Budgets Make More Cents Debbie Budlender and Guy Hewitt, authors, London.
- Commonwelath Secretariat (1999). Gender Budget Initiative: A Commonwealth Initiative to Integrate Gender into National Budgetary Processes.
- Crawley, Marie, and Louise O'Meara (2002). Gender Proofing Handbook. An Initiative of Six County Development Boards, NDP Gender Equality Unit, Department of Justice, Equality & Law Reform, Ireland. www.ndpgenderequality.ie
- Elson, D. (2002b) "Gender Responsive Budget Initiatives: Key Dimensions

and Practical Examples” in Gender Budget Initiatives: Strategies, Concepts and Experiences, UNIFEM, NY.

- European Women’s Lobby (2004) Gender budgeting. An overview by the European Women’s Lobby. Katrin Hugendubel, Mary Mc Phail, Cécile Gréboval, Brussels.
- Hurt, Karen and D. Budlender, (1998) Money Matters: Women and the government budget, Idasa, Capetown, South Africa. www.idasa.org.za
- Hurt, Karen and D. Budlender, (2000) Money Matters Two: Women and The local government budget, Idasa, Capetown, South Africa. www.idasa.org.za
- BIBLIOGRAPHY
- Aguilar, Lorena, R. Rodriguez Villalobos and L. Rodriguez Villalobos (1997): Nudos y desnudos. (IUCN-ORMA/ Embajada Real de los Países Bajos) San José, Costa Rica.
- Aguilar, Lorena - coordinadora (1999): Hacia la equidad. Serie de capacitación para aplicar el enfoque de género en los proyectos de desarrollo. Área Social de la Unión Mundial para la Naturaleza - UICN-Mesoamérica y la Fundación Arias para la Paz). San José, Costa Rica
- Bakker, I. (2002): “Fiscal Policy, Accountability and Voice: The Example of Gender Responsive Budget Initiatives Background paper for Human Development Report.
- Barry, Ursula, J. Pillinger and S. Quinn, Report on Regional Gender Budget Initiative in Ireland, 2004 (forthcoming) NDP Gender Equality Unit, Department of Justice, Equality and Law Reform, Ireland. www.ndpgenderequality.ie
- Bellamy, Kate (2002), Introducing Gender Budgeting & the UK Women’s Budget Group, paper presented at the conference “Gender and Public Budgets”, Vitoria (Spain), 10-9 december 2002 (see: <http://www.emakunde.es>).

- Beveren, Jacintha van (2002), Gender Budget Analysis: A first step, paper presented at the conference "Gender and Public Budgets", Vitoria (Spain), 10-9 december 2002 (see: <http://www.emakunde.es>).
- Bock, Betina, P. Derkzen, J. Joosse: Leefbaarheid in reconstructiebeleid: een vrouwenzaak? Een vergelijkende studie van het reconstructieproces in Gelderland en Overijssel. Wageningen Universiteit, april 2004.
- Boer, A.H. de, R. Schellingerhout and J.M. Timmermans (2003): Mantelzorg in getallen. Sociaal Cultureel Planbureau (SCP), the Netherlands
- Budlender, D., J. Hicks and L. Vetten (2002) South Africa: Expanding into diverse initiatives pp. 171-152, in Gender Budgets Make More Cents, Commonwealth Secretariat, London.
- Budlender D. (2002), Gender budgets: what's in it for NGOs?, in: Gender and Development, vol. 10, no. 3, pp. 87-82.
- Budlender, Debbie, (ed.) (1999), The Fourth Women's Budget, developed by the Institute for Democracy in South Africa (IDASA), the Parliamentary Committee on the Quality of Life and Status of Women and the Community Agency for Social Enquiry. Cape Town: Institute for Democracy in South Africa.
- Demery, L. (1997), Gender and Public Social Spending: Disaggregating Benefit Incidence, Washington, D.C.: Poverty and Social Policy Department, World Bank.
- available online :www.worldbank.org/gender/projects_programs/ionelx.htm
- Elson, Diane (1994), Micro, Meso, Macro: Gender and Economic Analysis in the Context of Policy Reform; in The Strategic Silence: Gender and Economic Policy, edited by Isabella Bakker, London: Zed Books.
- Elson, Diane (1997), Gender-neutral, Gender-blind, or Gender-sensitive Budgets? Changing the Conceptual Framework to Include Women's Empowerment and the Economy of Care, Commonwealth Secretariat,

Gender Budget Initiative: A Commonwealth Initiative to Integrate Gender into National Budgetary Processes, London: Commonwealth Secretariat.

- Elson, Diane (1997), Integrating Gender Issues into National Budgetary Policies and Procedures within the Context of Economic Reform: Some Policy Options, Commonwealth Secretariat, Gender Budget Initiative: A Commonwealth Initiative to Integrate Gender into National Budgetary Processes, London: Commonwealth Secretariat.
- Elson, Diane (2000), Gender Budget Initiatives as an aid to Gender Mainstreaming, paper OECD, November 2000. European Union (1996), Fourth Action Programme on Equal Opportunities for Women and Men (2000-1996). European Union (2000), Programme relating to the Community Framework Strategy on Gender Equality (2005-2001).
- European Union (2000), Communication from the Commission to the Council, The European Parliament, The Economic and Social Committee and the Committee of the Regions towards a Community Framework Strategy on Gender Equality (2005-2001).
- Goetz, Anne Marie. (1999). "Auditing Local Development Expenditure From a Gendered Perspective: Nascent Initiatives in India". Presentation at the UNDP Workshop on Pro-Poor, Gender- and Environment-Sensitive Budgets, New York.
- Government of France (2001), Draft 2001 Budget Act: Review of Appropriations for Actions in Support of Women's Rights, p. 13 (Translated by OECD for 22nd Annual Meeting of Senior Budget Officials), May 2001, PUMA/SBO 7(2001).
- Hamadeh-Banerjee, L. (2000) "Budgets: The Political Bottom Line" in Women's Political Participation and Good Governance: 21st Century Challenges, United Nations Development Programme, New York.
- Hewitt, Guy (2001): Gender Responsive Budget Initiatives: Tools and Methodology. Commonwealth Secretariat, London. Heyzer, Noeleen (2001): Towards Gender-Responsive Budgeting. UNIFEM, New York.

- Himmelweit, S. (2002) "Making Visible the Hidden Economy: The Case for Gender-Impact Analysis of Economic Policy", *Feminist Economics* 1(8), pp 70–49.
- Hurt, Karen, and Debbie Budlender (1998), *Money Matters - Women and the Government Budget*, Cape Town: Institute for Democracy in South Africa
- International Labour Organisation (ILO), *Gender Equality Tool*, Geneva, -1996 2004.
- Lagarde, Marcela (1997): *Genero y Feminismo. Desarrollo humano y democracia*. (Horas y Horas) Madrid.
- McKay, and R. Fitzgerald (2003) *Gender Responsive Budgeting in the Autonomous Community of the Basque Country, Spain*.
- Ministry of Social Affairs and Employment (The Netherlands), Department for the co-ordination of Emancipation Policy (June 2001), 'Gendermainstreaming. A strategy for quality improvement', Advisory report by the Interdepartmental Working Group on Mainstreaming. The Hague.
- Osch, Thera van: *Gender, vrouwen en ontwikkeling*. In: *FENN-Mail*, Jaargang 5, nr. 1, (Feminist Economic Network in the Netherlands), Amsterdam, Feb. 2000.
- Osch, Thera van (2004): *Analysis of the economy of care. The case of The Netherlands* (forthcoming)
- Rake, Katherine (2000), *Into the mainstream? Why gender audit is an essential tool for Policy-makers*. *New Economy*, Vol. 7,
- No. 2 (p. 110-107), June 2000.
- Rake, Katherine (2002), *Gender Budgets: The experience of the UK's women's Budget Group*. A paper prepared for the conference «Gender Balance - Equal Finance». Basel Switzerland, March 2002.

- Rosselli, Annalisa (2002), Gender Audit of Government Budgets in Italy, Vitoria (Spain), 10-9 december 2002 (see: <http://www.emakunde.es> and <http://fondazionezaninoni.com>).
- Rusimbi, Mary: A case study on strategies for transforming and mainstreaming gender into national planning and budgeting processes & macro-economic policies in Tanzania; the case of gender budget initiative (GBI). Tanzania Gender Networking Programme (TGNP), 2001.
- Sacayón Manzo, Eduardo, 1997: Guatemala: perfil económico con una perspectiva de género. In: Elson, Diana e.o.: Crecer con la Mujer; oportunidades para el desarrollo económico centroamericano. San José (Embajada Real de los Países Bajos).
- Sharp, R., and Broomhill, R. (1990), «Women and Government Budgets,» Australian Journal of Social Issues, 1990 :(1)25, pp. 14-1.
- Sharp, R., and Broomhill, R. (1998),. «International Policy Developments in Engendering Government Budgets,» Canberra Bulletin of Public Administration, Canberra.
- Sharp, R. (2003) Budgeting for Equity, Gender Budget Initiatives within a framework of performance based budgeting, UNIFEM, NY.
- SEO/SCP (2004): Verzorgingshuis veel duurder dan thuiswonen. Persbericht 3 augustus 2004, Stichting voor Economisch Onderzoek van de Universiteit van Amsterdam
- Staveren, Irene van (2001), «Gender-biases in Finance» Gender and Development 1) 9), pp. 17-9.
- Staveren, Irene van (2002), «Global Finance and Gender» in: Jan-Aart Scholte and Albrecht Schnabel (eds.) Civil Society and Global Finance. London: Routledge.
- United Nations Development Fund for Women (UNIFEM) (2002). Gender

Budget Initiatives. Strategies, Concepts and Experiences. Papers from a High Level International Conference «Strengthening Economic and Financial Governance Through Gender Responsive Budgeting», 18-16 October 2001, Brussels. http://www.unifem.undp.org/gender_budgets/index.html

- Vandemoortele, Jan: Are user fees and narrow targeting gender-neutral? New York (UNDP) October 2001.
- Women's Budget Group (2000), Submission to H.M.Treasury on the proposal for an Integrated Child Credit. London.
- Women's Budget Project (1996), Women's Budget, Women's International League for Peace and Freedom (U.S. Branch), 1996.
- available online: www.voiceofwomen.com/budget.html

بودجه‌ریزی برای همه

راهنمای ابتکارات بودجه‌ریزی جنسیت محور



همه‌مون
hamamoun